

فصلنامه مطالعات ایلام‌شناسی

فصلنامه علمی تخصصی باستان‌شناسی، شماره ۱۹، سال پنجم، تابستان ۱۴۰۰ خورشیدی
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: دکتر حبیب‌اله محمودیان

سر دبیر: دکتر سیاوش یاری

مدیر اجرایی: مهندس آزاده محمودیان

ویراستار فارسی: مهندس علی محمدنیاکان

مدیر امور فنی و رسانه: مهندس امید محمودیان

مترجم انگلیسی: دکتر پریسا پورمحمدی

صفحه آرا: معصومه صفایی‌نیا

شماره پروهانه: ۷۸۸۰۹ - ۱۳۹۵/۱۰/۶

ناشر: انتشارات زاگرو، ایلام

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

بها: هفتاد و پنج هزار تومان

نشانی دفتر فصلنامه: ایلام، خیابان اشرفی اصفهانی، کوچه سوم، پلاک ۲۱۷ کد پستی:

تلفن: ۰۶۹۳۱۸۵۸۳۱۵ - ۳۳۳۳۴۳۱۸ --- ۰۸۴ -

habibmahmoodian@yahoo.com

پست الکترونیک:

Ilamzagro@Gmail.com

http://www.ilamstudy.ir

سامانه فصلنامه :



اعضای هیئت تحریریه:

دکتر شاهین حیدری استاد دانشگاه تهران

دکتر حاجی کریمی استاد دانشگاه ایلام

دکتر غلامحسین کریمی دوسان استاد دانشگاه تهران

دکتر سیاوش یاری دانشیار دانشکده علوم انسانی دانشگاه ایلام

دکتر رضا خانی دانشیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه ایلام

دکتر کرم ادیبی فرازدانشگاه متروپلیتین ایالت دنور امریکا

دکتر محسن توکلی دانشیار دانشگاه ایلام

دکتر لیلی نیاکان استادیار گروه باستان شناسی پژوهشگاه میراث فرهنگی

دکتر لیلا خسروی استادیار گروه تاریخ پژوهشگاه میراث فرهنگی

دکتر فرنگیس درویشی استادیار دانشگاه آزاد اسلامی - واحد کازرون

دکتر علی خاکی استادیار دانشگاه فرهنگیان

دکتر ابراهیم مرادی استادیار دانشگاه آزاد اسلامی - واحد ایلام

دکتر خداکرم مظاهری استادیار دانشگاه آزاد اسلامی - واحد ایلام

دکتر پریسا پورمحمدی مدرس دانشگاه هنر شیراز

ویژگی‌های کلی مقاله

- مقاله باید نتیجه تحقیقات نویسنده / نویسندگان باشد.
- نباید در نشریه دیگری منتشر شده باشد.
- انتشار مقاله، منوط به تأیید نهایی هیئت تحریریه فصلنامه است.
- مسئولیت مطالب و محتوای مقاله بر عهده نویسنده / نویسندگان است.
- مجله در ویرایش ادبی و فنی مقاله بدون تغییر محتوای آن آزاد است.
- نام کامل نویسنده، مرتبه علمی، دانشگاه محل تدریس یا تحصیل، رشته تحصیلی و شماره تلفن نویسنده در صفحه جداگانه‌ای ضمیمه شود.
- ارسال مقاله از طریق سامانه یا پست الکترونیک فصلنامه مطالعات ایلام شناسی امکان‌پذیر است.
- ساختار مقاله:** مقاله باید دارای چکیده، مقدمه، متن اصلی، نتیجه‌گیری، پی‌نوشت، منابع و چکیده انگلیسی باشد.
- عنوان:** نام کلی مقاله، به نحوی که گویا و بیانگر محتوای مقاله باشد.
- مشخصات نویسنده:** شامل نام و نام خانوادگی، مرتبه علمی، رشته تحصیلی، دانشگاه محل تدریس و یا تحصیل وی باشد.
- چکیده:** شرح جامعی از مقاله با واژه‌های محدود شامل: بیان مسئله، هدف، روش تحقیق و یافته‌های پژوهش. در ضمن، چکیده مقاله نباید از ۲۰۰ واژه (۱۲ سطر) بیشتر باشد.
- واژگان کلیدی:** شامل ۴ تا ۷ واژه تخصصی باشد.
- مقدمه:** شامل طرح مسئله اصلی و هدف پژوهش است. در این بخش به اجمال سوابق پژوهشی در حیطه مسئله مورد نظر مطرح شود.
- متن اصلی:** شامل متن اصلی مقاله است و می‌تواند با جدول، تصویر و نمودار و ... همراه باشد.
- نتیجه‌گیری:** شامل خلاصه و نتیجه‌گیری است.
- پی‌نوشت:** توضیحات ضروری که پس از نتیجه‌گیری می‌آید.
- منابع و مآخذ:** فهرست‌نویسی ارجاعات مقاله بر مبنای شیوه نامه مجله.
- چکیده انگلیسی:** چکیده انگلیسی عیناً ترجمه چکیده فارسی باشد.

شیوه تنظیم متن: مقاله با قلم (فونت) B zar و اندازه ۱۳، فاصله بین خطوط ۱،۵ (single) و در فرمت word نوشته شده باشد.

چکیده، واژه‌های کلیدی، منابع، ارجاعات داخل پرانتز، شعرها و هر مطلبی که درون پرانتز بیاید، باید با اندازه ۱۱ نوشته شود.

نقل قول‌های مستقیم بیش از پنج سطر، جدا از متن اصلی و با همان قلم، ولی با اندازه ۱۱ نوشته شود.
شیوه ارجاع به منابع: ارجاعات مندرج در مقاله، مستند و مبتنی بر منابع معتبر باشند. ارجاع داخل متن شامل: نام خانوادگی نویسنده، سال چاپ اثر: شماره صفحه یا صفحات. مثال فارسی: (نگهبان، ۱۳۷۶: ۵۴)، لاتین: (Smith1999: 33).

ارجاع به اسناد تاریخی: عنوان سند، شماره طبقه‌بندی و دسترسی، نام آرشیو کتاب.
ارجاع به کتاب در قسمت منابع پایانی: نام خانوادگی مؤلف، نام مؤلف، تاریخ نشر، عنوان کتاب، نام و نام خانوادگی مترجم یا مصحح، جلد، نوبت چاپ، نام ناشر، محل نشر.
ارجاع به مقاله: نام خانوادگی مؤلف، نام مؤلف، تاریخ نشر اثر (داخل پرانتز)، عنوان مقاله مورد استفاده (داخل گیومه)، نام و نام خانوادگی مصحح یا مترجم، عنوان اصلی دانشنامه یا فصلنامه و مجله، دوره یا سال انتشار، شماره صفحات مقاله.

ارجاع به پایان‌نامه: نام خانوادگی مؤلف، نام مؤلف، سال دفاع (داخل پرانتز)، عنوان رساله، مقطع دفاع شده، نام و نام خانوادگی استاد راهنما، نام دانشگاه و دانشکده محل تحصیل.

ارجاع به سایت‌های اینترنتی: نام خانوادگی مؤلف، نام مؤلف، تاریخ درج مطلب در وبگاه (درون پرانتز)، عنوان مقاله یا اثر (داخل گیومه)، نشانی الکترونیکی وبگاه.

منابع مقاله به صورت الفبایی و براساس نام خانوادگی مؤلف تنظیم شود؛ منابعی که در پایان مقاله ذکر می‌شود، همان منابعی باشند که در داخل متن استفاده شده است. عنوان کتاب‌ها و مقاله‌ها در منابع پایان مقاله به طور کامل ذکر شود. منابع غیرفارسی، پس از منابع فارسی آورده شود.

توجه: تمام مقالات دریافتی، توسط دو داور، داوری خواهند شد.

عنوان	صفحه
▪ شناخت و معرفی سکه های الیمایی موجود در موزه یاسوج..... ۶	۶
▪ دکتر فرنگیس درویشی طاهره امینی شهرضایی..... ۶	۶
▪ بررسی باستان شناختی صنایع دستی سنتی در سکونتگاه های تاریخی زاگرس (مطالعه موردی: اشیای سنگی)..... ۳۷	۳۷
▪ دکتر حبیب اله محمودیان..... ۳۷	۳۷
▪ پیش درآمدی بر الگوهای هندسی در معماری ایران از دوره باستان تا به امروز دکتر علی خاکی..... ۶۴	۶۴
▪ خاستگاه خط، اروند رود یا هلیل رود. پاسخ ما در این جدال چیست؟ ۸۴	۸۴
▪ رحیم تیزی..... ۸۴	۸۴
▪ مطالعه و بررسی تحولات جمعیتی ناحیه چوار در عصر آهن III..... ۹۸	۹۸
▪ صید محمد درخشنده، دکتر خداکرم مظاهری، دکتر پریسا پورمحمدی..... ۹۸	۹۸
▪ بررسی ویژگی های معماری سنتی شهر باستانی صیمره..... ۱۴۴	۱۴۴
▪ مهندس آزاده محمودیان..... ۱۴۴	۱۴۴
▪ چکیده انگلیسی مقالات..... ۱۸۱	۱۸۱

شناخت و معرفی سکه‌های الیمایی موجود در موزه یاسوج

دکتر فرنگیس درویشی^۱ طاهره امینی شهرضایی^۲

چکیده

سکه‌های متعدد و متنوعی از حاکمان محلی الیمایید بر جای مانده است که در بازسازی تاریخ سیاسی - اجتماعی این اقوام و نیز شناسایی اقتصاد، فرهنگ و هنر آنان بسیار حائز اهمیت‌اند. بنابر گزارش‌های مورخان یونانی و رومی و همچنین، آثار و شواهد باستان شناختی، الیمایی‌ها پس از گسترش سلطه سلوکیان در ایران، در نواحی شمالی خوزستان، بین کوه‌های بختیاری و بخش‌های کوهستانی زاگرس جنوبی، حکومتی محلی تشکیل دادند و تا انقراض حکومت اشکانیان و ظهور ساسانیان حکمرانی کردند. برخی از پژوهشگران نام الیمایی را به معنای «ایلام کوچک» دانسته و بر این باورند که آنان بازمانده ایلام کهن و حاکمان قدرتمندی بودند که بعدها در دوره سلوکی و اشکانی با فرصت‌هایی که به دلیل ضعف حکومت‌های مرکزی به دست آوردند، دامنه نفوذ و تسلط خود را به مناطق هموار گسترش، و حکومت‌های نیمه مستقل و گاه مستقلی را تشکیل دادند و مبادرت به ضرب سکه نمودند. حاکمان الیمایی در آغاز به تقلید از سلوکیان و سپس، به تبعیت از اشکانیان سکه‌های خود را ضرب کردند. پژوهش حاضر در باره معرفی ۶۰ عدد سکه از حاکمان الیمایی موجود در موزه یاسوج است. در این مطالعه که به روش توصیفی و بر مبنای تحلیل اسناد انجام شد، سکه‌ها به صورت مستقیم مورد مشاهده و عکسبرداری قرار گرفتند. با

^۱ - استادیار گروه باستان شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی - واحد کازرون، ایران

^۲ - دانشجوی کارشناسی ارشد گروه باستان شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی - واحد کازرون، ایران

توجه به خوانش خطوط روی سکه ها، مطالعه چهره حاکمان الیمایی، بررسی نمادهای مذهبی و نشانه های ضرابخانه بر روی این سکه ها، مشخص گردید. یک عدد از سکه ها مربوط به گروه اول (حاکمان الیمایی موسوم به دودمان کامناسکیرس) و قبل از سال های سی پیش از میلاد است. ۵۹ عدد از سکه ها هم مربوط به گروه دوم (حاکمان الیمایی موسوم به دودمان اشکانی) است که در بازه زمانی سال های ۵۰ تا ۱۲۵ میلادی ضرب شده اند و متعلق به ارد دوم، فرهاد دوم، کامناسکیرس ارد اول و ارد چهارم می باشند.

واژگان کلیدی: حاکمان محلی الیمایی، سکه های الیمایی، سلوکیان، اشکانیان، موزه یاسوج.

مقدمه (بیان مسئله)

الیمایی بر قسمتی از منطقه ایلام کهن که بین کوه های بختیاری تا قسمت شرقی شوش واقع بود، اطلاق می شود (بیانی، ۱۳۷۴: ۵). هانسمن معتقد است که اولین اشاره به الیمائیان توسط نثرخوس، در یاسالار اسکندر مقدونی، در بخشی از گزارش استرابون آمده است و «الیمائی» را یکی از چهار قبیله غارتگر در جنوب غربی ایران کنونی می داند که خراج از پادشاهان ایرانی (هخامنشی) برداشت می کردند. استرابون الیمایی را منطقه ای ناهموار می داند که هم مرز با شوش است و محل سکونت سربازانی است که با شوشانی ها جنگ کردند (Strabo, 15.3.12, 16.1.17). بنابراین گزارش، سرزمین الیمائیان تنها بخشی از استان کنونی خوزستان را دربر می گرفت. نام الومایس (الیمایی) ممکن است به معنای ایلام کوچک باشد، کاربرد این نام به احتمال زیاد برای تمایز این منطقه از بخش اصلی سرزمین های قدیمی ایلام (شامل دشت های شوش) در نظر گرفته شده است؛ اما هرازگاهی در طول قرن ها پادشاهان الیمایی شوش را نیز تحت کنترل داشتند (Hansman, 2011: 373). پاتس نیز، الیمایی را یونانی شده ایلام

دانسته و الیماییان را بازماندگان ایلامیان می‌داند. او بر اساس شواهد و مدارک به دست آمده در مکان‌های مهمی چون شوش در واپسین سده‌های پیش از میلاد و مسجد سلیمان، تنگ سروک و برد نشانده، در نخستین سده‌های میلادی، بقایای ایلام را به منزله یک قومی با زبانی مستقل در دوره پس از سلطه اسکندر بر غرب آسیا می‌داند (پاتس، ۱۳۸۵: ۵۹۳). پاتس و دیگران بر نوشته‌های نویسندگان یونان و خطوط میخی بابلی معاصر با الیماییان و همین‌طور استفاده آنان از نوعی خط آرامی میانه در نقوش برجسته تنگ سروک که شباهت بسیاری به خط به کار رفته در بین النهرین جنوبی در سده‌های دوم و سوم میلادی دارد، تکیه می‌کنند (محمدی فر، ۱۳۹۶: ۱۵۳). بنابر آثار و شواهد موجود در منطقه خوزستان به ویژه ایزه می‌توان یک خط سیر از حضور این اقوام از ۳۰۰۰ سال پیش از میلاد مشاهده نمود. نقش برجسته‌های ایلامی در کنار نقش برجسته‌های الیمایی که از نظر هنر حجاری بسیار به هم نزدیک‌اند، نشان از هنری موروثی دارند که نسل به نسل در میان آن‌ها تداوم داشته است (علیزاده، ۱۳۹۰: ۴۷). کاراشند گسترش جغرافیایی الیمایی را از حدود قرن سوم پ.م تا قرن دوم میلادی به کمک منابع باستان، به چهار دوره تقسیم می‌کند. دوره اول (پیش از قرن دوم ق.م) مفهوم الیمایی نمی‌تواند با سوزیانا یا پارس یکی باشد و احتمالاً الیمایی‌ها قبیله‌ای راهزن بوده‌اند. دوره دوم که بین قرن دوم ق.م و دوره استرابون (حدود ۶۴ ق.م تا ۲۰ میلادی) است. الیمایی‌ها دولتی را در کنار بخش بالایی رود کرخه و بخش بالایی رود کارون تشکیل دادند. مرز آشکار بین الیمایی و سوزیانا جلگه رود هدیفون (رود چرامی کنونی) است؛ زیرا، ابتدا این منطقه در اختیار سلوکیان و سپس، در دست پارتیان بوده؛ بدین معنا که این جلگه به شوش تعلق داشته است. الیمایی‌ها حتماً فقط چند سالی (۱۴۰-۱۴۵ ق.م) موفق به تصرف

شوش شده‌اند. بنابراین نظر کاراشند، دوره سوم با میلاد مسیح آغاز می‌شود. این دوره را با اثر پلینیوس بهتر می‌توان شناخت و می‌توان فهمید که «اولائوس» احتمالاً کرخه کنونی مرز بین سوزیانا و الیمایی بوده است. از روی سکه‌ها می‌توان دوره چهارمی را نیز برای دولت الیمایی‌ها تعیین کرد و این زمان، قرن دوم پس از میلاد است که شوش تحت سلطه الیمایی قرار گرفت (محمدی‌فر و دیگران، ۱۳۹۱: ۲۱۴ و ۲۴۲). بدین ترتیب، پس از به قدرت رسیدن سلوکی‌ها، شاهک نشین‌هایی در غرب و جنوب غربی ایران شکل گرفتند که مهمترین آنها دولت الیمایی بود. ظاهراً پیش از جلوس آنتیوخوس چهارم (۱۸۵-۱۶۴ ق.م) به استقلال نسبی رسیده بود. بعد از مرگ آنتیوخوس چهارم، کمنسکیرس ولایت گابیانه را نیز، به قلمرو خود افزود و برای خود عنوان «شاه بزرگ پیروز» اختیار نمود. سپس، حدود قلمرو خود را تا خلیج فارس امتداد داد (پاکزادیان، ۱۳۸۶: ۱۱). بنابراین، کاسته شدن قدرت سلوکیان در شرق فرصتی برای تقویت الیمایی‌ها فراهم آورد؛ اما این با قدرت گرفتن تدریجی پارتیان در فلات ایران همراه بود که هر یک خواهان قلمرو الیمایی بودند (Henning, 1952: 165). پس از شکست دیمتریوس دوم سلوکی توسط مهرداد اول اشکانی (۱۳۸ ق.م)، الیمایی به عنوان یک شاهک نشین نیمه مستقل توسط حاکمان محلی از دودمان «کمنسکیرس» اداره می‌شد که در طی دوران حکمرانی‌شان به ضرب سکه پرداختند. از اعتقادات و باورهای مذهبی الیمایی‌ها اطلاعات زیادی در دست نیست؛ اما بر طبق نوشته‌ها و مدارک موجود، بعضی از الهه‌های کهن، از جمله ایزد بانو «نانایا» را می‌پرستیدند و برای او در سراسر سرزمین الیمایی معابد باشکوهی برپا نمودند. این معابد سرشار از هدایا و نذورات گران‌قیمتی بود که گاه حس طمع همسایگان را تحریک نموده، باعث جنگ و ستیز با الیماییان می‌گردید. (سرفراز و

آور زمانی، ۱۳۷۹: ۵۸). متون کهن از سه یا چهار معبد در الیمایی نام برده‌اند. معبد «بعل» که آنتیوخوس سوم به دنبال غارت آن بود، معبد «آرتمیس» که آنتیوخوس چهارم قصد غارت آن را داشت، معبد «ت-آذر» که مهرداد اول آن را غارت کرد و بالاخره معبد «آتنا» (محمدی فر، ۱۳۹۶: ۱۵۵). بنابراین، مبنای شناخت نسبی ما از این شاهک نشین در دوره سلوکی و پارتی بر پایه آثار و شواهد زیر استوار است:

۱. نوشته‌های جغرافی نویسان و مورخان یونانی مانند استرابون و پولیبیوس که بیشتر همراه با ذکر تاریخ فرمانروایان سلوکی، اشکانی و شاهک نشین‌های محلی در جنوب و جنوب غربی ایران است.

۲. مطالعه و بررسی سکه‌هایی است که از آنها برجا مانده است که با توجه به تعداد و تنوع آنها بیشترین اطلاعات را درباره دوران الیمایی به ما می‌دهد و از این طریق می‌توان به طولانی بودن مدت حکمرانی این اقوام در منطقه پی برد. همچنین، پراکندگی ریز سکه‌های مسین و مفرغین الیمیایان که نمادهای آیینی و سیاسی شان را نمایان می‌سازد، گاه گستره حکومتی آنان را بسیار وسیع‌تر از آنچه گفته شده نشان می‌دهد (روحانی رانکوهی، ۱۳۹۶: ۳۱). بنابر سیر تحول سکه‌ها می‌توان دریافت که با تغییر و دگرگونی در حکومت‌های مرکزی، این حکومت محلی نیز دچار تغییر و تحول می‌شده است.

۳. مطالعه تعدادی از نقوش برجسته، تندیس‌ها و آثار معماری که در دل صخره‌ها در نواحی شرقی خوزستان (مسجد سلیمان و ایذه) و بخش‌هایی از کوه‌های بختیاری و مانند تنگ سروک، تنگ بتان شیمبار، خونگ اژدر، برد نشانده و اطراف آن، از الیمیایان به یادگار مانده است. ارنی هرینک تاریخ نقوش تنگ سروک را بین قرن اول تا نیمه اول قرن سوم میلادی می‌داند (Haerinck, 2005). از نظر موضوع نقوش

برجسته را می توان به دو دسته مذهبی و غیر مذهبی تقسیم کرد. صحنه های مذهبی به نیایش و نمایش ایزدان و مراسم مذهبی اختصاص دارد و صحنه های غیر مذهبی شامل: دیهیم بخشی به شاه، نبرد سواران و جدال حیوانات و تنفیذ قدرت است (واندنگ و شیمن، ۱۳۸۶: ۶۱-۶۳). پندی در باره تنگ سروک نوشته است: اعتقاد بر این است که محوطه باستانی مهم تنگ سروک در الیمایی با سیزده صحنه از نقوش، یک نخلستان مقدس بوده که برای تاج گذاری شاهان الیمایی استفاده می شده است (Pandey, 2017: 2). هدف از این پژوهش معرفی تعداد اندکی از انبوهی سکه برجای مانده از فرمانروایان الیمایی است که در دوران حکمرانی سلوکیان و اشکانیان به عنوان دولتی نیمه مستقل در غرب و جنوب غربی ایران ضرب شده اند. در این پژوهش، تعداد ۶۰ عدد سکه متعلق به حاکمان الیمایی معرفی می شود که در حال حاضر در موزه یاسوج نگهداری می شوند. این پژوهش از نوع کیفی و استقرایی است که به روش توصیفی - تحلیلی و بر مبنای تحلیل اسناد انجام شد. همه سکه ها به صورت مستقیم مورد مشاهده و عکسبرداری قرار گرفتند. با توجه به خوانش خط روی سکه ها، مطالعه چهره حاکمان الیمایی، بررسی نمادهای مذهبی و نشانه های ضرابخانه، این مجموعه مورد پژوهش قرار گرفت. مطالعه بر روی این سکه ها، از یک سو، نشانگر چگونگی اوضاع اقتصادی و مناسبات تجاری الیمیایان است و از سوی دیگر، اطلاعاتی مربوط به تاریخ سیاسی، تغییر و تحولات منطقه و حکمرانی آنان را به دست می دهد که این تحولات به واسطه تغییر و دگرگونی در حکومت های مرکزی ایجاد می شد. همچنین، به لحاظ گاه نگاری بر تعدادی از سکه ها، زمان به حکومت رسیدن حاکمان و مدت زمامداری شان می تواند بسیاری از ابهامات مربوط به دوره های تاریخی ایران را در عصر سلوکی و اشکانی برطرف کند. افزون بر این ها،

مطالعه سکه‌ها وضعیت فرهنگی، باورها و مذهب، خط و زبان، هنر و دیگر جنبه‌های مدنی این اقوام محلی را در جنوب غربی سرزمین پهناور ایران به درستی بازنمایی می‌کند. شایان یادآوری است که گرچه درباره موضوع تاریخ، فرهنگ و هنر این دوره از تاریخ ایران تحقیقات و پژوهش‌هایی انجام شده؛ ولی هنوز بسیاری از وقایع تاریخی در خصوص حکومت محلی الیمایی در پرده‌ای از ابهام است.

تبارشناسی و ضرب سکه‌های حاکمان الیمایی

با شکست آنتیوخوس سوم در برابر رومیان به سال ۱۹۰ ق.م و غارت معبد «نانایا» توسط او، الیمایی‌ها آنتیوخوس را به هلاکت رساندند. مرگ او و مبارزات خونین بعدی یونانیان به شدت از نفوذ سلوکیان در سراسر منطقه خاور بین‌النهرین کاست و فشاری را که بر شاهک‌های الیمایی وارد می‌آمد، سست کرد و به یکی از آنان به نام «هوکناپسس» فرصت داد تا حدود سال ۱۶۲ ق.م که به ضرب سکه‌های برنزی پرداخت، دعوی استقلال کند. این سکه‌ها سبکی به کلی یونانی گرا دارند، بر روی سکه تصویر سری بدون ریش نقش گردیده که از آن نور می‌درخشد و در پشت سکه نقش آپولون دیده می‌شود (یارشاطر، ۱۳۷۳: ۴۰۹). پس از این استقلال زودگذر که احتمالاً سرکوب گردید، حرکت تجزیه طلبانه دیگری با بعد وسیع‌تر و به دنبال ترک منطقه از سوی الکساندر بالاس در سال ۱۴۷ ق.م. آغاز گردید (سرفراز و آورزمانی، ۱۳۷۹: ۵۹)؛ اما در همین زمان ضرب سکه از سوی سلوکیان متوقف نشد و ضرب سکه‌هایی توسط سلوکوس چهارم، آنتیوخوس چهارم، دیمتریوس اول، الکساندر بالاس اول و دیمتریوس دوم در طی سال‌های ۱۸۷ ق.م. تا ۱۴۰ ق.م. در ضربخانه شوش و اکباتان همچنان ادامه داشت. در زمان الکساندر بالاس اول (۱۵۰-۱۴۵ ق.م.) سرزمین الیمایی و شوش مجدداً در اختیار سلوکیان قرار گرفت. سکه‌های ضرب

شوش از این پادشاه مطلب فوق را تأیید می کند (پاکزادیان، ۱۳۸۶: ۱۶). اندکی بعد از اینکه الکساندر بالاس آن منطقه را ترک کرد، کمنسکیرس اول (۱۴۷-۱۴۵ ق.م) فرصت یافت سکه های برنزی و چهار درهمی نقره ضرب کند که از سرمشق سکه های سلوکی پیروی می کردند؛ اما لوریدر معتقد است که هوکناپسس (اُکونپسس) پس از کمنسکیرس اول به حکومت رسیده است و بر روی سکه او به خط یونانی نام هوکناپسس به صورت « شاه هوکناپسس » نوشته شده است

(Le Rider, 1978:34). در حالی که پشت سکه های کمنسکیرس اول، مانند سکه های آخرین پادشاه سلوکی تصویر آپولون نقش گردیده و عبارت « کمنسکیرس شاه پیروز » نوشته شده که حاکی از قیام او علیه سلوکیان است * بنابر نظر لوریدر، پس از اینکه مهرداد اول در سال ۱۳۸/۷ ق.م. جانشین فرهاد دوم شد، در اواخر همان سال، تیگزیوس سکه های برنزی در شوش ضرب کرد و حدود ۵ سال تا ۱۳۳/۲ ق.م حاکم محلی منطقه الیمایی ماند (Le Rider, 1978: 35)؛ اما اگر هوکناپسس به سال ۱۶۲ ق.م. و پیش از کمنسکیرس اول سکه ضرب کرده باشد، تیگزیوس پس از کمنسکیرس اول حاکم شده است. سرفراز نوشته است: در حفاری های باستانشناسان فرانسوی در شوش، مجموعه کوچکی مرکب از سکه های مهرداد اول و تیگزیوس به دست آمده که می تواند مدرکی بر تأیید همزمانی این دو فرمانروا باشد (سرفراز و آورزمانی، ۱۳۷۹: ۵۹). بنابر برخی منابع، در حدود سال ۱۴۰ ق.م. پارت ها به منطقه الیمایی وارد شدند و مهرداد اول (۱۷۱-۱۳۸ ق.م.) بر منطقه ایلام مسلط شد. مهرداد پس از تصرف این منطقه قدرت را در این ایالت همچنان در دست کمنسکیرس دوم نیکه فوروس (۱۴۵-۱۳۹ ق.م) و انهاد (پاکزادیان، ۱۳۸۶: ۲۲). کمنسکیرس دوم نیز، همچون پیشینیان خود به ضرب سکه هایی به شیوه سلوکی پرداخت. بنابر شواهد

سکه شناسی در سال‌های پس از پادشاهی فرهاد دوم اشکانی (۱۳۸-۱۲۸ ق.م) و پیش از ۱۲۹ ق.م، حاکم دیگری از الیماییان به نام داریوش قدرت منطقه را در دست گرفت و سکه‌های نقره چهار درهمی ضرب کرد. پس از ورود مهرداد دوم (۱۲۳-۸۸ ق.م) به شوش فعالیت ضربخانه شهر برای ضرب سکه‌های مستقل الیمایی در جای دیگری در سلوکیه کنار هدیفون (Hediphon) انجام می‌شد. این مرکز الیمایی در کنار رود جراحی که از راه این رودخانه با خلیج فارس در ارتباط بود می‌توانست در چرخه بازرگانی دریایی عصر اشکانی نیز قرار گیرد. ضرب سکه‌های نقره و برنز توسط شاهان این ناحیه باعث شد تا واژه الیمایی نقش مؤثری در نظارت و کنترل تجارت دریایی منطقه ایفا کند. وجود پرستشگاه‌های ثروتمند ایزدان محلی در کنار ویژگی‌های مذکور بر موقعیت اقتصادی حکومت می‌افزود. شاید به همین دلیل بود که برخی پادشاهان سلوکی، اشکانی و حتی اردشیر بابکان به تسخیر این ناحیه همت می‌گماشت (کیان راد، ۱۳۹۰: ۷۷). با تسلط اردوان دوم اشکانی حدود سال‌های پیش از ۸۵ ق.م، کمنسکی‌رس سوم مدت کوتاهی قدرت یافت و سکه‌هایی ضرب کرد که از نظر شمایل نگاری مانند سکه‌های اشکانیان به شکل نیم تنه شاه ولی به سبک سلوکیان با سر بدون ریش و نوار سربندی که در پشت سر گره زده شده با نیم‌رخ به سمت راست بود. برخلاف سکه‌های کمنسکی‌رس دوم چهره این شاه بسیار جوان می‌نماید. در واقع، قابل مقایسه با سکه‌های هیچکدام از شاهان الیمایی نیست.

پاکزادیان نوشته است: ویژگی‌های این سکه‌ها را بر آن می‌دارد که موقعیت زمانی این سکه را همزمان با دوره‌ای بدانیم که نفوذ و قدرت و هنر پارتیان در منطقه غالب و حاکم بوده است. بنابراین، به نظر می‌رسد که در فاصله زمانی بین دوران حکومت کمنسکی‌رس سوم و چهارم حکومت مقتدر و مستقلى در منطقه وجود نداشته و

شاهنشاهان اشکانی در این منطقه به ضرب سکه پرداخته‌اند (پاکزادیان، ۱۳۸۶: ۶۶). پس از اینکه کمنسکیرس چهارم (۸۲-۷۳ ق.م) حاکم منطقه الیمایی شد، تغییراتی در روی سکه‌هایش ایجاد کرد. او و جانشینانش برخلاف پیشینیان‌شان که به تقلید از سلوکیان سکه ضرب کرده‌اند، در ضرب سکه تابع اشکانیان بودند. سکه‌ای با طراحی نقش سر و نیم‌تنه او همراه همسرش ملکه آنزازه (Anzaze) با نیم‌رخ به سمت چپ که به خط یونانی نام شاه و ملکه بر آن نقر شده و مربوط به سال ۷۸ ق.م. به دست آمده است.^۳ از آنجا که شوش در این زمان زیر سلطه پارتیان بود و تا سال ۴۵ میلادی بی وقفه به ضرب سکه‌های نقره و برنز در سکه خانه شوش می‌پرداختند، همچنان که لوریدر معتقد است (Le Rider, 1978:34)، اما این سکه ضرب شوش نبوده و احتمالاً در سلوکیه کنار هدیفون ضرب می شده است. پاکزادیان (۱۳۸۶: ۶۹ و ۷۱) نوشته است: نقش لنگر در سکه‌های سیمین، نخستین بار در سکه این شاه در سرزمین الیمایی پیدا شده و به طور هم زمان بر سکه اُرد اول اشکانی نیز نقش شده است و نقر تاریخ ضرب سکه در سکه‌های این شاه معمول گردیده و بر قسمت پشت برخی از سکه‌های چهار درهمی این شاه تاریخ ضرب سکه نقش شده است. این تاریخ ها مربوط به سال‌های ۲۳۱ تا ۲۴۰ سلوکی برابر با سال‌های ۸۲ تا ۷۳ ق.م می‌باشند. پس از سال ۷۳ ق.م تا حدود دهه اول میلادی (سال‌های ۱۰ تا ۱۵ میلادی) تعداد دیگری از حاکمان دودمان کمنسکیرس از کمنسکیرس پنجم تا پانزدهم، به طور متوالی قدرت منطقه را در دست گرفتند. آنها سکه‌هایی با سبک و شمایل نگاری اشکانیان با نیم تنه‌ای به سمت چپ، با موهای کمابیش کوتاه و بلند و با آرایش‌های

۳. سرفراز و آور زمانی (۱۳۷۹: ۶۰) این سکه را متعلق به کمنسکیرس دوم و همسرش ملکه آنزازه می‌دانند.

مختلف مو و سربندی که در پشت سر گره خورده و صورتی با ریش و نقش لنگر در پشت سر شاه و گاهی با اشکال مختلف نمادین ستاره های چند پر و هلال ماه، ضرب کردند. در پشت این سکه ها نیز به طور کلی تصاویر مختلفی همچون نیم تنه شاه یا ایزدان یونانی همچون زئوس که نشسته بر تخت، نیکه و ... و خط یونانی که نام و القاب شاه را معرفی می کند و در بعضی موارد نامفهوم است، دیده می شود. بر پشت تعدادی از این سکه ها علامت ضرباخانه و تاریخ ضرب نیز نقش شده است که خود دلیلی بر تاریخ گذاری دقیق تر برای شناخت سال های حکومت این شاهان محلی است. از این زمان به بعد ضرب سکه نقره متوقف شد و سکه های برنزی جایگزین شدند. زیرا آن گونه که سلوود نوشته است: «در روزگار دو پادشاه اشکانی یعنی ارد دوم و فرهاد چهارم، سکه های پارتیان در شوش به کاستن ارزش درآخم های سیمین آغاز کرد؛ این عمل بر سکه های دودمان کمنسکیرس که از چهار درآخمی به پایین صرفاً به یک نشان برنزی کاهش یافته بودند تأثیر گذاشته بود.» (یارشاطر ۱۳۷۳: ۴۱۰). در بازه زمانی سال های پیش از ۳۰ میلادی تعدادی از شاهان دودمان کمنسکیرس سکه هایی ضرب کردند که نسبت به سایر سکه ها متمایز بوده و متأسفانه خط شیوا و خوانایی ندارد. نقش هلال ماه با ستاره چهار پر یا ستاره به صورت نقطه در بالای نقش لنگر گونه و موهای بلند تابدار شاه از شاخصه های این سکه ها به حساب می آید. در پشت سکه ها نیز گاهی سر دیسه شاه با نوشتار پیرامون آن و گاهی خطوط کوتاه نامنظم و پراکنده دیده می شود [تصویر ۳]. این خطوط پراکنده و نامنظم برای نخستین بار بر پشت سکه های این مقطع زمانی پدیدار شد و در سکه های گروه دوم (دودمان اشکانی) ادامه می یابد (پاکزادیان ۱۳۸۶: ۸۸ و ۸۹). بی شک ناحیه الیمایی با واسطه رودهایی چون جراحی و کارون با خلیج فارس و تجارت دریای آن زمان در پیوند بود. در آغاز

سده نخست میلادی تمامی پشت سکه‌های الیمایی به زمینه‌ای برای نقش زدن خطوطی که در همه جا پاشیده شده بود، تبدیل شد. این خطوط با امواج دریا نیز یکی پنداشته شده و آن را بیانگر ارتباط و وابستگی مردم الیمایی به دریا و اقتصاد دریایی می‌دانند (کیان راد، ۱۳۹۰: ۹۳).

سکه‌های گروه دوم الیمایی: آخرین سکه‌های اشکانی که در شوش ضرب گردیدند به وردان یکم نسبت داده می‌شوند. این سکه‌ها حدود ۴۵ میلادی زده شده‌اند که زمان مناسبی برای ضرب سکه‌های تازه الیمایید به دست می‌دهد (یارشاطر ۱۳۷۳: ۴۱۱). سکه‌های الیمایی در این دوره تغییر ماهیت داده و همانند سکه‌های پارتی در دو وزن چهاردهمی (حدود ۱۴ گرم) و درهم (۳/۵ گرم) بر روی فلزات پست ضرب می‌شدند (پاکزادیان، ۱۳۸۶: ۳۴). با حذف نام کمنسکیرس از روی سکه‌ها این احتمال تقویت می‌شود که گروه دیگری از شاهان الیمایی به حکومت رسیده باشد که با توجه به نام‌های به کار رفته بر روی آن بیانگر جایگزین شاخه‌ای تازه‌تر از فرمانروایانی اشکانی تبار به جای شاهان خاندان کمنسکیرس است. در سکه‌های این شاخه، پادشاه با نیمرخ چپ و گاهی نیز از روبه رو با تاجی که مهرداد دوم آن را رواج داده بود نقش شده است و سبک آرایش موی سر و ریش نیز کاملاً متفاوت از شاهان گروه قبلی است. نقش هلال ماه و ستاره چند پر و یا لنگر که در زمینه سکه جای داشت، بر بالای تاج دیده می‌شود. از آنجا که ۵۹ عدد از سکه‌ها مورد پژوهش در این گفتار، متعلق به شاهان محلی گروه دوم می‌باشند در مبحث بعد به شرح آنها پرداخته می‌شود. پشت سکه‌های این گروه از حاکمان محلی الیمایی، طرحی تزیینی به صورت خط‌های نامنظم کوتاه و برجسته که شاید نمادی از قطرات باران یا امواج آب است، پراکنده هستند؛ اما با ایجاد تغییرات سیاسی نقوش پشت سکه‌ها تا اندازه‌زیادی

دستخوش تغییر می شوند؛ بسیاری از آنها مجموعه خط های نامنظم را حفظ می کنند، اما بر پشت تعدادی از سکه ها طرح های معنادارتری مانند سر آرتمیسیس یا ایزد بانو نانایا یا شاه بانو همراه با نوشته هایی با املاهای نادرست آرامی پیرامون آن، نقش گردیده است. مفهوم نوشته ها نشان دهنده نام شاه است که با عباراتی مانند « ارد شاه»، «شاه فرهاد» یا «کمنسکیرس - ارد شاه، پسر ارد» و... نوشته شده است. توالی این شاهان که بر سر آن اتفاق دارند، چنین است: ارداول، کمنسکیرس- ارد دوم، فرهاد و خسرو.

غالباً گمان می رود که این خسرو همان خسرویی است که حریف و معارض اشکانی ترایانوس بوده و بی گمان تصویرهایی که بر دو مجموعه از سکه ها نقش گردیده چندان که باید به استدلالی که به سود این نظریه می شود نزدیک است. با پذیرفتن این نظریه تاریخ سکه زنی الیمایید را به حدود ۱۲۰ میلادی می رسانیم. سکه هایی که در پی این تاریخ ضرب شدند تنها شامل « دراخم هایی » است که وزن آنها که گاه به کمتر از دو گرم کاهش می یابد و اگر چند شماری از آنها فاقد نوشته اند؛ اما بر روی سکه های دیگر نقش 'wrwd MLK' « ارد شاه » زده شده است. به طور خلاصه حکومت الیمایی ها را همزمان با حکومت اشکانیان می توان در سه دوره مجزا بررسی نمود. دوران اول از به حکومت رسیدن کمنسکیرس اول از اواسط سده دوم ق.م. شروع و تا پایان حکومت جانشینان وی در ۲۵ م ادامه داشته است. دوران دوم با روی کار آمدن دودمان اشکانی (۱۵۰-۲۵ م) شناخته شده است. دوران سوم نیز حکومت شاهان واپسین الیمایی (حدود ۲۲۴-۱۵۰ م) می باشد (حسینی سربیشه، ۱۳۹۳: ۵۱).

سکه های شاهان گروه سوم مربوط به ارد پنجم، ششم و هفتم و تعداد اندکی نیز متعلق به شاهانی است که ذکری از نام آنها بر روی سکه ها نیست و به عنوان «سکه شاهان

بی نام» معرفی می شوند و احتمالاً در فرصتی که انقلاب ساسانی پیش آورده بود ضرب شده اند.

گروه دوم؛ دودمان اشکانی: (۱۵۰-۲۵ م.)	گروه سوم؛ شاهان واپسین: (حدود ۲۲۴-۱۵۰ م.)
۱- آرد اول	۱- آرد پنجم و اولفان
۲- فرهاد اول	۲- آرد ششم
۳- آرد دوم	۳- آرد هفتم
۴- فرهاد دوم	۴- شاه ناشناخته (بی نام) «A»
۵- فرهاد سوم	۵- آرد هشتم
۶- آرد سوم	۶- شاه ناشناخته (بی نام) «B» / اباریشی
۷- کمسکیس - آرد اول	۷- شاه ناشناخته (بی نام) «C»
۸- کمسکیس - آرد دوم	۸- شاه ناشناخته (بی نام) «D»
۹- آریوبرزن	۹- بلاش اول (پیش از سال ۱۸۵ میلادی)
۱۰- آرد چهارم	۱۰- بلاش دوم (پیش از سال ۱۹۰ میلادی)
۱۱- خسرو (پیش از ۱۲۹ میلادی)	۱۱- شاه ناشناخته (بی نام) «E»
۱۲- شاه شورشی	۱۲- شاه ناشناخته (بی نام) «F»
	۱۳- شاه ناشناخته (بی نام) «G»
	۱۴- شاه ناشناخته (بی نام) «H»
	۱۵- شاه ناشناخته (بی نام) «I» / آرد نهم
	۱۶- شاه ناشناخته (بی نام) «J»

تصویر ۱: سال شمار شاهان محلی الیماید

گروه دوم و سوم دودمان اشکانی (پاکزادیان، ۱۳۸۶: ۵۷)

	Tang-i Sarvak	Shimbar	Lead amulet	Magic bowls	Qasroon coin legends	Classical Mandaic	Syriac inscriptions	Syriac bowls	Palmyrene Nabataean	
									lapidary cursive	lapidary cursive
א	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ
ב	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ
ג	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ
ד	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ
ה	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ
ו	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ
ז	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ
ח	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ
ט	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ
י	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ
כ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ
ל	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ
מ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ
נ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ
ס	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ
ע	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ
פ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ
צ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ
ק	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ
ר	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ
ש	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ
ת	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ	Ⲁ

The columns showing the Tang-i Sarvak and Shimbar forms are based on Bivar and Shaked's table in *B.S.O.A.S.* xxxvii (1964), 270; the Mandaic and Syriac bowl texts on Montgomery's table in *Aramaic Incantation Texts from Nippur* (1913), plates xxxix and xl, and the Syriac inscription of the second century a.d. on Segal's table in *B.S.O.A.S.* xvi (1954), 32.

Figure 5: Comparison of Elymaic and other scripts (from Coxon 1970: 21).

تصویر ۲: مقایسه خط به کار رفته در سکه های الیماید و دیگر کتیبه ها (Pandey, 2017: 15)

معرفی سکه های الیمایی موزه یاسوج

سکه های الیمایی موجود در موزه یاسوج یک مجموعه ۶۰ عددی است که در عملیاتی غیر از کاوش های باستان شناسی، از شهرستان «لنده» در استان کهگیلویه و بویر احمد در بخش کهگیلویه به دست آمده اند. علاوه بر سکه ها، بخش کهگیلویه آثار زیادی از حاکمان الیمایی مانند سنگ نگاره های مهم تنگ سروک در

شهرستان بهمنی را در خود جای داده است که نشانگر حضور اقوام الیمایی در این منطقه می باشد. جنس سکه ها همه مسی بوده و دارای قطری حدوداً بین ۱۴ تا ۱۶ میلی متر هستند. به لحاظ وزنی نیز بین ۲/۲۶ تا ۴/۲۹ گرم متغیر هستند. تعدادی از سکه ها در اثر گذر زمان دچار ساییدگی و شکستگی شده و تعدادی نیز تغییر رنگ داده اند و کیفیت مطلوبی ندارند. در برخی از آنها هم ظرافت ضرب سکه و نقش به کار برده نشده است. در پشت تعدادی از سکه ها به خط آرامی و تعدادی دیگر به خط یونانی و یونانی اشتباه و نامفهوم شاه را معرفی می نمایند. همه سکه های این مجموعه به گروه دوم شاهان الیمایی وابسته به دودمان اشکانیان تعلق دارند و حدود ۳۰ پیش از میلاد تا سال ۱۲۵ میلادی ضرب شده اند.

سکه شاهان دودمان کمسکیس: یک قطعه از سکه های این مجموعه متعلق به یکی از شاهان دودمان کمسکیس در سال های پیش از ۳۰ میلاد است. وزن این سکه مسی حدود ۳/۴۶ گرم می باشد. روی سکه تصویر نیم تنه شاه رو به سمت چپ با موهای بلند و تابدار که در پشت سر به صورت حلقه روی هم قرار گرفته است. تاج شاه به صورت سر بندی است که در پشت سر گره زده شده و نواری از آن آویزان است ریش شاه به صورت دسته ای مرتب شده است. پشت سر شاه نقش هلال ماه و ستاره به صورت نقطه ای در مرکز آن نقش شده و در زیر هلال ماه، نماد لنگر رو به پایین با یک میله افقی نقر شده است. پشت سکه سردیسه شاه به صورت نیم رخ به همراه خطوط نامشخص پیرامون آن دیده می شود.

تصویر ۳: سکه متعلق به شاهان دودمان کمنسکیرس (سال های پیش از ۳۰ میلادی)



سکه های ارد دوم (حدود ۷۰ - ۵۰ م.)

تعداد نوزده عدد از سکه های این مجموعه متعلق به ارد دوم است. اندازه قطر سکه - های ارد دوم حدوداً ۱۵ میلی متر و به طور متوسط بین ۲/۲۶ گرم تا ۳/۸۸ گرم وزن دارند. بر روی سکه ها به طور کلی تصویر نیم تنه شاه رو به سمت چپ با ریش دسته ای مرتب شده است تاج کلاه مانندی با نقش لنگر رو به پایین در وسط آن و دور کلاه با نواری تزئین شده است که در پشت سر گره خورده و نواری از آن آویزان شده است. پشت سر شاه نقش هلال ماه و ستاره به صورت نقطه ای در میان هلال و در پایین آن علامت لنگر رو به پایین با یک میله افقی روی آن نقش شده است. پشت سکه های ارد دوم با نقوش متفاوتی آراسته شده است. بر پشت هشت عدد از آنها تصویر نیم تنه ایزد بانو نانایا (آرتیمیس) و یا احتمالاً همسر شاه با موهایی جمع شده در بالای سر و تاجی تزئین شده و پیرامون تصویر، نام شاه به خطوط یونانی نوشته شده است (سکه های شماره ۲، ۳، ۴، ۱۱، ۱۵، ۱۶، ۱۸). بر پشت هشت عدد از سکه ها خطوط کوتاه نامنظم و پراکنده دیده می شود که نمادی از امواج آب یا قطرات باران است (سکه های شماره: ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۹، ۲۰). بر پشت چهار عدد از سکه ها نیز نقش لنگر در میان این خطوط کوتاه نامنظم نقر شده است (سکه های شماره ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۷).

تصویر ۴: سکه‌های ارد دوم



شماره ۴ (۳/۲۵ گرم)

شماره ۳ (۲/۹۷ گرم)

شماره ۲ (۳/۱۲ گرم)



شماره ۷ (۲/۲۶ گرم)

شماره ۶ (۳/۸۱ گرم)

شماره ۵ (۳/۶۴ گرم)



شماره ۱۰ (۳/۷۱ گرم)

شماره ۹ (۳/۳۵ گرم)

شماره ۸ (۲/۶۷ گرم)



شماره ۱۳ (۳/۱۶ گرم)

شماره ۱۲ (۳/۷۴ گرم)

شماره ۱۱ (۳/۴۵ گرم)



شماره ۱۶ (۳/۸۸ گرم)

شماره ۱۵ (۳/۴۱ گرم)

شماره ۱۴ (۲/۵۰ گرم)



شماره ۱۹ (۲/۵۱ گرم)

شماره ۱۸ (۲/۵۴ گرم)

شماره ۱۷ (۳/۶۵ گرم)



شماره ۲۰ (۳/۵۶ گرم)

سکه‌های فرهاد دوم (حدود ۸۵ - ۷۰ م.)

سه قطعه از سکه‌های این مجموعه متعلق به فرهاد دوم است. اندازه قطر سکه‌های فرهاد دوم حدوداً پانزده میلی‌متر و به طور متوسط بین ۳/۳۵ گرم تا ۳/۶۴ گرم وزن دارند. بر روی سکه‌ها به طور کلی تصویر نیم تنه شاه رو به سمت چپ با ریش لخت مرتب شده است. تاج کلاه ماندی با نواری که در پشت سرگره خورده، تزئین شده و نوارهایی از آن آویزان است. پشت سر شاه علامت لنگر رو به پایین با یک میله افقی و نقش هلال ماه و یک ستاره به صورت نقطه‌ای در میان هلال نقر شده است. پشت سکه تصویر ایستاده کماندار یا آرتمیس با کمانی در دست و پیرامون تصویر کماندار به خط یونانی که بعضی از حروف آن سائیده شده‌اند عبارت «شاه فرهاد» نگاشته شده است (سکه‌های شماره ۲۱، ۲۲ و ۲۳).



شماره ۲۳ (۳/۵۷ گرم)

شماره ۲۲ (۳/۶۴ گرم)

شماره ۲۱ (۳/۳۵ گرم)

تصویر ۵: سکه‌های فرهاد دوم

سکه‌های کمنسکیرس - اُرد دوم (۱۲۰ - ۱۱۰ م.)

تعداد شانزده عدد از سکه‌های این مجموعه متعلق به کمنسکیرس اُرد دوم است. اندازه قطر سکه‌های حدوداً ۱۵ میلیمتر و به طور متوسط بین ۲/۹۰ گرم تا ۴/۰۹ گرم وزن دارند. بر روی سکه‌ها چهره شاه از رو به رو با پیشانی برجسته با گردنبندی به گردن، ترسیم شده است. تاج شاه به شکل سر بندی نواری است که بالای پیشانی بسته شده و قسمتی از موهای شاه، بالای سر به شکل گلوله‌ای جمع شده است. موهای مجعد و انبوه شاه در دو طرف چهره افشان است. در سمت چپ کنار سر شاه، هلال ماه با یک ستاره نقطه‌ای شکل در وسط آن و نقش لنگر با یک و یا دو خط افقی نقر شده است.

در پشت پانزده عدد از سکه‌های کمنسکیرس - اُرد دوم خطوط تزئینی کوتاه نامنظم و پراکنده دیده می‌شود که احتمالاً نمادی از امواج آب یا قطرات باران است (سکه‌های شماره ۲۴ تا ۳۸) و تنها بر پشت سکه شماره ۳۹ تصویر غیر واضحی از نقش چهره و نیم تنه آرتمیس، ایزد بانو نانایا و یا شاید خود شاه در وسط سکه نمایان است و در پیرامون آن نوشته‌ای به خط آرامی وجود دارد که مشخص کننده نام شاه و احتمالاً عبارت «کمنسکیر ارد شاه پسر ارد» بوده؛ ولی بعضی حروف آن از بین رفته است.

تصویر ۶: سکه های کمنسکیرس - اُرد دوم



شماره ۲۴ (۳/۵۵ گرم) شماره ۲۵ (۳/۵۴ گرم) شماره ۲۶ (۳/۶۳ گرم)



شماره ۲۷ (۳/۲۸ گرم) شماره ۲۸ (۳/۶۴ گرم) شماره ۲۹ (۳/۷۶ گرم)



شماره ۳۰ (۳/۲۲ گرم) شماره ۳۱ (۳/۷۱ گرم) شماره ۳۲ (۳/۶۱ گرم)



شماره ۳۵ ۴/۰۹ گرم

شماره ۳۴ ۳/۶۹ گرم

شماره ۳۳ ۳/۳۴ گرم



شماره ۳۸ ۳/۵۵ گرم

شماره ۳۷ ۳/۵۱ گرم

شماره ۳۶ ۴/۰۶ گرم



شماره ۳۹ ۲/۹۰ گرم

سکه های اُرد چهارم (اُرد شاه پسر اُرد) (حدود ۱۲۰ - ۱۲۵ م.)

تعداد ۲۱ قطعه از سکه های این مجموعه ۶۰ عددی متعلق به اُرد چهارم است. اندازه قطر سکه ها حدوداً ۱۵ میلی متر و به طور متوسط بین ۲/۸۸ گرم تا ۴/۲۹ گرم وزن

دارند. بر روی سکه‌ها تصویر نیم تنه شاه با ریش بلند و به صورت خطی و افشان از رو به رو ترسیم شده است. دور لبه تاج کلاهی شکل شاه با دانه‌های مهره مانند که احتمالاً گوهرهای دوخته شده‌اند و کلاه را به دو قسمت تقسیم کرده‌اند، تزئین یافته است. نواری متصل به تاج از پشت سر شاه آویزان است. در سمت چپ کنار سر شاه، هلال ماه با یک ستاره نقطه‌ای شکل در وسط آن و نقش لنگر با یک و گاهی دو خط افقی نقر شده است. در پشت پانزده عدد از سکه‌های ارد چهارم خطوط کوتاه نامنظم و پراکنده دیده می‌شود که نمادی از امواج آب یا قطرات باران است (سکه‌های شماره ۴۰، ۴۴ تا ۵۰، ۵۲، ۵۴ تا ۵۷، ۵۹ و ۶۰). بر پشت ۶ عدد سکه تصویری از چهره و نیم تنه آرتیمیس یا ایزد بانو نانایا یا شاید تصویری از خود شاه در وسط سکه نمایان است که پیرامون آن به خط آرامی عبارت « ارد شاه پسر ارد » نوشته شده است (سکه‌های شماره ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۵۱، ۵۳ و ۵۸).

تصویر ۷: سکه های اُرد چهارم (اُردشاه پسر اُرد)



شماره ۴۲ ۳/۵۴ گرم

شماره ۴۱ ۳/۸۰ گرم

شماره ۴۰ ۴/۲۹ گرم



شماره ۴۵ ۳/۹۵ گرم

شماره ۴۴ ۳/۸۸ گرم

شماره ۴۳ ۳/۹۵ گرم



شماره ۴۸ ۳/۹۷ گرم

شماره ۴۷ ۳/۷۸ گرم

شماره ۴۶ ۳/۶۷ گرم



شماره ۴۹ ۳/۷۳ گرم شماره ۵۰ ۳/۷۱ گرم شماره ۵۱ ۳/۵۷ گرم



شماره ۵۲ ۳/۵۹ گرم شماره ۵۳ ۳/۵۶ گرم شماره ۵۴ ۳/۵۴ گرم



شماره ۵۵ ۳/۵۱ گرم شماره ۵۶ ۳/۲۵ گرم شماره ۵۷ ۴/۱۶ گرم



شماره ۵۸ ۳/۲۲ گرم شماره ۵۹ ۲/۸۸ گرم شماره ۶۰ ۳/۶۷ گرم

بحث و نتیجه گیری

با پژوهش در باره مجموعه ۶۰ عددی سکه های حاکمان الیمایی موجود در موزه یاسوج مشخص شد که همه سکه های این مجموعه مربوط به دوره دوم شاهان محلی الیمایی و از دودمان اشکانی هستند که در سال های قبل از ۳۰ میلادی تا ۱۲۵ میلادی در جنوب غربی ایران و تحت حاکمیت دولت مرکزی اشکانیان، حکمرانی می کردند. جنس همه سکه ها مسی بوده و دارای قطری بین ۱۴ تا ۱۶ میلی متر می باشند. به لحاظ وزنی نیز دارای اوزانی کاملاً متغیر بین ۲/۲۶ و ۴/۲۹ گرم، با میانگین وزنی ۳/۵ گرم هستند. از این تعداد سکه یک قطعه متعلق به شاهان دودمان کمنسکیس و سال های قبل از ۳۰ میلادی است، نوزده عدد متعلق به ارد دوم (۷۰-۵۰ میلادی)، سه عدد متعلق به فرهاد دوم (حدود ۸۵-۷۰ میلادی)، شانزده عدد متعلق به کمنسکیس- ارد دوم (حدود ۱۲۰-۱۱۰ میلادی) و بیست یک عدد نیز متعلق به ارد چهارم (ارد شاه پسر ارد حدود ۱۲۵-۱۲۰ میلادی) می باشند. تغییر و تحولات ایجاد شده بر سکه های الیمایی در دوره های مختلف حکمرانی آنها، نشان از وابستگی و متأثر بودن از حکومت مرکزی است که تحت حاکمیت پادشاهان

اشکانی اداره می شد. چگونگی ضرب سکه مانند دقت و ظرافت در ضرب آنها و همچنین، نوع فلز، وزن و واحد پولی ارتباط مستقیم به کاهش یا افزایش قدرت و توان اقتصادی الیماییان داشته است و به تبع آن قدرت اقتصادی مردم هم در نظر گرفته می شده است. کثرت و تنوع سکه ها به جای مانده از حاکمان محلی الیمایی نمایانگر استقلال و طولانی بودن دوران حکومت و قدرت آنها و همچنین رونق اقتصادی منطقه است. نقوش نقر شده بر سکه ها نه تنها ارتباط مستقیم با باورهای مذهبی حکومت و اعتقادات الیماییان داشت؛ بلکه با نوع فعالیت اقتصادی آنها نیز مرتبط بوده است. از آنجا که منطقه الیمایی در کنار رودخانه های پر آبی همچون جراحی و از همه مهم تر بر کرانه خلیج فارس واقع شده بود، به نوعی اقتصاد آنها با آب و دریانوردی ارتباط داشت. به همین دلیل، در مطالعه سکه های الیمایی نقوشی تزئینی به عنوان نمادی از قطرات باران و یا امواج آب و همچنین نقش لنگر و تصویر ایزد بانوانی مرتبط با پرستش آب که نمادی از حاصلخیزی و برکت هستند، دیده می شود که به احتمال زیاد متأثر از نوع اقتصاد و چگونگی معیشت آنها بوده است.

بر روی همه سکه های الیمایی نقش لنگر در پشت سر نیمرخ شاه و یا سمت چپ چهره تمام رخ و گاهی بر پشت سکه ها نقر شده است. از آنجا که نقش لنگر در مهرهای به جا مانده از بین النهرین و ایلام کهن نیز دیده می شود می توان آن را به عنوان یک نماد مذهبی و مربوط به باورهای دینی قوم الیمایی دانست؛ اما تلقی برخی پژوهشگران از نقش لنگر به عنوان یکی از نشانه های خاص دودمان سلوکی است؛ زیرا بر روی سکه های اسکندر مقدونی و سلوکیان هم ضرب می شده است. این نماد به یکی از ایزدان شوش نیز تعلق دارد که آن را نماد دودمانی برای کمنسکیرس ها در شوش نیز انگاشته می شود و از مشخصه های سکه های الیمایی و پارتی نیز می

باشد. نقش هلال ماه و ستاره نماد ایزد بانو نانایا (معادل آرتمیس در یونان و ایزد بانو اردویسور آناهیتا در متون باستانی ایران) نماد آب، حاصلخیزی، برکت و باروری است که در بین النهرین و ایلام کهن مورد احترام و ستایش بوده و سرانجام مورد توجه الیمایان نیز قرار گرفت. در زمان سلوکیان و اشکانیان نیز هلال ماه و ستاره بر روی سکه‌ها به عنوان نمادی مذهبی دیده می‌شود که بر روی سکه‌های الیمایان نیز انتقال یافته است. نقش ایزد بانو نانایا یا آرتمیس گاهی که به شکل نیم تنه یا به صورت کماندار در پشت بعضی از سکه‌های الیمایی یافت می‌شود. به لحاظ احترامی که این ایزد بانو در میان اقوام الیمایی داشت، در جای جای سرزمین الیمایان معابدی برای او برپا شده بود که ثروت سرشاری به عنوان هدایا و نذورات در آن گردآوری شده بود که گهگاه باعث تحریک طمع و یورشهای پادشاهان سلوکی به این معابد شده است.

منابع و مآخذ

- بیانی، ملک‌زاده؛ (۱۳۷۴)، تاریخ سکه از قدیمی‌ترین ازمه تا دوره ساسانی، جلد اول و دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- پاتس، دنیل تی؛ (۱۳۸۵)، باستان‌شناسی ایلام ترجمه: زهرا باستی، تهران: انتشارات سمت.
- پاکرادیان، حسن؛ (۱۳۸۶)، سکه‌های الیمایی، ناشر مولف: تهران.
- حسینی سریش، بهزاد؛ (۱۳۹۳)، تحلیل باستان‌شناختی سکه‌های دوره الیمایی در بازه زمانی (۱۴۰/۱۶۰ ق.م - ۲۲۴ م) با رویکرد سیاسی و اقتصادی، براساس آنالیز عنصری سکه‌ها: طیف سنجی به روش PIXE، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، فرهنگ خادمی ندوشن، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.
- روحانی رانکوهی، سیده مانا؛ (۱۳۹۶)، شاخ فراوانی در هنر و آیین الیمایی، پژوهش در هنر و علوم انسانی، سال دوم، شماره ۱ (پیاپی ۳).
- سرافراز، علی اکبر و فریدون آوزرمانی؛ (۱۳۷۹)، سکه‌های ایران از آغاز تا دوران زنده، تهران: انتشارات سمت.
- علیزاده، الهام؛ (۱۳۹۰)، «الیمیایان؛ دنباله‌ای بر ایلامیان و تمدن ایلامی» برگرفته از تارنمای فروش ۳، رویه ۴۷-۴۲.
- کیان‌راد، حسین؛ (۱۳۹۰)، نقوش سکه‌های الیمایی و ارتباط آنها با دریانوردی، مجله پژوهش‌های تاریخی، دوره ۳، ش ۲، شماره پیاپی ۴ «مجله سابق دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران».
- محمدی‌فر، یعقوب و علیرضا خونانی؛ (۱۳۹۶)، مروری بر مطالعات الیمایی، مجله پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، صص: ۱۷۴-۱۵۱.
- محمدی‌فر، یعقوب و افراسیاب گراوند، عباس مترجم؛ (۱۳۹۱)، بررسی و تحلیل صحنه بزم در نقوش برجسته الیمایی با معرفی نقوش برجسته نو یافته تنگ ماهی در

- اندیکا - مسجد سلیمان، مجله مطالعات باستان شناسی دوره ۴، ش ۱، شماره پیاپی ۵ «مجله سابق دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران».
- واندنبرگ، لویی و شیپمن، کلاوس؛ (۱۳۸۶)، نقوش برجسته منطقه الیمایی در دوران اشکانی، ترجمه: یعقوب محمدی و آزاده محبت‌خو، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت.
- یارشاطر، احسان؛ (۱۳۷۷)، تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانی، ترجمه: حسن انوشه، ج ۳ ق ۲، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- Hansman, John F. (2011) ELYMAIS, Encyclopædia Iranica Vol. VIII, Fasc. 4, pp. 373-376.
- Haerinck, Ernie (2005) Tang-e Sarvak, Encyclopaedia Iranica, (Neue Beobachtungen und Forschungsergebnisse," *Archäologische Mitteilungen aus Iran und Turan* 32, 2000, pp. 319-59).
- Henning, W.B. (1952) the monuments and inscriptions of Tang-i Sarvak, Asia major, new series, vol. II, part 2, P.151-178.
- Le Rider, Georges (1978) DEUX NOUVEAUX
- TETRADRACHMES FRAPPE A SUCE, *Revue numismatique*, 6e série - Tome 20, Pp 33-37.
- Pandey, Anshuman 2017 Proposal to encode the Elymaic script in Unicode, L2/17-226R2., UC Berkeley.

بررسی باستان شناختی صنایع دستی سنتی در سکونتگاه های تاریخی زاگرس

دکتر حبیب اله محمودیان^۴

(مطالعه موردی: اشیای سنگی)

چکیده

انسان در طول زندگی اجتماعی خود همواره کوشیده محیط پیرامونی خود را بشناسد و این شناسایی با تحرک و جابه جایی همراه بوده است. از سویی، تلاش برای بهره گیری از مواهب خدادادی و تأمین امکانات مورد نیاز زندگی همچنان استمرار داشته است. ایجاد سکونتگاه و تهیه ابزار و وسایل مورد نیاز زندگی روزمره، او را به تفکر و تدبیر برای ساختن ترغیب نموده است. این مسئله موجب شده تا انسان از توانمندی های خود برای تأمین نیازهای خود به فعالیت پردازد. توجه به صنایع اولیه با استفاده از امکانات موجود در طبیعت (سنگ، چوب، خاک، ترکیب عناصر طبیعی و...) شرایط را برای تهیه لوازم و ابزار های مورد نیاز فراهم ساخته است. تحولات در این عرصه محدود و پراکنده و در بسیاری موارد بر اساس نیازهای روزمره و تنوع زیستی و معیشتی مردم و تحت تأثیر شرایط اقلیمی مناطق مختلف شکل گرفته است. محدوده جغرافیایی زاگرس به عنوان بخشی از هلال سبز، شرایط مناسب را از جهات مختلف برای سکونت و استقرار، شکل گیری جوامع اولیه و نیز فرایند توسعه صنایع مورد نیازدارا بوده است. در این پژوهش سعیشده از مجموعه صنایع دستی سنتی زاگرس نشینان، اشیای سنگی مورد مطالعه قرار گیرد.

واژگان کلیدی: زاگرس، صنایع دستی سنتی، تیغه سنگی، ظروف سنگی، گل نوشته.

مقدمه: ساکنان زاگرس از منظر شرایط زندگی اجتماعی دارای مشترکاتی بوده و تعاملات روزمره زندگی آنان به هم گره خورده است. از این رو، در زمینه تنوع فراورده

^۴ - عضو هیئت علمی دانشگاه

های صنایع دستی سنتی به دلیل موقعیت جغرافیایی و اقلیمی، مشترکات فرهنگی و... همخوانی وجود دارد. بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد ارتباطات بین اقوام، طوایف و ایلات ساکن این منطقه موجب تبادل تجربیات در این بخش از نیازمندی‌های زندگی و پیشرفت تولیدات صنایع دستی سنتی شده است. با وجود تألیف و تدوین کتاب‌ها، مقالات، گزارش‌ها و نیز تحقیقات محققان و پژوهشگران در این زمینه، مطالعه جامعی معرف صنایع دستی سنتی با توجه به یافته‌های باستان شناختی در غرب ایران به ویژه در مناطق زاگرس نشین تألیف و تدوین نشده است. بنابراین، بررسی تحولات باستان شناختی صنایع دستی سنتی زاگرس نشینان می‌تواند این خلأ را تا حدودی مرتفع ساخته و به عنوان شناسنامه بخشی از تاریخ تحولات این منطقه در عرصه صنایع دستی سنتی که ریشه در تاریخ زندگی مردمان ساکن این محدوده جغرافیایی دارد، قلمداد گردد. هرچند بسیاری از توانمندی‌ها در این عرصه به دلیل محدودیت‌های زمانی و... در قالب این پژوهش ذکر نشده؛ ولی امید است این اقدام مدخلی برای انجام تحقیقات گسترده پژوهشگران در این عرصه باشد

بوم شناسی منطقه

فلات ایران با قرار گرفتن در منطقه معتدل شمالی کره زمین و موقعیت خاص خود نقش پل ارتباطی شرق و غرب را در قاره اوراسیا ایفا کرده است. رشته کوه‌های عظیم، دشت‌های داخلی و کناره‌ای، تنوع پوشش گیاهی و جنگلی، اقلیم‌های متنوع، آب‌های روان و زیرزمینی، شرایط ویژه‌ای برای استقرار و زندگی انسان فراهم آورده است. رشته کوه زاگرس در غرب فلات ایران و دره‌های میان کوهی آن، به دلیل شرایط جغرافیایی مطلوب پناهگاه و سکونت گاه مهم انسان در دوران مختلف بوده است. رشته کوه زاگرس، شامل کوه‌های متعدد و مرتفعی است که به موازات یکدیگر امتداد

یافته و بخش عمده‌ای از غرب و جنوب کشور را از کردستان تا منطقه فارس در بر گرفته‌اند. جهت امتداد کوه‌ها در این پهنه گسترده، شمال غربی- جنوب شرقی است. این عامل موجب شده، بادهای باران‌آور غربی به داخل فلات ایران نفوذ یابند و بیش‌ترین بارش ناشی از این جریان را به خود اختصاص دهند. از این‌رو، کوهستان زاگرس منبع و سرچشمه بزرگ‌ترین رودهای کشور است که در بخش جنوب غربی فلات ایران جریان دارند. در محدوده کوهستانی غرب زاگرس دو عارضه مهم جغرافیایی دیده می‌شود که از نظر بررسی تمدن‌ها و اقوام و نیز راه‌ها و پل‌های ارتباطی این منطقه مهم تلقی می‌شوند. این دو پدیده عبارتند از: رود سیمره (کرخه و شعبات آن) و دیگری سلسله ارتفاعات زاگرس که به دلیل اهمیت این پدیده‌ها در ایجاد شرایط خاص برای ایجاد راه‌ها و جاده‌ها در این منطقه مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته‌اند. محدوده جغرافیایی غرب زاگرس از آب و هوا و اقلیم مطلوبی برخوردار می‌باشد. میزان نزولات جوی، منابع آب و رودخانه‌ها، پوشش جنگلی و مرتعی، دشت‌های حاصلخیز حاشیه‌ای از پدیده‌های مهم این منطقه جغرافیایی است. یکی از جنبه‌های مهم آن وجود منابع آب در مسیر ارتباطی غرب زاگرس به سمت شهرها و مراکز جمعیتی میان‌رودان در دوران مختلف تاریخی است. مبادلات تجاری و ارتباط فرهنگی بین اقوام و ملت‌ها در دوران پیش از اسلام و توسعه و گسترش بلاد اسلامی در قرون اولیه اسلامی از طریق این منطقه صورت پذیرفته است و بعد از اسلام راه‌ها و معابر این محدوده جغرافیایی، بیشترین نقش را در فرایند ارتباطی ایران و سرزمین عراق داشته است. البته، نقش غرب ایران در گسترش تجارت بین مردم بین‌النهرین جنوبی و مناطق کوهستانی فلات ایران ... جایگاه مهمی دارد (هول، ۱۳۸۷: ۱۳).

کوهستان زاگرس منبع و سرچشمه بزرگ‌ترین رودهای کشور است که در بخش جنوب غربی فلات ایران جریان دارند. شعبات مختلف رود دجله^۵ در غرب هلال سبز و رودهای کرخه، کارون، آبدیز، جراحی، زهره، دالکی، مند، کر، شور، میناب و هلیل‌رود از دامنه‌های زاگرس در جنوب فلات به سمت دشت‌ها و جلگه‌های حاصلخیز جنوب و جنوب غربی ایران امتداد یافته‌اند و در نهایت به خلیج فارس می‌ریزند. این موقعیت، موجب شده تا بیشترین استقرارها و سکونتگاه‌های اولیه بشری در کنار این رودها ایجاد شوند. جنگل و مرتع از پدیده‌های جغرافیایی شاخص مناطق زاگرس بویژه زاگرس غربی است که از تنوع گونه‌ها و تراکم جنگل‌ها برخوردار است. تنوع و تعدد غارها در کوهستان زاگرس و مطالعات انجام شده در بخش سکونتگاه‌ها و استقرار گاه‌های بشر در دوران سنگ اهمیت باستان‌شناختی این منطقه از هلال سبز را نشان می‌دهد.

پیشینه تاریخی

منطقه زاگرس به دلیل شرایط مساعد جغرافیایی و منابع آب، از سکونتگاه‌های مهم در دوران‌های مختلف تاریخی بوده است. تحقیقات باستان‌شناسی نشان می‌دهد که منطقه زاگرس غربی در دوره پارینه‌سنگی دارای استقرار بوده است. مورتنسن مهم‌ترین بازیافت‌های دوره پارینه‌سنگی را از منطقه هلیلان به دست آورده است. این منطقه در محدوده رودخانه سیمره که از شرق استان می‌گذرد، واقع شده و قدمت آن به هزاره نهم تا هفتم ق. م می‌رسد. مهم‌ترین منطقه‌ای که باستان‌شناسان حفاری و کاوش کرده‌اند، جلگه پست جنوب زاگرس در منطقه دهلران و موسیان است. در سال ۱۹۰۵ میلادی هیأت فرانسوی (گوتیه و لمپر) تپه‌های علی‌کُش، چغاسفید، تپه‌سبز فرخ‌آباد و

موسیان را در این منطقه مورد بررسی قرار داد. در فاصله سال‌های ۱۹۶۲ تا ۱۹۷۳ فرانک هول، فلانری، جیمز نیلی، هنری رایت در تپه‌ها و محوطه‌های باستانی دهلران به تحقیقات پرداختند. بر اساس گاه‌نگاری انجام‌شده، نواحی مورد بررسی در این منطقه از قدیمی‌ترین دوره تا جدیدترین، به ترتیب عبارتند از: زمرد، علی‌گوش، محمدجعفر، چغاسفید، چغاسرخ. باستان‌شناسان تحقیقات گسترده‌ای در مناطق پشتکوه و لرستان (حد فاصل بین دشت دهلران تا نواحی کوهستانی) انجام داده‌اند و سایت‌های باستانی متعلق به این دوره را یافته‌اند. لوئیس واندنبرگ، سرپرست هیأت مشترک ایران و بلژیک، در جست‌وجوی معبدهایی از عصر مفرغ در دهه‌ی ۱۹۶۰ فعالیت‌های گسترده‌ای در غرب ایران انجام داد. بیشترین اطلاعات ما از این دوره استقراری، برگرفته از یافته‌های باستان‌شناختی این هیأت است. اشمیت، اورل استین نیز از جمله باستان‌شناسانی هستند که در مورد مکان‌های باستانی غرب ایران به تحقیق پرداخته‌اند. فرانک هول موقعیت مکان‌های استقراری غرب ایران را در دوره روستانشینی به صورت زیر گاه‌نگاری کرده است (هول، ۱۳۸۱: ۱۳۴). زاگرس غربی از جمله نواحی ایلام باستان به شمار می‌آمده است. سنگ که در ساخت ابزارهای سنگی، مهره‌ها و در مواردی در بنای ابنیه به کار می‌رفته در دوره حکومت ایلامیان، مورد توجه همسایگان ساکن در بین‌النهرین بوده است. در دوره‌های بعدی از جمله دوره ساسانی، این ناحیه دارای اهمیت بوده، به‌طوری‌که پل‌های مهم تاریخی منسوب به این دوره همچون: پل دختر، گاومیشان، کشکان و... روی رودخانه‌ها هنوز باقی است. در دوران تاریخی بعد از اسلام نیز منطقه زاگرس از اهمیت زیادی برخوردار بوده است.

تعاریف

هنرهای سنتی: به بخشی از هنرهای رایج چون: صنایع دستی، معماری، موسیقی سنتی، نگارگری، و ... گفته می شود. صنایع دستی شاخص ترین نمود این نوع هنر است.

صنایع دستی: صنایع دستی بخشی از هنرهای سنتی است که در گذر زمان و در سایه پیشرفت های صنعتی، از هنر محض به یک هنر- صنعت تبدیل شده است و هم اکنون در عرصه هنرهای سنتی ایران جایگاه ویژه ای دارد. صنایع دستی دست سازهایی که بار هنری دارند و نشأت گرفته از محیط طبیعی و زیستی انسان و متأثر از عوامل فرهنگی، اجتماعی، باورها و قومیت های یک ملت اند، معمولاً صنایع دستی از مواد خام تولید شده و قابلیت آن را دارد که به تعداد نامحدود تولید گردد. صنایع دستی ترکیبی از صنعت و صنعت هنر و خلاقیت است که از دیدگاه اعتقادات، باورها و سنت های قومی و ملی مایه گرفته و به وجود آمده است (نعمت زاده، ۱۳۷۵: ۳۷).

ابزار وادوات سنگی: تحقیقات و بررسی های تاریخی به دست آمده، نشان می دهد که بهره گیری از سنگ و تهیه ابزارهای سنگی دارای قدمت زیادی است. ابزارهای سنگی بسیاری مانند تبر، هاون و ... از محوطه های باستانی به دست آمده است و مشخص شده است که خیلی از وسایل و لوازم مورد نیاز زندگی انسان از سنگ ساخته شده اند. بنابراین، این دوران به نام دوران سنگ یا «حجر» نامیده شده است.

ابزار سنگی: بر روی برخی تپه ها و محوطه های باستانی، نمونه ابزارهای سنگی مربوط به ساکنان سکونت گاه های اولیه به دست آمده است که در مطالعات باستان شناسی اهمیت دارند. تبر سنگی، هاون پاشنه در و ... از جمله این آثار می باشند.

تیغه های سنگی: از جمله آثار و شواهد فرهنگی قابل مطالعه بر روی آثار نمونه تیغه های سنگی است که به رنگ های سیاه، قهوه ای، سفید می باشند. این تیغه با تکنیک خاصی

از سنگ‌های محکم (سنگ مادر) جدا شده‌اند. باستان شناسان کشف این گونه آثار را در مطالعات و پژوهش‌های خود با اهمیت می‌دانند.

آبسدین: سنگ‌های شیشه‌ای هستند که بر اثر فعالیت های آتشفشانی به وجود می‌آیند و در برخی مکان‌های باستانی دیده می‌شود. تیغه‌های ساخته شده از این سنگ در دوران باستان رواج داشته است. معادن سنگ آبسدین تاکنون در مناطق محدودی از کره زمین کشف شده است (بخش غربی قاره امریکا، ترکیه ایران، ژاپن، نیوزلند و بخش هایی از اروپای مرکزی)^۶.

سنگاب: نوعی ابزار سنگی است که در گذشته آن را از آب پر می‌کرده‌اند و برای وضوگرفتن یا آشامیدن به کار می‌رفته است. محل نصب سنگاب معمولاً در حیاط مسجد یا امام زاده بوده است؛ ولی بر حسب نیاز در سایر مکان‌های عمومی هم از آن استفاده می‌کرده‌اند.

ابزارهای کشاورزی: فعالیت های کشاورزی و کشت گونه های مختلف غلات، حبوبات و مزارع مختلف و متنوع کشت و زرع در مناطق زاگرس، تهیه وساخت وسایل و ابزار های بهره برداری را به دنبال داشته است. اینگونه ابزارها هم در عملیات آماده سازی زمین، کشت محصولات و در نهایت برداشت فراورده‌ها مورد استفاده قرار می‌گرفت. از ابزارهای سنگی چون کج بیل و... تا ساخت خیش در مرحله کاشت و سپس وسایل برنده چون تیغه ها، داس و... استفاده می‌شد.

تاریخ تحولات صنایع دستی سنتی در ایران

صنایع دستی یکی از قدیمی‌ترین رشته‌های صنعتی دست ساز بشر است. بررسی و مطالعه اسناد و مدارک تاریخی نشان می‌دهد، پیدایش صنایع دستی به دوران سنگ

۱- بحر العلومی...، فرانک، (۱۳۷۸)، روش های سالیابی در باستان شناسی، ص ۱۳۵

بر می‌گردد. در این دوره ساخت ظروف و ابزار روزمره و مورد نیاز در زندگی چون: نیزه و خنجر از سنگ جهت صید و شکار حیوانات معمول گردید و رفته رفته به علت پیشرفت فکری بشر از سایر مواد موجود در طبیعت نظیر خاک رس، چوب، سنگ آهن، مس و بالاخره پشم و کرک حیوانات و الیاف گیاهی نیز استفاده به عمل آمد؛ به طوری که سابقه ساخت اشیای سفالی و مسی به بیش از چهار هزار سال پیش می‌رسد. شواهد و شناسه‌های فرهنگی مکشوفه از محوطه‌ها و مکان‌های باستانی نشان می‌دهد صنایع دستی و روستایی در مراحل مختلف تکامل اقتصادی (اقتصاد شبانی، اقتصاد کشاورزی و حتی اقتصاد صنعتی) تأمین کننده بسیاری از احتیاجات بشر بوده است. در منابع آمده است: به موازات تکامل فکری بشر، تدریجاً ساخت و استفاده از ابزار که از یک سو، موجب کاهش زحمت بدنی و از سوی دیگر، باعث ازدیاد راندمان کار می‌شد، رواج یافت و طی ادوار مختلف تکامل و پیشرفت فوق العاده‌ای حاصل کرد (بخشنده نصرت، ۱۳۸۷: ۱۸). توسعه شهرنشینی موجب بروز تحولات تدریجی و عمیقی در صنایع دستی شده است. در عصر فلز، با وجودی که تدریجاً ساخت آلات و ادوات ریختگی برنزی و مسی رواج یافت، معه‌ها هنوز استعمال ابزار سنگی بر انواع مشابه آن غلبه داشت، تهیه و استفاده از ظروف سفالین نقاشی شده معمول بود و بافت انواع منسوجات ظریف و طلاکاری و ساخت اشیای زرین رونق و رواجی درخور داشت (نوری زاده، ۱۳۷۶: ۳۱). اولین فلزاتی که به طور طبیعی و بدون ترکیب با فلزات دیگر مورد استفاده قرار گرفت، طلا، نقره و مس بود. تاریخ بهره‌گیری از مس به حدود ۸۰۰۰ سال پیش می‌رسد. سپس، ترکیب فلزات آغاز شد و ترکیب مس با قلع که فلز مفرغ یا برنز را به وجود آورده و با شکل‌ها و فرم‌های مختلف بر اساس آداب و رسوم عقاید مذهبی، طریقه شکار و جنگ یا مراسم مذهبی

و... به تزیینات و نقوش آن‌ها پرداخته‌اند (بیانی، ۱۳۶۶: ۱۱ و ۱۲). در مورد فلز آهن نیز آمده است: «آهن... را مردم هیتیانی در غرب ایران در ۱۵۰۰ ق.م می‌شناختند (احسانی، ۱۳۶۸: ۴۵). یافته‌های حاصل از حفاری‌ها و کاوش‌های باستان‌شناسی آثار ارزشمندی از دست‌سازهای ایرانیان متعلق به دوران مختلف زندگی و استقرار در مکان‌ها و محوطه‌های تاریخی و باستانی (اعم از اشیای سنگی، فلزی و گلی) را ارایه نموده است. عنصر ایرانی با شناخت زیبایی‌ها موفق شده تا با تفکر و اندیشه خود خالق آثاری شود که معرف ذوق و استعداد هنری او در عصر خود بوده است. تاریخ تحولات تولیدات و فراورده‌های دست‌ساز بشرکه به عنوان صنعت از آن یاد می‌کنیم چیزی جدای از تاریخ تمدن نیست. بنابراین، بررسی و مطالعه صنایع، هنرها و پیشه‌های ایرانی را از زمان پیدایش تمدن و شیوه‌های زندگی مردم می‌بایستی مورد توجه قرار گیرد. به اعتقاد اکثر محققان خاستگاه فنون و مهارت‌های کشاورزی، دامپروری، فلزکاری، سفالگری و تکنولوژی ساخت ابزار و وسایل مورد نیاز زندگی روزمره انسان در خاورمیانه و خصوصاً در فلات ایران بوده است. بررسی‌های تاریخی و باستان‌شناسی نشان می‌دهد ایرانی‌ها دارای ابتکار خلاقیت و ذوق هنری در تولیدات صنعتی مورد نیاز در زندگی روزمره بوده‌اند. هنر هنرمندان ایرانی را می‌توان در آثار سفالین در محوطه‌های باستانی، ابزار و ادوات مختلف فلزی و سنگی و دیگر تولیدات جستجو کرد. قدیمی‌ترین مرحله زندگی بشر در ایران، تا جایی که آثار مکتوب و باز یافته‌های تاریخی نشان می‌دهد «عصر حجر میانه» یا مزولیتیک (Mesolithic) است که حدود ۱۰۰۰۰ تا ۱۲۰۰۰ سال با آن فاصله داریم و مدارک مربوط به آن توسط کارلتون س. کُن (Charlton S. Coon) در غار مسکونی «هوتو» یا «کمر بند» در نزدیک بهشهر فعلی به دست آمده است. یافته‌ها نشان می‌دهد حدود ۶۰۰۰ سال ق.م. کشت غلات،

مخصوصاً گندم و جو، در ایران مرسوم بوده و محصولات زراعی به وسیله داسی که از سنگ چخماق ساخته شده، درو می‌شده است. همچنین در همین زمان، استفاده از پشم گوسفندان برای تهیه بخشی از لوازم مورد نیاز (مصرف ریسندگی و بافندگی) رواج یافته است. به نظر می‌رسد مردم با انواع ابزارهای سنگی و استخوانی به منظور شکار آشنایی داشته‌اند. در معماری اسلامی از سنگ برای کار در شالوده، بدنه، فرش کردن کف و تزیین بنا استفاده می‌شد. گرچه به علت موقعیت جغرافیایی و اقلیمی استفاده از سنگ در برخی نقاط چون آذربایجان بیشتر دیده می‌شود؛ اما بهره‌گیری از آن تقریباً در سراسر ایران مرسوم و متداول بوده است. استفاده از سسنگ در پی بنا و دیوارها اهمیت ویژه‌ای داشت. برای ساختن کتیبه‌ها سنگ‌های گوناگونی چون سنگ سیاه، سنگ آهک، سنگ مرمر که با دقت تراشیده و گاهی حجاری می‌شد به کار می‌رفت (مرند: کاروانسرای مرند، شیراز: مسجد جامع، کاشان: کتیبه‌های مسجد میدان). طبق نظر محققان، پژوهشگران و هنرشناسان مشخص شده که زادگاه صنایع دستی و هنرهای نظیر قالی، فلزکاری، سفال و سرامیک و... کشور ایران بوده است. (سالاری، ۱۳۸۸: ۱۳۶).

مطالعه صنایع دستی و پیشینه آن در ایران را باید از زمان‌های بسیار دور و حتی قبل از تاریخ آغاز کرد و روند تکاملی آن را به ترتیب گذشت زمان مورد بررسی قرار داد و از این طریق به منشأ اولیه صنایعی که امروزه نیز در قسمت‌های مختلف ایران رایج است دسترسی پیدا کرد. باید توجه داشت که دانستن وضع کلی تاریخ کشور و نگرشی به حفريات باستان‌شناسی انجام شده می‌تواند پایه و اساس اطلاعات ما درباره صنایع دستی باشد. تاریخ صنایع، چیزی منتزع از تاریخ تمدن نیست و ضرورتاً می‌بایست بررسی صنایع، هنرها و پیشه‌های ایرانی را از زمان پیدایش تمدن و شیوه‌های

زندگی مردم آغاز کرد. مطالعات باستان شناسی در مناطق زاگرس چون: موسیان، گلان، هلیلان وحاشیه رود سیمره، خاستگاه فنون کشاورزی، فلزکاری، سفالگری و... بوده است. داورگان در باب صنعت پیش از تاریخ ایران در شوش موفق به کشف اشیای مختلفی شد که هم دارای تنوع زیادی است و هم از کثرت قابل ملاحظه‌ای برخوردار بوده است. در این اکتشاف، اشیایی به دست آمده که متعلق به اوایل دوره مس است و تبر، سوزن، اسکنه و آینه‌های مسین که از درون مقابر به دست آمده نشان دهنده استفاده مردم این دوره از فلز مس است. در این دوره همچنین پارچه‌هایی که با الیاف مختلف بافته شده، به دست آمده؛ ولی به نظر می‌رسد که بزرگترین صنعت ایرانیان در این دوره سفالگری بوده است. تولید سفال‌هایی با چرخ و به شکل آبخوری، کاسه‌های غذاخوری، دیگ‌های پخت غذا و گلدان‌ها و ظروف با لعاب قرمز صیقلی در منطقه رواج داشته است. با وجودی که در این دوره بیشتر اشیای از سنگ ساخته می‌شد، ساخت تبر، بیلچه و سلاح‌های مختلفی به شکل سلاح‌های تولیدی مردم بین‌النهرین یعنی از مس، در ایران رواج داشته و از استخوان و فلز برای ساخت وسایل مصرفی مختلف استفاده می‌شده و اکثر تولیدات منقوش بوده است و شباهت زیادی بین اشکال و نقوش ساخته‌های فلزی و نقش مصنوعات سفالی به چشم می‌خورد. در پی کاوش‌هایی که در سال ۱۹۴۷ میلادی (۱۳۲۵ ه.ش) در زیویه - در نزدیکی سقز- به عمل در آمده، گنجینه‌ای از اشیای زرین و مفرغی و محصولات تهیه شده از عاج به دست آمده که به حدود قرن هفتم ق.م. یعنی آغاز دوره حکومت مادها تعلق دارد. همچنین، در کاوش‌های حسنلو - در ۸۵ کیلومتری جنوب ارومیه- جام طلایی که بر سطحش صحنه‌های اساطیری حکاکی شده و به قرون ۸ تا ۱۴ ق.م. تعلق دارد، به دست آمده است. ابزارهای مفرغی حکاکی شده‌ی لرستان، انواع سلاح‌ها،

ابزارها و وسایل کشاورزی، وسایل تزئین، اشیای آیینی، انواع دهانه و مالبند و دیگر ابزارهای مخصوص اسب و گردونه، توت‌ها و بت‌ها، سنجاق‌های مفرغی با سری درشت و مزین به شکل سر و شاخ چهار پایان و ... از هنرهای سنتی و صنایع دستی شاخص ایرانیان در هزاره اول قبل از میلاد است. آثار و نشانه‌های بر جای مانده از دوره هخامنشی بیانگر طیفی گسترده از گرایش‌های مختلف صنایع دستی و البته با ویژگی‌های منحصر و مختص این دوران می‌باشد. جام‌ها و ساغرها (ریتون) های طلا و نقره به شیوه چکش خواری روی نقره، نقره کاری، زرگری، ساخت زیورآلات زرین و سیمین، ریخته‌گری مفرغ، سفالگری، سنگ تراشی، پارچه بافی (از پشم) کنده کاری، منبت کاری، قالیبافی (که نمونه شاخص آن قالی پازیریک نخستین قالی بافته شده در جهان توسط ایرانیان ۵۰۰ ق م) را می‌توان نام برد. در هنر هخامنشی از ترسیم حیوانات و بعضی درختان، گیاهان و نباتات، پرندگان اسطوره‌ای و خیالی، علامت‌هاورامزدا و ... به وفور استفاده شده است. صنایع دستی ایران در دوره سلوکی از لحاظ طرح و شکل تا اندازه زیادی تحت تأثیر هنر هلنیستی - یونانی مآبی - قرار گرفت. در دوره اشکانی به تدریج و دیگر بار هویتی ایرانی یافت. از صنایع دستی رایج در دوره اشکانی باید به سفالینه‌های زیبا، مسکوکات فلزی ساخته شده از طلا و نقره، قلاب‌دوزی و برخی دیگر از رودوزی‌ها، پارچه بافی و در نهایت ساخت زیورآلات اشاره کرد. در عصر ساسانی هنر و معماری ایران یکی از دوره‌های اوج خود را ثبت کرد. هنروران ساسانی صنعت فلزکاری ایران را به کمال رساندند. ضمن آنکه ظروف زرین و سیمین و یا فلزی دیگر که با روش‌های مطلاکاری، حکاکی، قلمزنی و یا میناکاری تزئین می‌یافت، از جمله هنرهای مرتبط با فلزکاری ساسانی است. از بدو حضور اسلام در ایران در عهد ساسانی تا قرون بعدی و حاکمیت سلجوقیان شاهد

تغییرات گوناگونی از منسوخ شدن استفاده از ظروف سیمسن زرین، احیا و ترویج صنعت سفالگری با شمایل و ترکیبی دیگر (استفاده از لعاب مینایی) رونق صنعت نساجی و پارچه بافی از جمله بافت پارچه های ظریف را شاهد می باشیم. در دوران طلایی سلجوقیان به لحاظ درخشش و رونق صنایع دستی از جمله مس کوبی انواع ظروف و محصولات فلزی مسی، حکاکی، قلمزنی و مشبک کاری آنها شاهد ظرافت و زیبایی بی نظیری می باشیم و گفتنی است که مشبک کاری روی فلز نیز برای نخستین بار در این دوران انجام پذیرفت. از مشهورترین آثار بر جای مانده از این دوران می توان به بشقاب آلب ارسلان اشاره نمود. شیشه گری علاوه بر سفالگری و آثار فلزی نیز در این عهد به ویژه در نیشابور رونق داشته است. در عهد تیموری قالیبافی رواج و رونق ویژه ای یافت با نقوش لچک و ترنج و نیز نقش سجاده ای (محرابی) و نیز هندسی، صنعت نساجی نیز در عهد تیموریان دارای رواج و رونق بوده که بیشتر به علت استفاده از طلا و نقره به شیوه راه راه در بافت پارچه های دیا بوده است. اگر صنایع دستی ایران را به فروشگاه بزرگ تشبیه نمایم دوران صفویه بدون تردید، ویرترین این فروشگاه زیبا، بزرگ و شکل خواهد بود. دوران صفویه دوران اوج و اعتلای بسیاری از هنرهای این دیار و یا رشد و گسترش آن بوده است. نگارگری، کتاب آرایی، خط و خوشنویسی، تذهیب، نساجی سنتی، فلزکاری، سفالگری، کاشی سازی، قالی بافی و ... در این دوران شاهد رشد و بالندگی بود که بسیاری از آثار بر جای مانده از آن دوران هم اکنون زینت بخش برترین موزه های جهان است.

دوران بهره گیری از سنگ در جوامع انسانی

دوران سنگ: انسان طی مراحل تکاملی زندگی خود تلاش نموده است تا با تفکر و اندیشه از منابع محیط پیرامون استفاده کند و شرایط مناسب و مطلوبی برای ادامه حیات خود فراهم آورد. تحقیقات و بررسی‌های تاریخی به دست آمده، نشان می‌دهد که بهره‌گیری از سنگ و تهیه ابزارهای سنگی دارای قدمت زیادی است. ابزارهای سنگی بسیاری مانند تبر، هاون و ... از محوطه‌های باستانی به دست آمده است و مشخص شده است که خیلی از وسایل و لوازم مورد نیاز زندگی انسان از سنگ ساخته شده‌اند. بنابراین، این دوران به نام دوران سنگ یا «حجر» نامیده شده است. زمانی انسان از سنگ‌های نتراشیده استفاده می‌کرد و دوره‌های بعدی ابزارهای سنگی راتراش می‌داده‌اند. برخی باستان‌شناسان از جمله کوروس، ضمن ارائه اطلاعاتی در مورد ابزارهای به دست آمده از دوران سنگ، آثار سنگی محوطه‌های باستانی آذربایجان را مربوط به دوره‌ی پارینه‌سنگی قدیم می‌داند. نواحی دیگری چون «پال باریک» در هلیلان واقع در استان ایلام، منسوب به این دوره است (محمودیان، ۱۳۹۷: ۷۷).

صادق شه میرزادی در کتاب خود نوشته است: «آثاری از دوران پارینه‌سنگی میانه (موسترین) در نقاط باستانی خرم آباد لرستان شناسایی شده‌اند که به صورت غار یا پناهگاه سنگی بوده‌اند و در کنار چشمه‌های آب قرار گرفته‌اند.» (ملک شه میرزادی، ۱۳۷۳: ۸۶). کهن‌ترین شواهد این دوره در اطراف رودخانه کشف رود در شرق مشهد یافت شده است. این شواهد شامل تعدادی ابزار سنگی ساخته شده از کوارتز است که شامل تراشه و ساطور ابزار هستند. طبق نظر کاشفین این مجموعه حداقل ۸۰۰ هزار سال قدمت دارد. از فرهنگ آشولی نیز مدارک بیشتری در شمال غرب و غرب کشور به دست آمده است. از دوران پارینه‌سنگی میانی که به فرهنگ ابزارسازی آن

«موستری» گفته می شود، شواهد بیشتری در غارها و پناهگاه‌ها یافت شده‌است که اغلب مربوط به زاگرس مرکزی هستند. شروع این دوره از حدود ۲۰۰ تا ۱۵۰ هزار سال قبل بوده و تا حدود ۴۰ هزار سال پیش ادامه داشته‌است.

سازه‌های سنگی

تقسیم‌بندی تمدن‌های باستانی به دوره‌های سنگ و فلز نشان دهنده اهمیت و تأثیر همه جانبه کشف مواد، مصالح و بهره‌برداری از مواد طبیعی محیط پیرامونی بوده است. تحولات این عرصه در مراحل اولیه و شکل‌گیری، به گونه‌ای اتفاقی از منابع سطحی روی داده و به تدریج جای خود را به روش‌های پیشرفته‌تری مانند کان‌یابی و استفاده از منابع کانی داده است. ساکنان این سرزمین کهن از دوران پیش از تاریخ مدون، شاهد بهره‌گیری از مواد در ساختار زندگی مادی خود بوده‌اند. ایران در دوره تاریخی نیز علاوه بر آن که جایگاه پیدایی مواد و مصالح تازه و دارنده کان‌ها و ذخائر فراوان بوده است، گذرگاه تمدن‌های باستانی هم‌چون: چین، مصر، میان‌رودان، یونان و روم، و ... نیز به شمار آمده است. و ارزش‌های آن‌ها مانند سنگ، چوب و دیگر مواد و مصالح در اسناد و منابع و داستان‌ها بازتاب داشته است (محمودیان، ۱۳۹۴: ۳۴). سنگ یکی از اولین مصالحی بوده است که انسان‌های اولیه برای ساختن ابزارها و محل‌های مسکونی، یا بهتر بگوییم برای ایجاد پناهگاه‌های خود مورد استفاده قرار می‌داده‌اند. دوره‌های پارینه‌سنگی و نوسنگی نشان دهنده تقدم زمانی کاربرد سنگ بر فلز و دیگر مصالح بوده است. انسان ساکن در فلات ایران و دیگر مکان‌های استقرار، با تغییر شکل تکه‌های سنگ و درست کردن لبه‌ها و یا نوک سنگ‌ها، ابزارهایی ساخت که می‌توانست به شکل بهتری در شکار به کار رود. در طی دوره‌های پارینه‌سنگی و نوسنگی تغییرات و دگرگونی بسیاری در ابزارسازی سنگی و نوع استفاده از سنگ

پدیدار گردید و بر میزان تجربیات و مهارت مردمان نخستین در بهره‌گیری از مصالح سنگی افزوده شد. مصالح سنگی در ایران از دوران‌های پیش از تاریخ به کار می‌رفته است. خانه‌هایی در شمال ایران کشف گردید که پایه‌های آن‌ها از سنگ‌چین بوده است و تاریخ آن به ۷۰۰۰ سال پیش می‌رسد. مصالح سنگی ابتدا به گونه‌ای طبیعی و بدون مشکل هندسی به کار برده می‌شد؛ زیرا هنوز ابزارهای سنگ‌تراشی، به وجود نیامده بود و یا بر اساس باورهای مردمان باستان، دخل و تصرف در شکل و تغییر شکل سنگ‌ها و طبیعت، نوعی دخالت در امور خدایان تلقی می‌گردید. به همین خاطر، از آن اجتناب می‌ورزیدند و باستان‌شناسان کاربرد سنگ‌ها را به حالت اولیه خود در ساختمان‌ها وابسته به این باورها دانسته‌اند. با ورود آریائی‌ها به ایران در اواخر هزاره دوم پیش از میلاد، دگرگونی‌هایی در شیوه زندگی از جمله مصالح و چگونگی ساختمان‌سازی پدید آمد و مصالح سنگی به شکل و شیوه جدیدی به کار گرفته شد.

روش‌های استخراج سنگ

در دوران باستان برای استخراج سنگ از معدن، روش‌های مختلفی به کار می‌بردند. ابتدا با ذره‌های فلزی و یا اره‌هایی شبیه به اره‌های امروزی اطراف سنگ را از کوه جدا می‌کردند و سپس در شکاف‌های حاصله گوی‌های چوبی قرار داده و شکاف را از آب پُر می‌کردند؛ در نتیجه گوی چوبی متورم می‌شد و به سنگ فشار می‌آورد و تکه سنگ را از کوه جدا می‌کرد. ابزار دیگری که در این کار مورد استفاده قرار می‌گرفت «قلم فلزی» بود. در جدا نمودن سنگ ساختمانی از کوه، در انتخاب بخش‌های بی‌رگه دقت زیادی می‌کردند.

تراش و تزئینات سنگ

تکه سنگ‌هایی که با روش‌های مختلف از کوه جدا می‌شد هر چند شکل هندسی داشتند، اما روی آن‌ها صاف و هموار نبود. بنا براین، تکه‌های سنگ پس از انتقال به جایگاه ایجاد ساختمان، با دست هنرمندان سنگ‌تراش، کار هموار کردن رویه‌های سنگ و برخی تزئینات «نما» آغاز می‌گردید. بخشی از کارهای مربوطه پیش از قرار دادن سنگ در بنا و بقیه‌ی آن پس از قرار گرفتن در محل نهایی انجام می‌گرفت. ابزارهای صاف کردن رویه‌ی سنگ، افزون بر تیغه‌های فلزی، تکه‌هایی از سنگ‌های تخت چکش مانند بوده است که با کوبیدن به بخش‌های ناصاف سنگ، هموار می‌شد. در صاف کردن اولیه‌ی سنگ از شن‌های ریز - که کار سمباده را انجام می‌داد- بهره‌گیری می‌شد. برای شکل‌گیری منظم و دقیق سنگ از ابزارهایی مثل «گونیا» و «ریسمان» استفاده می‌شد.

کاربرد سنگ

کاربرد سنگ در ساختمان از دوران باستان تابع امکانات معدنی و ابزارهای شکل دادن به سنگ و هدف‌های خاص ساختمانی بوده است. نخستین ساختمان‌های بزرگ سنگی در مصر باستان ساخته شده است که در آن منابع سنگ فراوان یافت می‌شد. در آن سرزمین تکه‌های کم و بیش منظم سنگی به کمک ملاط گچ روی هم نهاده می‌شد. کاربرد سنگ و مصالح سنگی در ساختمان‌ها در دوره‌های اشکانی و ساسانی نیز ادامه داشته است. ساختمان‌های سنگی اشکانی و ساسانی عموماً از سنگ‌های لاشه که در ملاط گچ و خاک و یا آهک قرار می‌گرفتند، ساخته می‌شد؛ زیرا ایرانیان همواره تلاش می‌کردند که بناهایی پایدار احداث نمایند و به همین خاطر از سنگ استفاده می‌نمودند. علاوه بر کاربرد در ساخت ابزارهای سنگی و ساختمان‌سازی، از انواع

سنگ‌ها در فرم‌های آرایش «تزئینی» نیز استفاده می‌شده است. در عهد باستان معدن و کان‌سازهای برخی از سنگ‌های درخشان و رنگین در ایران شناخته شده است. این سنگ‌های بهادر به علت رنگ، درخشش و جلا به عنوان اشیای آرایشی به کار رفته و دادوستد می‌شده‌اند. ایرانیان به سنگ‌های شفاف، رنگین و بهادر اهمیت می‌دادند. این نگرش موجب پیدایش پیشه‌ها و مشاغلی در بخش سازه‌های سنگی بوده است. در معماری بناهای کاخ‌ها و عمارت‌ها از ستون استفاده شده است. در دوران مختلف بهره‌گیری از ستون در سازه‌های معماری عنصر ایرانی نقش کلیدی داشته است. ایلامیان از جمله اقوام ایرانی هستند که در بناهای خود از ستون استفاده کرده‌اند. در دوران بعد، به‌ویژه در عصر هخامنشی ستون جایگاه ویژه‌ای در معماری ایفا نموده است. کاخ‌های مجموعه‌ی تخت‌جمشید، پاسارگاد و شوش مهم‌ترین نمادهای بناهای سنگی و استفاده از ستون قلمداد می‌گردد. هر ستون از چهار قسمت عمده تشکیل شده است. سرستون، ساقه ستون، شالی ستون، ته‌ستون یا پایه ستون. هر یک از این بخش‌ها نیز از نظر فرم و شکل به اجزائی دیگری تقسیم شده است.



برای بالا بردن ستون از داربست‌های چوبی، از طناب‌های ضخیم، قلاب و قرقره استفاده می‌کردند.

خیش: خیش از کهن ترین و مهمترین وسیله کشاورزی است که صورت گویش آن خیش است. فرهنگ‌ها این واژه را به صورت‌های «خویش» و «خیچ» و «هیش» ضبط کرده‌اند. در بعضی نسخه‌های شاهنامه خویشکار آمده است (شامیاتی، ۲۲۲). نام خیش در سنسکریت «هالا» است (هال، ۱۳۹). در بعضی از متون کهن نیز «شَه» به معنی خیش برای شخم زمین و کاشتن غله و کلمه «پشیری-دَرزانه» به معنی یوغ گاو نر، یراق برای گاو شخم زننده که خیش را بدان بندند، آمده است (رضی، دانشنامه...، ج ۲: ۱۲۴۷). گیرشمن سابقه استفاده از خیش را به قبل از هزاره چهارم می‌رساند و آن را عاملی در راستای ترقی سریع دهکده و توسعه رشته کشاورزی و پذیرفتن طرز کارکرد اجتماعی و یاری گرفتن از همسایگان برای هموار کردن زمین و آبیاری می‌داند (گیرشمن، ایران از ...، ۱۶، ۱۹). رالف لیتون نوشته است: اختراع خیش را بطور تقریب در «دنیای قدیم» در فاصله زمانی مابین ۵۰۰۰ سال تا ۳۵۰۰ سال قبل از میلاد (تمدن نوسنگی) در منطقه آسیای جنوب غربی می‌داند و اضافه می‌کند که باید به حق «خاور کهن سال» نامیده شود که کشاورزان آن هنوز هم به همان نحوه اجداد «نوسنگی» خود زندگی می‌کنند. در ابتدای دوران نوسنگی مزارع با بیلچه‌های سنگی و چوبک‌های حفاری شخم می‌شد.

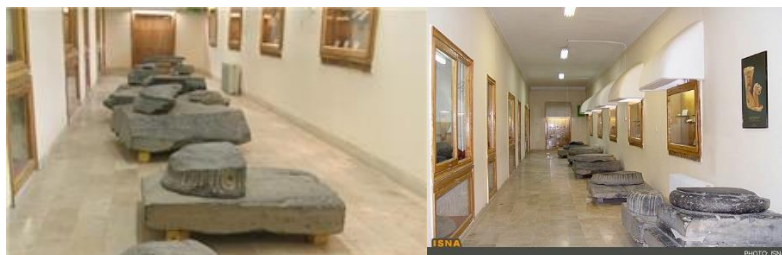
موزه: موزه کلمه یونانی است که از Mouseion گرفته شده است و در مجموع به محلی اطلاق می‌شود که اشیاء، ابزار تاریخی، فرهنگی و طبیعی یک کشور یا منطقه در آنجا نگه داری و در معرض دید و مشاهده قرار داده می‌شود. موزه به محلی که برای نمایش و مشاهده آثار، اشیاء، ابزار، مواد و وسائل دارای ارزش اختصاص یافته اطلاق می‌شود. به بیان دیگر موزه عبارت است از محل نمایش و نگهداری اشیاء و آثار قابل مشاهده. فرهنگ عمید، موزه را مجموعه‌ای از آثار باستانی می‌داند و به «عمارتی که

آثار باستانی در آنجا نگه داری یا به معرض نمایش گذارده می شود» تعریف شده است. هم چنین در فرهنگ عمید در مورد موزه آمده است: «در یونان قدیم نام محلی که در آن جا به مطالعه صنایع و علوم می پرداخته اند و نیز نام تپه ای بوده در آتن که در آن جا عبادتگاه و محل مخصوص برای چند تن از خدایان خود ساخته بودند (محمودیان، ۱۳۸۹: ۱۱).

موزه داری: کشورمان ایران با توجه به قدمت تاریخی و فرهنگ کهن سال آن دارای آثار با ارزش تاریخی است. به طوری که می توان گفت ایران یک موزه بزرگ از تاریخ دوران مختلف حیات بشری است که متأسفانه طی قرون معاصر به علت کم توجهی ها و غارت میراث های فرهنگی به کشورهای دیگر انتقال داده اند که امروزه این آثار در موزه های معروف دنیا خودنمایی می کند. هرچند هویت فرهنگی این آثار مشخص و برای مشاهده کنندگان و بینندگان روشن و معلوم است ولی از بعدی دیگر و از جهتی مورد استفاده و بهره گیری آن کشورها قرار می گیرد (همان: ۷۵).

ابزار های موزه سنگ هگمتانه

این موزه در یکی از بناهای باقی مانده از ساختمان های تخریب شده جدید بر روی تپه تاریخی هگمتانه ایجاد شده است. بسیاری از اشیا و ابزار و آثار به دست آمده از تپه هگمتانه از جمله ستون های سنگی در این موزه در معرض دید بازدید کنندگان، قرار داده شده است.



اشیای سنگی تمدن جیرفت

تحقیقات باستان‌شناسی در حوزه هلیل‌رود و منطقه جیرفت اطلاعات ارزشمندی از تمدن و فرهنگ جیرفت مربوط به هزاره پنجم قبل از میلاد ارایه نموده است. کشف لوحه‌های گلی و کشف ظروف سفالی و سنگی، قطعات سنگ صابونی و کنده‌کاری روی آن‌ها بخشی از هنر فلات مرکزی را به جهانیان معرفی نمود. این آثار دارای ظرافت خاص است و موارد کاربردی و زیبایی‌شناختی را در بر می‌گیرد. در روی این قطعات تصاویری از قبیل انسان، بز و گوسفند، نخل، مار و عقرب وجود دارد. بخشی از این اشیاء در موزه سنگ جیرفت به نمایش درآمده است،



هنرهای مرتبط با سنگ که متشکل از سنگ تراشی، خراطی سنگ، معرق، مشبک، حکاکی مرصع و فیروزه‌کوبی است در قرون اخیر رونق یافته است..



مجسمه و انواع پیکرک‌ها و...

مهر: از جمله آثار موزه ای ارزشمند مکشوفه از مکان های باستانی مهر می باشد که دردوران های مختلف تاریخی کاربرد داشته و امروزه مورد کشف و شناسایی قرار گرفته اند. این گونه اشیاء موزه ای با استفاده از سنگ، گل و... ساخته شده و نشانگر ارتباطات اقتصادی است.



اشیاء موزه ای





لوحه های گلین



نتیجه گیری

شناخت و آشنایی با صنایع دستی و رشته های مخلف و متنوع آن در جهت ارتقای سطح دانسته ها و بهره گیری مناسب از آن برای تدوین برنامه های آینده، امری مهم و با اهمیت قلمداد می گردد. نیاز به تحول و تحرک در توسعه صنایع دستی و سنتی به دلیل شرایط، امکانات، زمینه ها و سوابق روشن آن بیش از هر زمان دیگری در منطقه احساس می شود و ضرورتی اجتناب ناپذیر است. از این رو، تلاش شده این مسئله از جهات مختلف مورد مطالعه و بررسی قرار

گیرد. بررسی های تاریخی وباستان شناسی نشان می دهد مردمان این دیار در دوران مختلف با تهیه وساخت صنایع دستی توانسته اند بخش عمده ای از نیازمندی های روزمره زندگی خود را تأمین نمایند. مطالعه وبررسی توانمندی ها واستعدادها و تحولات تاریخی وباستان شناختی صنایع دستی وسنتی ساکنان منطقه در دوران مختلف تاریخی به ویژه صنایع تولیدی از سنگ مهمترین هدف این نوشتار بوده است. این منطقه به دلیل شرایط مطلوب جغرافیایی، موقعیت قرار گرفتن در مسیر راه ها وجاده های باستانی و نیز زندگی کوچ نشینی دارای اهمیت بوده ست. این موقعیت موجب شده تا در دوران مختلف زندگی انسان در این منطقه شاهد تحولات فرهنگی واقتصادی متکی بر صنایع دستی وسنتی باشیم. شرایط اقلیمی، پیشینه تاریخی صنایع دستی وسنتی زاگرس، ضرورت مطالعات علمی وانجام پروژه های تحقیقاتی در این زمینه مورد توجه قرار داده است. یافته های این پژوهش نشان می دهد ساکنان زاگرس بخش عمده ای از ابزار ها و وسایل روزمره زندگی خود را از سنگ تهیه می کردند. ابزار های سنگی، تیغه ها به عنوان ابزار برنده، سنگ به عنوان مصالح اصلی در ساخت وساز ها از جمله موارد استفاده ازسنگ در میان اقوام زاگرس نشین بوده است. سنگ یکی از اولین مصالحی بوده است که انسان های اولیه برای ساختن ابزارها، ایجاد محل های مسکونی و ایجاد پناهگاه های خود مورد استفاده قرار می داده اند. دوره های پارینه سنگی و نوسنگی نشان دهنده تقدم زمانی کاربرد سنگ بر فلز و دیگر مصالح بوده است. انسان ساکن در فلات ایران و دیگر مکان های استقراری، با تغییر شکل تکه های سنگ و درست کردن لبه ها و یا نوک سنگ ها، ابزارهایی ساخت که می توانست به شکل بهتری در شکار به کار رود. در طی دوره های پارینه سنگی و نوسنگی تغییرات و دگرگونی بسیاری در ابزارسازی سنگی و نوع استفاده از سنگ پدیدار گردید و بر میزان تجربیات و مهارت مردمان نخستین در بهره گیری از مصالح سنگی افزوده شد. مصالح سنگی در ایران از دوران های پیش از تاریخ به کار می رفته است. مصالح سنگی ابتدا به گونه ای طبیعی و بدون مشکل هندسی به کار برده می شد؛ در مراحل دیگر از دوران زندگی بشر، تراش سنگ وتزیینات روی سنگ رواج پیدا می کند که شاهد

بهره گیری گسترده بشر از سنگ بوده ایم. علاوه بر کاربرد در ساخت ابزارهای سنگی و ساختمان سازی، از انواع سنگ ها در فرم های آرایش «تزئینی» نیز استفاده می شده است. در عهد باستان از سنگ های درخشان و رنگین استفاده شده است. این سنگ ها به علت رنگ، درخشش و جلا به عنوان اشیای آرایشی به کار رفته و دادوستد می شده اند. بررسی های باستان شناسی نشان می دهد در معماری بناهای کاخ ها و عمارت ها از ستون استفاده شده است. در دوران مختلف بهره گیری از ستون در سازه های معماری عنصر ایرانی نقش کلیدی داشته است. ایلامیان از جمله اقوام ایرانی هستند که در بناهای خود از ستون استفاده کرده اند. در دوران بعد، به ویژه در عصر هخامنشی ستون جایگاه ویژه ای در معماری ایفا نموده است. کاخ های مجموعه تخت جمشید، پاسارگاد و شوش مهم ترین نمادهای بناهای سنگی و استفاده از ستون قلمداد می گردد. هر ستون از چهار قسمت عمده تشکیل شده است. سرستون؛ ساقه ستون؛ شالی ستون؛ ته ستون یا پایه ستون. هر یک از این بخش ها نیز از نظر فرم و شکل به اجزای دیگری تقسیم شده است.

پیشنهادهات

– وزارت میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری نسبت به حفاظت بیشتر بناهای سنگی برجای مانده از دوران مختلف عنوان گنجینه تفکر و تجربه هنرمندان منطقه اهتمام بیشتری داشته باشند.

– ایجاد موزه ابزارها و ادوات ساخته از سنگ در راستای حفظ مواریث گذشته و از جهتی معرفی هنر هنرمندان تاریخ سنگ با اهمیت قلمداد می گردد.

– شناسایی پتانسیل های موجود منطقه به عنوان فرصت های شغلی و سرمایه گذاری در بخش صنایع ساخته شده از سنگ، می تواند مورد توجه دست اندرکاران و برنامه ریزان بخش توسعه باشد.

– مجوز راه اندازی گارگاه های صنایع دستی سنتی سنگی توسعه این صنعت را به دنبال خواهد داشت.

– ایجاد نمایشگاه‌های خاص در منطقه یا شرکت در نمایشگاه‌های ملی و بین‌المللی معرف صنایع دستی سنتی این منطقه از کشور خواهد بود.

منابع و مآخذ:

- احسانی، محمد تقی؛ (۱۳۶۸)، هنر فلزکاری در ایران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی .
- افرا، منیره؛ (۱۳۹۷)، نقش صنایع دستی در توسعه اقتصاد گردشگری استان لرستان، خرم آباد: انتشارات شاپور خواست.
- بخشنده‌نصرت، عباس؛ (۱۳۷۸)، «صنایع دستی (روستایی) و پهنه‌بندی آن در ایران»، جزوه درسی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی توریسم.
- بخشنده نصرت، عباس و میراج، فرحناز؛ (۱۳۸۸)، «راهکارهای احیای صنایع دستی منسوخ شده و ارتباط آن با توریسم (مجموعه مقالات همایش ملی صنایع دستی و ارتباط آن با صنعت توریسم)».
- بلوریان، محمد؛ (۱۳۷۴)، «بازار یابی و صادرات صنایع دستی»، تهران: پیام صادرات، بهمن و اسفند.
- بیانی، سوسن؛ (۱۳۶۶)، هنر فلزکاری اسلامی، دانشگاه تهران .
- پژوهشکده باستان‌شناسی؛ (۱۳۸۲)، گزارش‌های باستان‌شناسی (۲)، سازمان میراث فرهنگی کشور.
- سازمان صنایع دستی؛ (۱۳۵۷-۱۳۵۶)، «نقش صنایع دستی روستایی در توسعه اقتصادی»، تهران: سازمان صنایع دستی.
- سالاری، سامرندو سالاری، ممند؛ (۱۳۸۸)، «بررسی و شناسایی صنایع دستی مناطق کردنشین کشور به عنوان زمینه‌ای مناسب برای توسعه توریسم و توسعه پایدار (مجموعه مقالات همایش ملی صنایع دستی و ارتباط آن با صنعت توریسم)»، تهران.
- شامبیاتی، داریوش؛ (۱۳۷۵)، فرهنگ لغات و ترکیبات شاهنامه، نشر آران.

- گیرشمن، رومن؛ (۱۳۷۲)، ایران از آغاز تا اسلام، چاپ دهم، ترجمه: محمد معین، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- گیرشمن، ر؛ (۱۳۷۴)، ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه: محمد معین، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- گزارش بررسی و مستند سازی آثار باستانی استان ایلام، میراث فرهنگی و گردشگری ایلام.
- محمودیان، حبیب اله؛ (۱۳۹۱) دوران طلایی برنز در زاگرس غربی، چاپ اول، ایلام: نشر زاگرو.
- (۱۳۹۴)، اطلس استان ایلام، ایلام: نشر زاگرو.
- (۱۳۹۷)، عنصر سنگ در آثار معماری ایران، ایلام: نشر زاگرو.
- (۱۳۸۹)، موزه و موزه داری در ایران، ایلام: نشر زاگرو.
- ملک شه میرزادی، صادق؛ (۱۳۷۳)، مبانی باستان شناسی ایران، بین النهرین، مصر، جهاد دانشگاهی
- نوری زاده، شیوا؛ (۱۳۷۶)، «صنایع و هنرهای دستی»، نامه اتاق بازرگانی صنایع و معادن ایران، شماره ۶.
- هول، فرانک؛ (۱۳۸۱)، باستان شناسی غرب ایران، ترجمه زهرا باستی، تهران: انتشارات سمت.
- رضی، هاشم؛ (۱۳۸۱)، دانشنامه ایران باستان (عصر اوستائی تا پایان دوره ساسانی)، تهران.
- هال، جیمز؛ (۱۳۸۰)، فرهنگ نگاره‌ای نمادها در هنر شرق و غرب، ترجمه: رقیه بهزادی، تهران، فرهنگ معاصر.
- آرشیو اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان ایلام.

پیش درآمدی بر الگوهای هندسی در معماری ایران از دوره باستان تا به امروز

دکتر علی خاکی^۷

چکیده

تنوع هندسه در معماری ایرانی به اندازه‌ای زیاد است که معماری ایران را نمی‌توان با معماری کشورهایی مانند یونان مقایسه و در چند سطر خلاصه کرد. هریک از ساختمان‌ها در شهرها و روستاهای ایران دارای معماری و اصول و هندسه مربوط به خود بوده‌اند و با توجه به نیازمندی‌ها و اصول فکری و عرفانی مخصوص به خود طراحی و ساخته شده‌اند. الگوهای هندسی در معماری ایران از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. تاریخ سکونت ایران بر اساس یافته‌های باستان‌شناسی در خرم‌آباد و لرستان به ۴۰ تا ۵۰ هزار سال قبل برمی‌گردد. بعضی منابع به نشانه‌هایی از سکونت در سرزمین ایران اشاره می‌کنند که مربوط به ۲۰۰ تا ۴۰۰ هزار سال قبل مربوط می‌شود. الگوهای هندسی در معماری گذشته جایگاه ویژه را به خود اختصاص داده است و می‌توان در هر دوره با بررسی بناهای شاخص از دوره باستان؛ دوران ایلامیان؛ دوران مادها؛ دوران هخامنشیان؛ دوران پارتیان و سلوکیان (اشکانی)؛ دوران ساسانیان؛ دوران اسلامی؛ دوران سلجوقیان؛ ایلخانیان و... این کهن‌الگوها که متعلق به مکان و زمان و فرهنگ خود بوده است را شناسایی و استخراج کرد. الگوهای معماری هر دوره انعکاسی از فرهنگ و هنر آن دوره محسوب می‌شد و هر سبک جدید معماری بر اصول، روش‌ها و سنت‌های سبک‌های پیشین استوار بود. بناهای تاریخی و آثار جالبی که در سراسر این کشور باستانی وجود دارد و آنچه در طول زمان به دلایل مختلف از

^۷ - استادیار دانشگاه فنی و حرفه‌ای تهران

بین رفته است، نتیجه قرن‌ها کار و تلاش نیاکان ماست که در این مورد از هیچ کوششی دریغ نکرده‌اند. معماری ایران در دوره‌های مختلف دارای ویژگی‌هایی است که در مقایسه با معماری کشورهای دیگر جهان از ارزشی ویژه برخوردار است؛ ویژگی‌هایی چون طراحی مناسب، محاسبات دقیق، فرم درست پوشش، رعایت مسائل فنی و علمی در ساختمان و بالاخره تزئینات گوناگون که هریک در عین سادگی معرف شکوه معماری ایران است. حال آنچه در الگوهای معماری امروز و بعد از دوره پهلوی دوم می‌بینیم طیف وسیعی از گرایش‌ها و جنبش‌های هنری را شامل می‌شود و سعی در سوق دادن معماری ایران به سوی هویتی آزاد دارد.

واژگان کلیدی: الگوهای هندسی، ایران باستان، معماری امروز، معماری ایران.

مقدمه (بیان مسئله)

معماری یکی از ارکان مهم همه فرهنگ‌ها و تمدن‌های بشری به شمار می‌رود. طبق بررسی‌ها و کاوش‌های باستان‌شناسی، معماری ایران قبل از اسلام، حدود ده هزار سال قدمت دارد. برخی از پژوهشگران، هزاره‌های قبل از اسلام در ایران را، هزاره‌های گمشده نامیده‌اند؛ چرا که در تاریخ سیاسی و فرهنگی سرزمین ما وجود داشته‌اند؛ اما به سبب آگاهی بسیار اندک ما، می‌توان آنها را گمشده انگاشت و ما در حالی که سخت، شیفته یافتن این هزاره‌ها هستیم، ناگزیریم که تنها به نشانه‌هایی جسته و گریخته از آنها بسنده کنیم (رجبی، پرویز، ۱۳۸۱: ۱). البته، از این مطلب، غافل نمایم که معماری، همیشه صادق‌ترین روایتگر تاریخ یک سرزمین است و می‌توان با قطعیت اعلام کرد که یکی از موثق‌ترین منابع مطالعه تاریخ زندگی انسان، محل سکونت اوست که زمانی به صورت غار، در مرحله‌ای به شکل روستا و در دوره‌ای به نام شهر، بوده و قسمت‌هایی از زندگی بشر را در خود ثبت کرده است (میردانش و تقوایی، ۱۳۷۹: ۳). بناهای باقیمانده از معماری ایران قبل از اسلام، آن‌چنان باشکوه است که هر بیننده‌ای دوست دارد، جرعه‌ای از دریای حکمت آن را بچشد و درک این حکمت، مطمئناً

برای تمامی علاقه‌مندان به معماری، جذاب و کاملاً بدیع خواهد بود. بدون شک، آبخورهای معماری ایران در طول تاریخ، اساطیر، اعتقادات دینی، حکمت، جغرافیا (اقلیم) و ادبیات بوده است. با توجه به این که در ایران قبل از اسلام، حکمت، جزء لاینفک دین بوده و پیوندی تنگاتنگ، وثیق و دو سویه بین حکمت و دین وجود داشته و به نوعی، این همانی و همبودی بین حکمت و دین برقرار بوده؛ لذا، تردیدی نیست که حکمت معماری ایران قبل از اسلام به شدت متأثر از اعتقادات دینی است. مگر غیر از این است که معماری، همانا ظهور امر معقول در جمال محسوس می باشد که معماران به این امر معقول، ایده می‌گویند و به آن جمال محسوس، قالب یا فرم می‌گویند. پس، باید پذیرفت که در ایران قبل از اسلام، اعتقادات دینی، در حکم ایده ای بوده که معماری، قالب و فرم آن، محسوب می شده است.

در حقیقت، در این دوره، معماری، زبان دین و اعتقادات دینی است (هنرور، ۱۳۹۹: ۲۴). عنصر اساسی و دستمایه بنیادین هنر و هنر مهندسی و از جمله آنان هنر مهندسی معماری، هندسه است. در فضای قانونمند هندسه است که هر چیزی و از آن جمله اجزای یک خانه و حتی یک شهر می‌توانند به دایره هستی قدم گذارند و در فضای کارت‌ها و گوناگونی‌ها هویت خود را پیدا کنند و تنها از طریق هندسه است که هر شیء می‌تواند حدود و اندازه‌های مورد نیاز خود را برای ورود به عالم وجود بیاید و در ساختارهای سطحی و فضایی نظام‌های فراگیرنده محیط برخورد قرار یابد (علی آبادی، ۱۳۸۶: ۶۸). معماری ادوار گذشته ایران همواره ملهم از به کارگیری هندسه و شیوه‌های ترسیم غنی و دقیق بود، تا حدی که آگاهی از قواعد ریاضی و ترسیم و به کار گرفتن انواع خاص آن وظیفه هر معماری بوده و وجه تمایز معماران و رقابت آنان با یکدیگر نیز بر همین محور استوار بوده است. از این رو، پیداست که هندسه در معماری ایرانی اهمیت داشته و فهم چگونگی این شاخصه در معماری معاصر و مطابقت دادن چگونگی شاخص مدنظر در معماری معاصر و گذشته با همدیگر، اهمیت و ضرورت پیدا می‌کند (مولوی، ۱۳۸۱: ۹). به این ترتیب هندسه را می‌توان جوهره پنهان معماری در دوره‌های مختلف دانست. هرچند مطالعات زیادی در خصوص شناخت هندسه

در معماری دوران اسلامی صورت گرفته، لیکن هندسه در معماری ایرانی پیش از اسلام نیازمند مطالعه و تحقیق است (سیلویاه و همکاران، ۱۳۹۱). ریاضیات و هندسه در اسلام، در قید و بند جهان ماده نیست. در واقع، بشر به جهان اشکال زندگی و در آن سوی آن به جهان رب النوعی ارتباط دارد. در نتیجه، توانسته است بیش از آنکه ساختمان اجزای ترکیب کننده جهان فیزیکی را همچون فیزیک جدید آشکار کند، به آشکار کردن اصل حاکم بر این جهان فیزیکی بپردازد. علاوه بر این، توانسته است به دریافت هماهنگی و توازن و آگاهی از فوران کثرت از وحدت و بازگشت هر کثرت به وحدت کمک کند که وجه تمایز روحانیت اسلام است و به صورتی مستقیم تر در هنر و معماری اسلامی متجلی می شود (قاراخانی و ضامن، ۱۳۹۵؛ اسمی و شهبازی شیران، ۱۳۹۷). بررسی دانش هندسه بدون نگاه به تمدن های باستان میسر نمی شود. در دنیای باستان دو تمدن بابل و مصر بیش از همه زیر بنای دانش هندسی را ساختند. دانش هندسه قبل از اسلام در ایران با تمدن باستانی ایلام آغاز شد و بعد از اسلام رشد منطقی خود را طی کرد. از آنجا که در هنر اسلامی خلق تصویر انسانی و حیوانی ممنوع بود، هنرمند مسلمان به ایجاد اشکال تجریدی و نقوش انتزاعی پرداخت. این تفکر خاص باعث ایجاد قالبی گردید که حالتی کاملاً تشبیهی دارد. در نتیجه، با ایجاد احجام و ترکیبات شامل نقوش هندسی و نگاره های اسلیمی به بیان احساس و اندیشه ای خاص همت گماشت که توحید مهمترین موضوع آن بود. نقوش هندسی به نحو بارزی وحدت در کثرت و کثرت در وحدت را نمایش می دهد و نقوش اسلیمی که نقش ظاهراً گیاهی دارند، آنقدر از طبیعت دور می شوند که ثبات را در تغییر نشان می دهند و فضای معنوی خاصی را ابداع می نمایند که رجوع به عالم توحید دارد (عباسی، ۱۳۹۶). هنرمندان مسلمان، مهارت و تبحر عجیب و شگفت انگیزی چه در ترکیب اشکال و چه در کنار هم گذاردن رنگ ها از خود نشان داده اند و قدرت خود را در این زمینه نیز اثبات نموده اند و هنگامی که به نقوشه چه «گیاهی» و چه «هندسی» نگاه می کنیم از خلاقیت و تصور ذهنی طراح به تعجب و سرگیجه دچار می شویم و خیلی از اشکال را غیر قابل ترسیم تصور می کنیم؛ این به خاطر آن است که

روی این اشکال و نقوش بسیار کار شده و آنها در حقیقت محصول تجربیات متکاثف (هنرهای فشرده) یک فرهنگ غنی هنری است و راه و رسم های متعدد برای ترسیم آنها وجود دارد که مکشوف و تسلیم هر طالب یک روزه نیست (حاجی قاسم، ۱۳۷۵؛ اسمی و شهبازی شیران، ۱۳۹۷).

هندسه

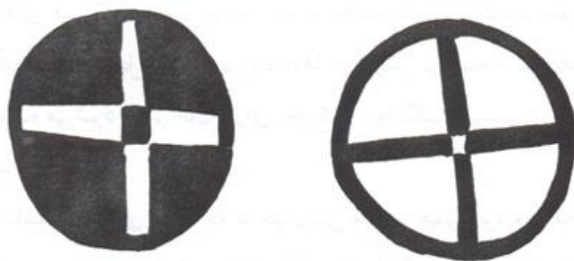
هندسه^۸ در رده بندی علوم اسلامی از علوم ریاضی به حساب می آید و از آن با عنوان علم شناخت مقادیر و نسبت ها یاد می شود. فارابی هندسه را به دو بخش عملی و نظری تقسیم می کند. وی اضافه می کند که در هندسه عملی درباره خطوط و سطوحی بحث می شود که با آنها سروکار داریم. در هندسه نظری مباحث کلی و مطلق مطرح می شود (فارابی، ۱۳۶۴: ۹۹۹۹). ابن سینا هندسه را علم شناخت وضع خطوط، اشکال، سطوح و نسبت ها تعریف کرده و این مقادیر را مشخص کننده وضع اشکال نسبت به یکدیگر می داند (ابن سینا، ۱۹۸۶).

هندسه مقدس

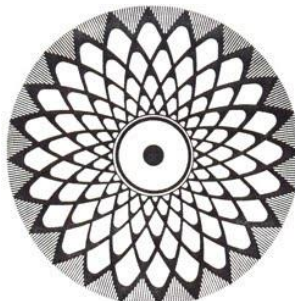
هندسه یکی از بنیان های هنر و معماری سنتی ایران است که در سراسر آثار فاخر به جای مانده از گذشته می توان نمودهایی از آن را مشاهده کرد. این مهم در معماری اهمیت بیشتری می یابد؛ زیرا مبنای کار معماری ساختن بوده و برای ساختن لازم است از یک هندسه و نظم دقیق استفاده کرد. نه تنها آثار معماری سنتی ایرانی از دوران باستان تا دوران اسلامی از هندسه بهره برده اند، معماری معاصر ایران نیز خود را پایبند به این اصول معرفی می نماید. رنگ ها و نقش ها به طور کلی تزئینات در هنر اسلامی دارای مفاهیم عرفانی خاصی هستند و هنرهای کاربردی در معماری اسلامی اغلب بر اساس تعالیم دینی و معنوی پدید آمده اند. اختیار نقوش

^۸: هندسه واژه ای است که دانشمندان عرب زبان آن را در مقابل واژه یونانی «ژئومتری» انتخاب کردند. این واژه متشکل از دو بخش «ژئو» به معنای زمین و «متر» به معنای اندازه گیری است.

شکسته و هندسی در فرهنگ و هنر اسلامی دارای جایگاه خاصی بوده و رمز و راز بسیاری در دل آنها نهفته است. در هنر باستانی، برخی نقش‌ها و نمادها صرفاً تصویر نبودند؛ بلکه نماد یک عقیده و سمبل دینی بودند. از میان این نشانه‌های دینی می‌توان به دایره اشاره کرد. دایره در جهان باستان از جمله بین‌النهرین، ایران، مصر، هند و تمدن‌های بودایی مذهب نقش مهمی را به عنوان سمبل دینی به عهده گرفته است. حضور دایره، ابتدا در ادیان خدا - خورشید، از بین‌النهرین شروع شد و به ایران رفت. دایره نماد خدای خورشید بود؛ ولی بعدها به عنوان نماد دینی و عقیدتی به مصر و چین و هند و... رفت و نقش‌های متعددی به خود گرفت. در هنر بودایی چینی، چرخ قانون یکی از چند نمادی است که برای نشان دادن ساکیامونی در قدیمی‌ترین و غیرتمثیلی‌ترین صورتش به کار می‌رفت که در آغاز یک قرص خورشید بود (جیمز هال). ساهاسرارا بالاترین مرکز روحی است که به صورتی سمبولیک آستانه قلمرو روح و روان را مشخص می‌کند. تمام چاکراه‌های دیگر در این مرکز انرژی ادغام شده و به شکل لوتوسی با هزاران گلبرگ به رنگ قرمز تجسم شده است. بر روی گلبرگ‌های آن تمام مانترای به زبان سانسکریت نقش بسته و نمای گنبدی را دارد که از فرط عظمت تا بی‌نهایت گسترده شده است (مهاریشی ماهش یوگی، ۱۳۷۱:). (شکل ۳)



تصویر (۱): نمونه از نقوش سنتی ایران به روی سفال‌های شوش که دایره در آن به خوبی نمایش داده شده است

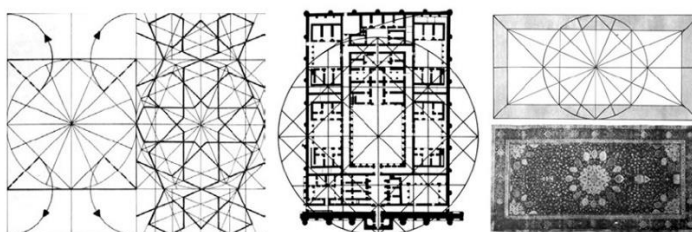


تصویر (۲): ساهاسرارا

جایگاه هندسه در معماری ایران

با مشاهده هر بنا و اثر معماری، توسط جنبه های شکلی و فرمی و همین طور نقش اجتماعی و فرهنگی بنا، هویت و بیان خاصی از آن به مخاطب القا می شود و این جاست که هندسه در طراحی و ساخت انواع بنا جهت ارایه فرمی خاص و مفاهیم فرهنگی و اجتماعی اهمیت می یابد. این که از چه هندسه ای جهت برقراری ارتباط اجزاء در پلان و نما با چه مدولی استفاده شود، در اختیار معماران بوده و خلاقیت و دانش در آن به نوعی مهارت و رقابت بین آنان بوده است. در تمام بناهای تاریخی، تمام اندازه ها، اشکال، اجزا و الگوهای هندسی وابسته به هم بوده اند و زنجیروار تکمیل کننده یک هندسه کلی بوده اند. در واقع، همچون کلیدی است در راستای برقراری ارتباط بین ساختمان و انگاره هایی که سازنده در ذهن خود دارد. آن زمان که به معیارهای زیبایی شناسی می اندیشیم، ناخودآگاه جهت ساختن و ایجاد یک اثر، به هندسه رجوع می کنیم و تمامی اجزا را در قالب یک هندسه یا مفهوم کلی منظم می کنیم و از الگوهای هندسی متنوعی در ترکیب با یکدیگر استفاده می کنیم که هر یک ویژگی ها و بیان خاصی دارند. به طور مثال: قرینه سازی یا تقارن، نظم و تفکری است که اجزا را در محور طولی یا عرضی سامان می دهد. الگوهای هندسی حتی برای انسان اولیه نیز مهم بوده است. به طور مثال: آنها در انتخاب غارهای محل زندگی شان از آن استفاده و متناسب با نیازها و فضاهای وابسته به نیازهای شان آنها را انتخاب می کردند تا محل راحتی برای زندگی باشد. در

یک ملاحظه تاریخی درمی یابیم که در کشورهای شرقی مانند ایران، ژاپن، هند و نیز کشورهای غربی مانند یونان و رم الگوهای هندسی بسیار مورد استفاده قرار گرفته اند. عناصر متفاوت و گاه جالبی، مبنای شکل گیری الگوهای هندسی و تناسبات در معماری ساختمان منازل بوده است. منظور از الگوی هندسی یعنی تعریف یک هندسه مشخص که شکل دهنده اجزای دوبعدی و سه بعدی در معماری می باشد. این هندسه می تواند ساده یا پیچیده باشد. تعریف الگوهای هندسی موجب می شود که ساخت و شکل گیری معماری آسان و گسترش آن نیز قابل کنترل شود و در صورت تخریب، قابل بازسازی مجدد باشد. در طبیعت با نگاه به خانه زنبور، مورچه، موریانه، لانه پرندگان و ... به الگوی معماران های پی خواهید برد که در نوع خود بی نظیر است. هندسه این ساخته ها متناسب با تناسبات هندسی بدن همان حیوان ایجاد شده است. معماری ایران نیز براساس الگوهای هندسی کاملاً تعریف شده، شکل گرفته است که معمولاً مبنای همه این الگوها شکل هندسی مربع می باشد. مانند معماری نقش جهان، معماری باغ های ایران، کوشک ها و ... البته، استفاده از الگوی هندسی در معماری سبک های جدید چون سبک فولدینگ و ... نیز دیده می شود. تعریف یک الگوی هندسی دقیق در پلان، مقطع و فرم معماری ضروری هستند. کاربردی ها، مقرنس کاری ها، گنبد ها، سازه های مشبک مدرن، سازه های پیچیده و ... نیز دارای الگوی هندسی خاصی هستند (مهرداد و روشن، ۱۳۸۹:).

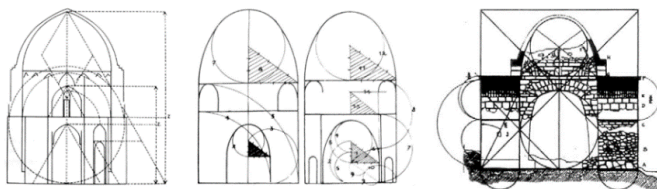


تصویر (۳): نمونه هایی از کاربرد هندسه در آثار معماری.

سمت راست: تحلیل هندسی فرش مقبره شیخ صفی الدین اردبیلی بر مبنای تقسیم هشت.

وسط: تحلیل هندسی قصر مشتی در سوریه بر مبنای مربع و مستطیل.

سمت چپ: تحلیل هندسی نوعی گره چینی بر مبنای تقسیم هشت (السعيد، ۱۳۶۳: ۶۰ و ۱۴۰).
(۱۶۰).

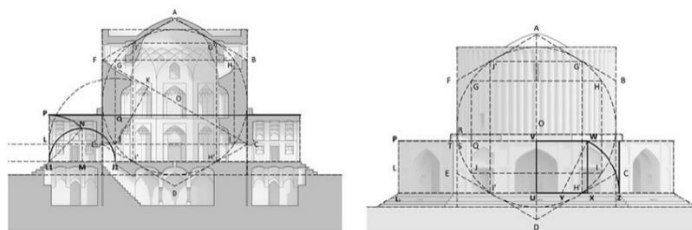


تصویر (۴): راست: تحلیل هندسی چهارتاقی نیاسر از هاردی. ماخذ (گدار، ۱۳۸۸: ۱۵۳).

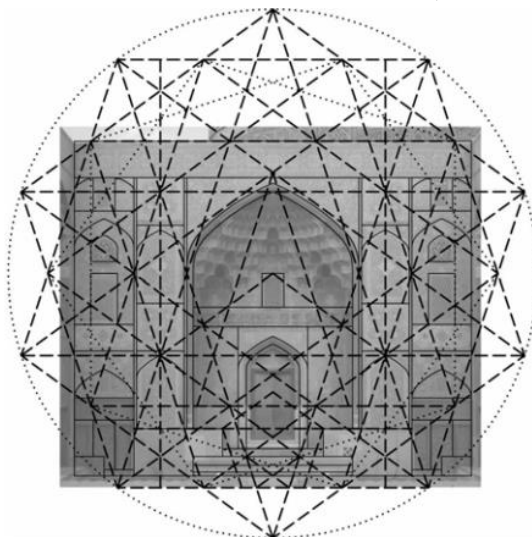
وسط و چپ: تحلیل هندسی گنبد تاج الملک مسجد جامع اصفهان (پوپ، ۱۳۶۵: ۲۳).

نظم هندسی در نماهای معماری گذشته

در نماهای معماری گذشته، همه اجزا در تلاش برای تعادل بصری هستند و طبیعت، منبع الهام معماران در مسیر دسترسی به تعادل بصری است. احساس تعادل بصری زمانی برقرار می‌گردد که بار احساسی اشکال هندسی تشکیل دهنده نما در دو طرف ترازو یکسان باشد. اعداد در معماری، کاربردی نمادین داشته‌اند و هر یک بیان‌کننده مفهومی خاص هستند که می‌توانند جانشین یک تصویر باشند. به طور مثال: عدد صفر به صورت دایره میان تهی، پوچی و تمامیت زندگی را نشان می‌دهد یا عدد سه به معنای سه منجی است. به عبارتی: پندارنیک، گفتار نیک، کردار نیک. همین‌طور عدد چهار یعنی کلیت، تمامیت، کمال، یکپارچگی، زمین، نظم، عقل و بیان‌کننده چهار جهت اصلی، چهار فصل و ... است و بسیاری معانی دیگر که به صورت مفهومی در بناهای گذشته به کار رفته است؛ همچون بنای قصر خورشید یا کلات نادری در مشهد که بر پایه شش ضلعی در هندسه ولایه‌های مختلف طراحی شده است.



تصویر (۵): قرار گیری اشکال هندسی در ظاهر طرح مانند مربع، هشت ضلعی و چند ضلعی منتظم (رضازاده اردبیلی و ثابت فرد، ۱۳۹۲:).

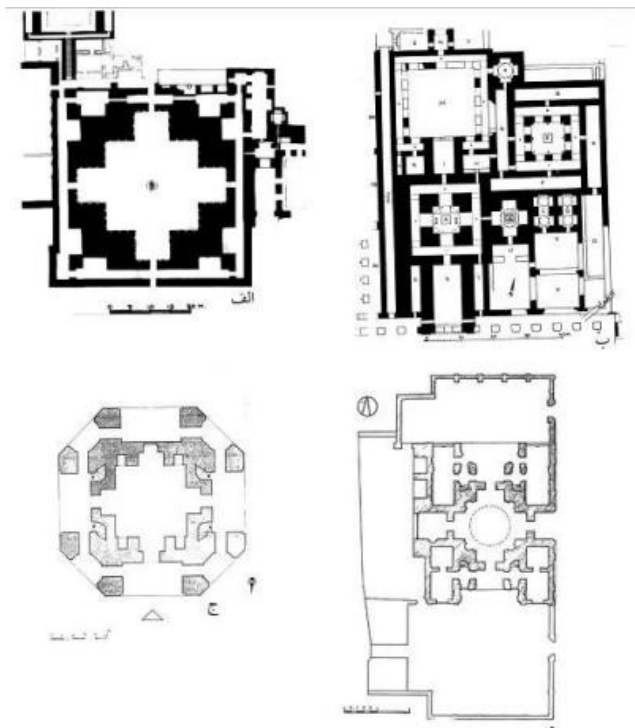


تصویر (۶): تحلیل هندسی نمای مسجد شیخ لطف الله (حاجی قاسمی، ۱۳۷۵: ۳۰).
در هنرهای ایرانی مجموعه‌ای از نقوش هندسی پدیدار است که هریک تحت نظام ساختاریافت‌های سطوح را می‌پوشانند (عابد دوست و کاظم پور، ۱۳۹۵:). در هندسه هر کدام از اشکال با عددی متناظر قرار می‌گیرد که از نظر معنای رمزی با یکدیگر مطابقت دارند. این اعداد متناظر با ساختار نقوش هندسی است. «عدد یک می‌تواند اصل وحدت را ارایه دهد و اغلب به عنوان نماد خدا عرضه می‌شود و از نظر شکل بیانگر نقطه است. عدد دو اصل دو

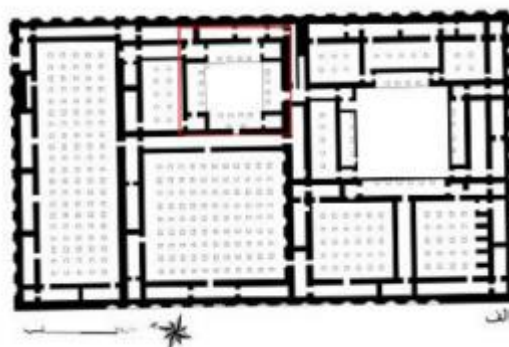
گانگی و نیروی کثرت را عرضه می کند و از نظر فرم با خط مطابقت دارد. عدد سه به عنوان یک مثلث، اصل تثلث را ارائه می کند و با سطح رابطه دارد. عدد چهار نخستین وجود متولد یعنی جهان طبیعت را ارایه می دهد و از نظر شکل مربع را می نماید» (لالر، ۱۳۶۲: ۲۰)، از طرفی نقوش هندسی نماینده و انتزاعی از طبیعت نیز هستند که با مقوله رشد مرتبطاند و در بینش و تفکر باستانی ایران مقدس اند. به طور کلی، در نظر هنرمندان ایرانی و به ویژه در هنر ایرانی اسلامی، «عناصر تزینی همچون نقوش هندسی به مستقیم ترین وجه وحدت در کثرت و کثرت در وحدت را نمودار می سازد و نمود ثبات در تغییر است، خلق فضای معنوی بدین صورت را رجوع به عالم توحید دانسته اند» (مددپور، ۱۳۷۴: ۱۳۵؛ عابد دوست و کاظم پور، ۱۳۹۵:).

نقش مربع

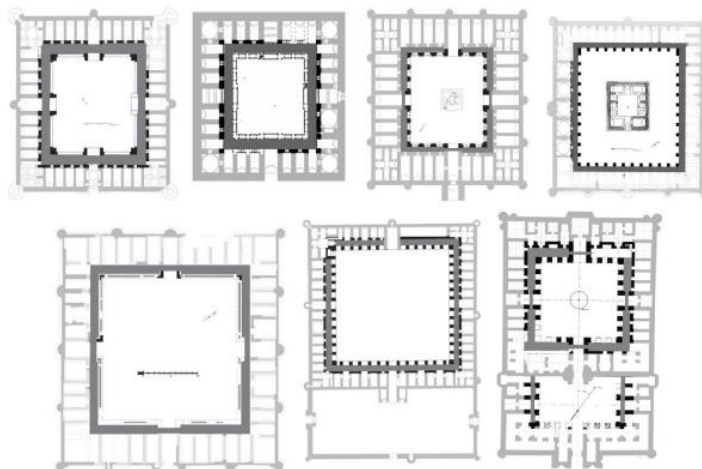
مربع نیز مانند دایره از اشکال نمادین دنیای باستان است. مربع نماد ماده، پایداری زمین و واقعیت است. نماد مردانگی، ایستادی و استقامت است. در هنرهای کهن، مربع نماد اهورامزدا است. در دوران های بعدی تحول قدسی مربع را می توان در شکل چلیپایی کلیسا و صلیب حضرت مسیح بازشناسی کرد. مربع نماد مکان است و به چهار جهت اصلی، چهار فصل، چهار عنصر، چهار طبع و دلالت دارد. مربع به خودی خود منعکس کننده خویش است و زمانی که مربع ها از درون مرکز یک مربع مادر پدیدار می شوند، جنبه دوگانه ای را در خویش دارا می باشند. به عبارتی، مربع سمبل ماده پایبند زمین، جسم و واقعیت است (محمودی، ۱۳۹۶: ۴؛ اسمی و شهبازی شیران، ۱۳۹۷:).



تصویر (۷): هندسه مربع در معماری گذشته. الف) تالار تشریفات کاخ بیشاپور ساسانی (پیرنیا، ۱۳۸۶)؛ ب) مجموعه ساسانی در تخت سلیمان (ناومان، ۱۳۷۴)؛ ج) بقعه ملامحسن کاشی در سلطانیه، صفوی (پیرنیا، ۱۳۷۰)؛ د) امامزاده اسماعیل در قزوین، صفوی (همان).



تصویر (۸): چهارصفه با میانسرا در دوره هخامنشی، بخشی از خزانه در تخت جمشید (جودکی عزیزی و همکاران، ۱۳۹۳:).

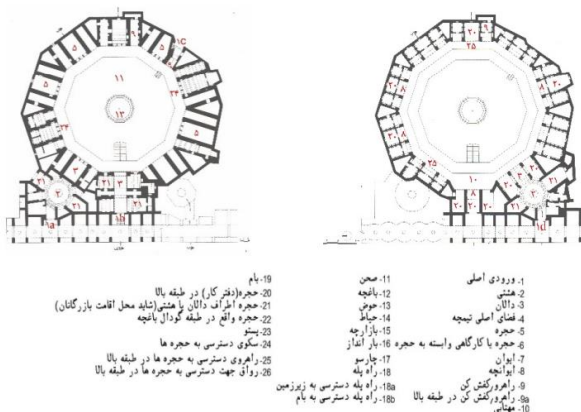


تصویر (۹): الگوی هندسی فضای رواق در کاروانسراهای دوره سلجوقی (سلطان احمدی و سید حمزه، ۱۳۹۵:).

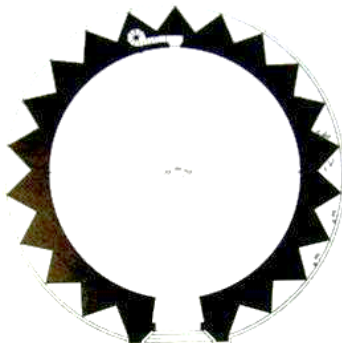
نقش دایره و چندضلعی ها

در هنر باستانی، برخی نقش‌ها و نمادها صرفاً تصویر نبودند؛ بلکه نماد یک عقیده و سمبل دینی بودند. از میان این نشانه‌های دینی می‌توان به دایره اشاره کرد. دایره در جهان باستان از

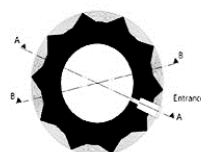
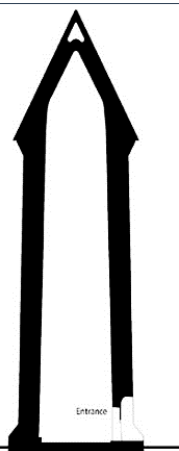
جمله بین النهرین، ایران، مصر، هند و تمدن‌های بودایی مذهب نقش مهمی را به عنوان سمبل دینی به عهده گرفته است. به عبارتی، دایره سمبل روح در هنر اسلامی است (محمودی، ۱۳۹۶:). حضور دایره در ابتدا در ادیان خدا - خورشید، از بین النهرین شروع شد و به ایران رفت. دایره نماد خدای خورشید بود ولی بعدها به عنوان نماد دینی و عقیدتی به مصر و چین و هند و رفت و نقش‌های متعددی به خود گرفت. در غالب تمدن‌ها، ابدیت به شکل دایره و چرخ و اوروبوروس، ماری که دمش را گاز گرفته تصویر می‌شود. شکل مدور نمودار یکی از مهم‌ترین جهات زندگی یعنی وحدت و کلیت و شکفتگی و کمال است. انسان غالباً در درون دایره نشانگر تناسبات پیکر، تصویر شده است. در بسیاری سنن، به این شکل بسته که انسان را در بر گرفته؛ محافظت می‌کند، کار ویژه‌ای جادویی منسوب شده است (همان). از آنجا که دایره دارای فرم و قطره‌های بیشماری می‌باشد، اشکال هندسی زیادی را بر روی محیط آن می‌توان ترسیم کرد. حتی اشکال مثلث، مربع، چند ضلعی‌ها را روی دایره ترسیم می‌کنند، برخی از محققان نقوش هندسی را بر اساس زمینه‌ای که می‌سازند تقسیم می‌کنند، برای مثال: نقوشی که در زمینه مثلث، مربع، شش ضلعی، پنج ضلعی و دایره جای می‌گیرند (احمدیان، ۱۳۸۸:؛ اسمی و شهبازی شیران، ۱۳۹۷:).



تصویر (۱۰): پلان طبقه اول و دوم سرای نو. بازار قیصریه کاشان (حاجی قاسمی، ۱۳۸۳:).



تصویر (۱۱): پلان برج تاریخی طغرل. سلجوقیان (زادقناد، ۱۳۹۳:).

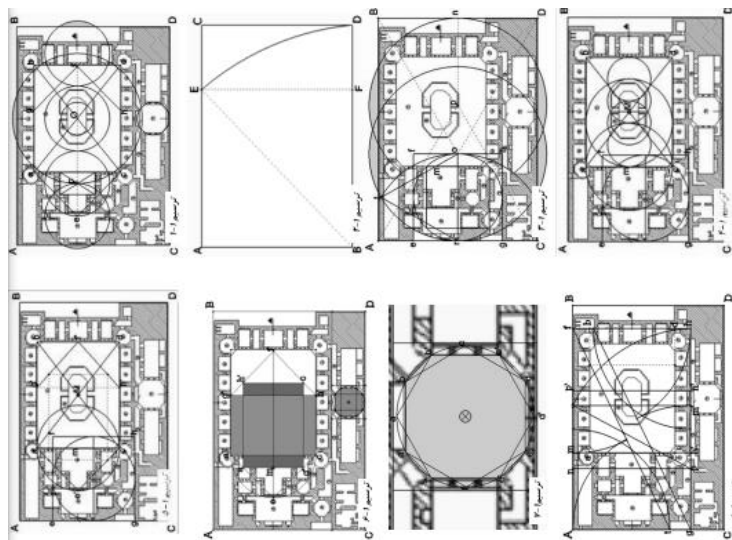


تصویر (۱۲): هندسه پلان گنبد قابوس. بنایی تاریخی از سده چهارم هجری

تناسبات طلایی

تناسبات طلایی از موضوعاتی است که از دوران باستان و معماری گذشته ایرانی تا هم اکنون در هنرهای چون نقاشی، مجسمه سازی، معماری، عکاسی و ... دیده می شود. اولین بار یونانیان با به کار بردن آن در ستون ها، مجسمه ها و ... از تناسبات طلایی بهره بردند. به اعتقاد

هنرمندان زیباترین مستطیل، مستطیل طلایی است که در ساخت بنای پارتون، از شاهکارهای یونان باستان، استفاده شده است. در این تناسب، به صورت تصاعدی مجموع هردو عدد متوالی عدد بعدی را شکل می‌دهد. بر این اساس به تناسب بین اجزای بنا پرداخته می‌شود و در زیبایی فرم نقش بسزایی دارد. در شکل گیری ایوان بزرگ میانی طاق کسری از این تناسب بهره گرفته شده است. تناسب طلایی در واقع توسعه تصاعدی مجموعه‌ای از اعداد صحیح است که مجموع هر دو عدد متوالی برابر عدد بعدی می‌باشد.



تصویر (۱۳): تناسب طلایی در پلان مدرسه شوکتیه. بیرجند، ۱۳۲۶ هـ.ق (هاشمی زرج آباد و همکاران، ۱۳۹۵:).

بحث و نتیجه گیری

هندس را می‌توان زیربنای هنر و معماری سنتی ایران دانست که در تمامی بناهای معروف و با کیفیت گذشته نشانه‌های آن موجود است. از آنجا که اساس کار معماری ساختن است و برای ساختن لازم است از تناسب و نظم دقیق استفاده شود، هندسه اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. شناخت دقیق از اصول هندسی موجود در معماری ایران و ریشه‌های فکری و مبانی

نظری آن بسیار پر اهمیت می باشد. با استفاده از منابع در دسترس و انجام مشاهدات مختلف بر روی ساختمان های مختلف، می توان به نقش هندسه و اهمیت آن در این بناها به خوبی پی برد. استفاده از ساختارهای هندسی منظم در طراحی پلان ها به همراه ایجاد درک هندسی با استفاده از احساس ایستایی، بیشتر از سایر مفاهیم در معماری مورد توجه قرار گرفته اند. می توان استفاده از الگوهای کهن هندسی و معمارانه را در بناهای مدرن امروزی در شهرهای کشور پیاده نموده و از این طریق راهکاری بهینه شده برای داشتن حس مطلوب از زندگی در فضا را ارایه نمود. الگوهای معماری هر دوره انعکاسی از فرهنگ و هنر آن دوره محسوب می شود و هر سبک جدید معماری بر اصول، روش ها و سنت های سبک های پیشین استوار بوده است. بناهای تاریخی و آثار جالبی که در سراسر این کشور باستانی وجود دارد و آنچه در طول زمان به دلایل مختلف از بین رفته است، نتیجه قرن ها کار و تلاش نیاکان ماست که در این مورد از هیچ کوششی دریغ نکرده اند. معماری ایران در دوره های مختلف دارای ویژگی هایی است که در مقایسه با معماری کشورهای دیگر جهان از ارزشی ویژه برخوردار است؛ ویژگی هایی چون طراحی مناسب، محاسبات دقیق، فرم درست پوشش، رعایت مسائل فنی و علمی در ساختمان و بالاخره تزئینات گوناگون که هریک در عین سادگی معرف شکوه معماری ایران است. حال آنچه در الگوهای معماری امروز و بعد از دوره پهلوی دوم می بینیم طیف وسیعی از گرایش ها و جنبش های هنری را شامل می شود و سعی در سوق دادن معماری ایران به سوی هویتی آزاد دارد. کسب هویت مطلوب و رهایی از هویت بحرانزا از دغدغه های مطرح در حوزه معماری مسکن معاصر است. نخستین چیزی که در معماری و رخ شهری به چشم می آید و رابطه تنگاتنگی بین فرد و فضای اطراف برقرار می کند، مؤلفه های معماری و هندسه شهری است. این موضوع بیش از هر چیز بر روی افراد تأثیر می گذارد و این تأثیر بر کسانی که برای نخستین بار وارد شهری می شوند بیشتر است. حفظ داشته های تاریخی و فرهنگی در حوزه معماری و شهرسازی باید در صدر اولویت ها قرار گیرد. شناخت و استخراج الگوهای مؤثر در معماری گذشته می تواند ما را به این سمت هدایت کند.

منابع و مآخذ

- ابن سینا؛ (۱۹۸۶)، تسع رسائل فی الحکمه و الطبیعیات، ص ۸۸، تحقیق و تقدیم از حسن عاصی، بیروت، دارقابس.
- احمدیان، س؛ (۱۳۸۸)، بررسی تزیینات مقابر دوره سلجوقی در ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه هنر، تهران.
- اسمی، رؤیا و شهبازی شیران، حبیب؛ (۱۳۹۷)، تحلیلی بر کاربرد مهم ترین نقوش هندسی در- هنر و معماری اسلامی، کنفرانس عمران، معماری و شهرسازی کشورهای جهان اسلام، تبریز.
- پوپ، آرتورا؛ (۱۳۶۵)، معماری ایران، پیروزی شکل و رنگ، ترجمه: کرامت اله افسر، تهران: انتشارات.....
- پیرنیا، محمد کریم؛ (۱۳۰۷)، گنبد در معماری ایرانی، گردآورنده زهره بزرگمهری، مجله اثر شماره ۲۰.
- پیرنیا، محمد کریم؛ (۱۳۸۶)، سبک شناسی معماری ایرانی، تدوین غلامحسین معماریان، تهران: نشر سروش دانش.
- جودکی عزیزی، اسداله؛ {لطفا اسم همکاران را ذکر بفرما}؛ (۱۳۹۳)، گونه شناسی الگوی چهار صنفه در معماری ایرانی و سیر تحول آن، پژوهش های معماری اسلامی، شماره پنجم، سال دوم.
- حاجی قاسمی، کامبیز؛ (۱۳۸۳)، گنجنامه؛ فرهنگ آثار معماری اسلامی ایران، دفتردهم: بناهای بازار، بخش دوم، تهران: نشر روزنه.
- رجبی، پرویز؛ (۱۳۸۱)، هزاره های گمشده، چاپ چهارم، تهران: انتشارات توس.
- رضازاده اردبیلی، مجتبی، ثابت فرد، مجتبی؛ (۱۳۹۲)، بازشناسی کاربرد اصول هندسی در معماری سنتی مطالعه موردی: قصر خورشید و هندسه پنهان آن، نشریه هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، دوره ۱۸، شماره ۱.
- زادقناد، علیرضا؛ (۱۳۹۳)، تاریخ معماری و مبانی نظری، چاپ چهاردهم، تهران: انتشارات

- السعيد، عصام، پارمان، عايشه؛ (۱۳۶۳)، نقش‌های هندسی در هنر اسلامی، ترجمه: مسعود رجب‌نیا، تهران: نشر سروش.
- سلطان‌احمدی، بهمن و سیدحمزه، مریم؛ (۱۳۹۵)، الگو و شاخصه‌های معماری کاروانسراهای دوره سلجوقی شاهراه خراسان، نشریه اثر، شماره ۷۳.
- سیلوايه، سونيا، دانشجو، خسرو، فرميهن فراهانی؛ (۱۳۹۱)، هندسه در معماری ایرانی پیش از-اسلام و تجلی آن در معماری معاصر ایران، نشریه نقش جهان، دوره سوم، شماره ۱.
- عابد دوست، حسين، کاظم پور، زيبا؛ (۱۳۹۵)، تحليل ریشه‌ها و مفاهيم نقوش هندسی معماری دوره اسلامی در هنر کهن ایرانی، نشریه نگارینه هنر اسلامی، دروه سوم، شماره ۱۰.
- عباسی، ه؛ (۱۳۹۶)، کاربرد نقوش هندسی و سنتی ایرانی در معماری معاصر ایران و جهان، سومین کنفرانس سالانه پژوهش‌های معماری و شهرسازی و مدیریت شهری، شیراز.
- علی‌آبادی، محمد؛ (۱۳۸۶)، هندسه جاویدان در معماری اسلامی، نشریه بین‌المللی علوم مهندسی، شماره ۵، جلد ۱۸.
- قاراخانی، ع، ضامنی، آ؛ (۱۳۹۵)، بررسی چگونگی و روند شکل‌گیری نقوش هندسی در معماری اسلامی و ارتباط آن با هندسه فراکتال، دومین کنفرانس سالانه پژوهش‌های معماری و شهرسازی و مدیریت شهری، تهران.
- لالر، رابرت؛ (۱۳۶۲)، هندسه قدسی، استعاره نظام عالم، فصلنامه هنر و معماری، شماره ۳.
- محمودی، م؛ (۱۳۹۶)، برری جایگاه نقوش هندسی در هنر اسلام ایرانی، همایش جایگاه نقوش تزئینی در کیفیت بصری آثار هنر اسلامی، تهران.
- مددپور، محمد؛ (۱۳۷۴)، تجلیات حکمت معنوی در هنر اسلامی، تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.
- مهاریشی ماهش‌یوگی؛ (۱۳۷۱)، مدی‌تیشن (عرفان کهن)، ترجمه: رضا جمالیان، تهران، نشر مترجم.

- مهرداد، جواد، روشن، محسن؛ (۱۳۸۹)، الگوهای هندسی معماری ایران و بررسی این الگوها از پیدایش اولین تمدن‌ها تا دوران معاصر، نشریه معمارشناسی، سال دوم، ش. ۱۳.
- مولوی، بهزاد؛ (۱۳۸۱)، بررسی کاربرد هندسه در معماری گذشته ایران، چاپ اول، تهران: نشر وزارت مسکن و شهرسازی مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن.
- میردانش، سید مهدی و تقوایی، ویدا؛ (۱۳۷۹)، تاریخ معماری قبل از اسلام، چاپ و نشر کتاب‌های درسی.
- ناومان، رودلف؛ (۱۳۷۴)، ویرانه‌های تخت سلیمان و زندان سلیمان، ترجمه فرامرز نجد سمیعی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- هاشمی زرج آباد، حسن؛ ضیایی‌نیا، محمدحسن و قربانی، حمیدرضا؛ (۱۳۹۵)، بازخوانی تحلیل اصول هندسی و تناسب طلایی در مدرسه شوکتیه، پژوهش‌های باستان شناسی ایران، شماره ۲۰۷.
- هنرور، جمال‌الدین؛ (۱۳۹۹)، تأملی در حکمت معماری ایران قبل از اسلام، نشریه معمارشناسی، چاپ اول، سال سوم.

خاستگاه خط، ارونند رود یا هلیل رود. پاسخ ما در این جدال چیست ؟

رحیم تزری^۹

چکیده

کاوش های باستان شناسی در سایت های باستانی استان کرمان به ویژه حوزه هلیل رود وجیرفت باعث گشایش دریچه ای از یک تمدن بزرگ در شرق ایران شد. بررسی های باستان شناسی نشان می دهد در جریان این پژوهش ها، بیش از سیصد شیء منحصر به فرد، ساخته شده از سنگ صابونی کشف و معرفی گردید. یافته های باستان شناسی در نزدیکی شهر جیرفت و هلیل رود، افقی تازه درنگرش باستان شناسان در باره تمدن خاور میانه گشوده شده است. این تمدن مربوط به هزاره پنجم پیش از میلاد است و مردم آن، در دشت خوش آب و هوای حاصلخیز هلیل رود زندگی می کردند. اشیاء و ظروف زینتی از جنس کانی کلینوکلر، با نقش های برجسته و مبتکرانه فراورده ای از هزاره پنجم است. خط کشف شده سال ۱۳۸۷ و در محوطه باستانی کنار سندل جیرفت، بسیاری از معادلات را در رابطه با تحولات شکل گیری خط تغییر داد. به طوری که این خط را «خط شرق» نامیده اند. در این مقاله تلاش شده ابعاد این مسئله مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد.

واژگان کلیدی: هلیل رود، کنار سندل، خط ایلامی، سنگ صابونی، هیرو گلیف، شهاداد.

^۹ - دانش آموخته باستان شناسی پیش از تاریخ ایران.

مقدمه: کاوش‌های باستان‌شناسی درحوزه رودخانه هلیل رود و منطقه شهر جیرفت، افقی تازه درنگرش باستان‌شناسان در رابطه با تمدن‌های خاور میانه گشوده شده است. به طوری که پروفیسور استاین کلر زبان شناس و پژوهشگر دانشگاه هاروارد در مقاله خود آن‌را فرهنگ و «خط شرق»، با پیشینه‌ای قبل از سابقه خط سومر در کرانه‌های جنوبی اروند رود، در بین‌النهرین معرفی کرده است. این تمدن مربوط به هزاره پنجم پیش از میلاد است و مردم آن، در دشت خوش آب و هوا و حاصلخیز هلیل‌رود زندگی می‌کردند. اشیاء و ظروف زینتی از جنس کانی کالینوکلر، با نقش‌های برجسته و مبتکرانه فراورده‌ای از هزاره پنجم است. آثار تاریخی کشف شده از شهر سوخته و هلیل رود مبین وجود روابط تجاری بین این دو شهر باستانی و ارتباطات تنگاتنگ آنها در روابط اجتماعی و اقتصادی همراه با یک تمدن پیش رفته می‌باشد. خط کشف شده در سال ۱۳۸۷ و در محوطه باستانی کنار سندل جیرفت، نگرش جدیدی را در مطالعات باستان‌شناسی ارایه نمود که در این مقاله مورد توجه قرار گرفته است.

خط شرق: پروفیسور استاین کلر می‌گوید: نباید از این خط، به نام تمدن ایلامی که خود زیر نفوذ تمدن بین‌النهرین بوده است، نام برد؛ بلکه با توجه به کشف این خط در جیرفت و نمونه‌های دیگری در شهداد و ملیان، باید از آن به عنوان «خط شرق» یاد کرد. او در این مقاله نوشته است: یافته‌های باستان‌شناسی در نزدیکی شهر جیرفت و هلیل رود، افقی تازه درنگرش باستان‌شناسان در باره تمدن خاور میانه گشوده شده است. گاهنگاری‌های انجام شده نشان می‌دهد که تمدن جیرفت مربوط به هزاره پنجم (ق.م) است. استاین کلر، خط کشف شده در محوطه باستانی کنار سندل جیرفت را «خط شرق» نامیده و می‌گوید: نباید از این خط، به نام تمدن ایلامی که خود زیر نفوذ تمدن بین‌النهرین بوده است، نام برد؛ بلکه با توجه به کشف این خط در جیرفت و نمونه‌های

دیگری در شهداد و ملیان، باید از آن به عنوان «خط شرق» یاد کرد. یوسف مجید زاده سرپرست هیأت کاوش‌های باستان شناسی جیرفت نیز گفته است: استاین کلردر جدید ترین مقاله خود نوشته است: چرا باید از خط کشف شده در ایلام به نام تمدن ایلام یاد شود، در صورتی که ایلام در این زمان خود زیر نفوذ بین‌النهرین بود. وی اعتقاد دارد با توجه به کشف این خط در تپه ملیان، شهداد و کنار سندل جیرفت، آیا بهتر نیست این طرز تفکر را دور بیندازیم، نگوییم خط ایلامی و بگوییم «خط شرق»؛ زیرا تمدن هلیل رود تمدنی مستقل است. تمدن ایلام، فاقد هر گونه نفوذ در شرق ایران می باشد. مجید زاده یاد آور شده است: برای خواندن خط کشف شده در جیرفت وقت زیادی لازم است؛ اما پژوهشگران اعتقاد دارند که این خط به مراتب قدیمی تر از خط نوشتاری ایلامی است. باید منتظر کاوش‌های فصل‌های بعد بود تا بتوان این خط را رمز گشایی کرد او گفت: ما در ایران دو نوع خط داریم. خط پروتو ایلامی که اعداد و ارقام است و خط نوشتاری و در ادامه افزود: تا پیش از کشف خط در جیرفت، قدیمی ترین خط نوشتاری کشف شده در شوش بوده که متعلق به کوتیراین شوشیناک بوده است. این خط به سال ۱۲۰۰ پیش از میلاد تعلق دارد؛ اما، خط «کشف شده در جیرفت قدیمی تر از آن است و به ۴۴۰۰ تا ۴۵۰۰ سال پیش از میلاد؛ یعنی حتی وقتی که از وجود خط در سومر خبری نبود، تعلق دارد. خط پروتو ایلامی خط اعداد و ارقام است. او می افزاید: کاوش‌های باستان شناسی کنار سندل بسیاری از معادلات باستان‌شناسی را برهم زد. این خط در قدیمی ترین سکوی پله‌ای جهان کشف شد و آثار بسیار ظریف حجاری که در این حوزه جهان کشف شده، نگاه پژوهشگران جهان را به یک تمدن پیش رفته ناشناخته شرق معطوف داشته است.

تمدن هلیل رود

همایش شناخت و معرفی تمدن حوزه هلیل رود، بهمن ۱۳۸۳ با تشکیل یک کمیته علمی نوزده نفره با شرکت پژوهشگران داخلی و خارجی با مدیریت روان شاد دکتر مسعود آذرنوش به انجام رسید. علاوه بر ۵۳ مقاله‌ای که از داخل و خارج برای این همایش تهیه و ارسال شده بود، صاحب نظران خارجی و داخلی یافته‌های خود را طی سخنرانی‌های مفید به آگاهی شرکت کنندگان رساندند. تا این سال، چنان پیدا بود که نه فرستادگان مقالات و نه دکتر یوسف مجیدزاده و دیگر پژوهشگران، سخنی در باره وجود خط در این حوزه یا احتمال آن، نه نوشته و نه ارایه داده بودند؛ ولی آن، به گونه‌ای روشن در متن مقاله ارسالی صاحب این قلم با عنوان « فرا رودان و کرانه‌های خاوری سرزمین ایران (صفحه ۳۳ چکیده مقالات آن همایش) البته نه با ذکر نام هلیل رود، بلکه شرق و شرق جنوبی ایران اشاره شده بود. با کشف معجزه آسای نمونه‌های ابتدائی خط در این حوزه، چهار سال بعد از همایش مذکور، دکتر مجید زاده از وجود خط در کنار سندل با سابقه‌ای بیش از دسته‌های کشف شده در بین‌النهرین سخن گفت. خط یا دسته‌ای که ژرژ ژان، در کتاب خود آغاز آن را حدود سه هزار سال قبل از میلاد و به طور هماهنگ در فاصله دو رودخانه دجله و فرات از سومر در حوزه خلیج فارس تا کلدیه نزدیک بغداد نام می‌برد که به گفته او فاصله‌ای نه چندان دور از هم، ولی با دو زبان مختلف، با لهجه‌ای کاملاً متفاوت شکل گرفته بود. خطی که از تصویرنگاری تا الواح هیرو کلیف تغییر از الواح اوروک تا خط‌های میخی و سپس، از خط‌هایی در ردیف فارسی میانه یا، در نهایت آنچه که در تصویرهای پیوست مشاهده می‌شود. اما، علی‌رغم این تغییرات و امکان دست‌یابی به معانی ترجمه آن، نمونه‌هایی از خط هم به دست آمده که هنوز امکان قرائت آن فراهم نشده است. مثل خط به

دست آمده بر روی سنگ و لوح‌های رسی با ۴۵ علامت ویژه از خرابه‌های شهر کنوسوس جزیره کرت که از سال کشف آن (۱۹۰۶) تاکنون کسی نتوانسته آن را بخواند، یا خط یافت شده در جیرفت و یا نمونه خط‌های دره هند (موهنجو دارو، و هاراپا) که به صورت یک معما همچنان مورد بررسی است. نشانه‌های به دست آمده بر روی خشت‌های رسی جیرفت همانند آثار کشف شده در شهر کنوسوس در جزیره کرت قطعاً حاوی پیام‌هایی است که گذشتگان ما، برای اطلاع خود و آیندگان خود به جای گذاشته‌اند، اطلاعاتی که دستیابی به آن در پیچه دیگری از تمدن و آگاهی‌ها، حتی شاید پیام‌هایی از سایر کرات بکشد! این دستینه‌ها، بالاخره روزی گشوده خواهد شد، کما اینکه خط‌های موسوم به تصویری، هیروگلیف و میخی گاهی هزاران سال ناخوانا مانده بودند و کسی چون فردوسی هم از وجود آنها حتی از خط میخی دوران هخامنشی اظهار بی اطلاعی کرده است. میکائیل راف در گزارش خود پیرامون نخستین دودمان حکومت اور نوشته است: پادشاهی (Mess Anepadaa) در اور در ۲۶۰۰ سال قبل از میلاد شناخته شده است. در مقابل، دیده‌ایم که بر روی یک مهره از سنگ لاجورد که در ماری (مرو) بدست آمد که نام پدر این پادشاه ذکر شده است. در طرح این مهره حیوانات در حال نواختن موسیقی هستند. وجود خط در این مهره بر روی سنگ لاجورد بدخشان در مرو، می‌تواند به این معنا باشد که ۲۶۰۰ سال قبل از میلاد در شمال شرق ایران «خط» حرفی برای گفتن داشته است. گرچه وجود رابطه بین مناطق شمال شرقی ایران یا بین‌النهرین (میان رودان و فرا رودان) و آگاهی این دو منطقه با یکدیگر برای ما روشن است؛ ولی اینکه گفته شود این مهره از اور به مرو رسیده باشد، با توجه به اینکه به گفته غالب صاحب نظران که نام آنها ذیلاً در این مقاله ذکر شده، «آسیای میانه خود شاهد مجموعه تو در تو از نظم و پیشرفت آداب و اخلاق

و فرهنگ های پیش رفته بود» و نیز با توجه به همه عناصری چون نوع سنگ، محل تولید، استخراج و پرداخت سنگ مذکور، باور آن آسان نمی تواند باشد. از طرف دیگر، هنگامی که که دکتر فرانکفورت در ویرانه های تل اسمر نزدیک بغداد موفق به کشف مهرها و مهره های سفالی در سال ۱۹۳۲ شد، به این باور رسید که این آثار از موهنجو دارو به آنجا منتقل شده است. دکتر هال نیز، معتقد است سومریان فرهنگ خود را از هندیان گرفته اند؛ ولی او در عین حال اعتقاد دارد که هم سومریان و هم هندیان نخستین، دارای ریشه واحدی بودند که از بلوچستان برخاسته اند.» با توجه به حضور نقش های اهلی کردن حیوان روی سفال های هزاره پنجم قبل از میلاد در آناتولی، چنین بر می آید که در آن هنگام، ترکستان خود دارای فرهنگ و تمدن کهنی بوده است. دکتر جلال الدبک رفیع فرهم، در یکی از جزوه های آموزشی خود تأکید می کند که هیچ فرآورده بین النهرینی در ترکمنستان کشف نشده است؛ ولی برعکس پاره ای از فرآورده های صنعتی و معدنی نقاط شرقی و شمال افغانستان از جمله لاجورد به وفور در بین النهرین (و حتی در مصر) دیده شده است. شواهد موجود حکایت از پیدایش نوشتاری بدوی در این منطقه دارد که غالب آنها روی پیکرک های زنان که از گل ساخته شده نقش بسته است. علاوه بر آن، پروفیسور توزی در گزارش خود ضمن اشاره به کاوش های فرانسویان در افغانستان و استناد به گفته آنها دایر بر استقرار انسان در سه یا چهار هزار سال قبل از آغاز تمدن شهر سوخته در آن منطقه، اظهارات خود را در باره استقرار سه تا چهار هزار سال قبل از آغاز توسعه شهر سوخته مستند ساخته، سپس در باره عظمت شهر سوخته و کثرت آثار موجود و وسعت گورستان (۳۵ هزار گور سالم با ۱۰۰ هزار جسد) می گوید: اگر یک گروه باستان شناسی با ۳۰ کارگر و هر

کارگر با ۸ ساعت کار در روز به کار حفاری در این ناحیه مشغول شوند حداقل ۳۰۰ سال وقت لازم است تا بتوان آن را کاملاً حفاری نمود.

او در بخشی دیگری از گزارش خود نوشته است: این در حالی است که نمونه خط پیش ایلامی در بلوچستان در دوره مهرگاره را با هفت تا شش هزار سال قبل از میلاد و در دوره بالاکوت، در چهار هزار سال پیش از میلاد می بینیم ما در اینجا با خط پیش ایلامی مشابه خطوطی که در شهداد دیده ایم، مواجه هستیم. اینکه آیا خطوط سندی و یا ماوراء النهری، بن مایه خطوط پیش ایلامی و بین النهرین است یا بالعکس، تا آن هنگام نظریه مطمئنی ارائه نشده بود؛ ولی آنچه که می توان آن را نظریه غالب تلقی کرد، این است که هیچ یک از نشانه های نوشتاری مناطق یاد شده، از نشانه های منطقه دیگر اقتباس نشده، هر یک ناشی از ابتکار یا ابداع و یا اختراع مردم خاص منطقه خودش است. کما اینکه نمونه هایی از این دستینه ها، از نوع پندارنگاری را نگارنده در موزه (بی شاب) در جزیره هاوایی امریکا با قدمتی تعریف نشده، برقلوه سنگی عظیم مشاهده کرده است که اگر گفته شود این خطوط با خط های مشابه در اروپا یا آن از این مایه گرفته باشد، با توجه به این همه فاصله، دور از منطق به نظر می رسد. در نتیجه تلاش در کشف خاستگاه نخستین دستینه یا نوشته انسانی، کاری اگر بیهوده نباشد، بسیار طاقت فرسا خواهد بود؛ ولی درعین حال، تا هنگامیکه خط جدیدی کشف نشود که نظریه یا دکترین گذشتگان را تصحیح کند، باید خط شرق را با رویکردی ویژه به کنار سندان جیرفت به عنوان جایگاه نخستین خط در نیمکره شمالی زمین شناخت. همه کسانی که در پی کشف زادگاه خط به مفهوم امروزی آن بوده اند، به بازگوئی یافته های خط سومری در حریم دو رودخانه دجله و فرات و همسایه آن ایلام می پردازند؛ این در حالی است که پنج سال قبل از کشف آثار سنگ های صابونی از تمدن حوزه فرهنگی

هلیل رود وهفت سال قبل از کشف و رونمایی از دسینه‌ها یا خط هلیل رود در رساله ۳۳۴ صفحه‌ای موصوف اشاره شد و در پی آن گفته شد که شرق ایران خاستگاه نخستین خط است، نه غرب آن. این نظریه پس از یازده سال، با کشف خط کنار سندل هلیل رود، به اثبات رسید. آنگاه با حمایت یونسکودر مؤسسه انتشاراتی زاگرو به چاپ رسید (اشاره به کتاب: فرهنگ‌های پیش از تاریخ کرانه‌های جنوب خاوری دریای مازندران تا عصر مفرغ، ۱۳۹۲). ژاله آموزگار، در همایش بین‌المللی «لوح تا لوح» جایگاه اصلی خط به معنای واقعی را سومر دانسته است. این نظریه با موارد یاد شده در سطور فوق، ناهماهنگ است. البته مرتضی حصاری، «جایگاه اصلی خط» را به گونه دیگری تعبیر کرده است که ذکر آن شاید پاسخ چالش فوق به گونه‌ای داده شده باشد. اوضمن اینکه تفکیک خط به واقعی و غیر واقعی را به کیفیتی نا مفهوم تلقی می‌کند، یادآور می‌شود: نمونه‌های اولیه گل‌نوشته‌ها که از طریق کاوش‌های انجام شده در ایران و بین‌النهرین به دست آمد، بیانگر این است که نه در ایران و نه در بین‌النهرین در اواخر هزار چهارم پیش از میلاد دوره‌ای که بر اساس تقسیمات باستان‌شناسی به دوره اوروک نوین معروف شد، خط را به عنوان معنای اصلی آن در اختیار نداریم؛ بلکه آنها گل‌نوشته‌های شماره یا تصویری یا ترکیبی از هر دو نمونه است. از دیدی دیگر، اگر اسطوره را نیز بخشی از تاریخ نا شناخته بشر بشناسیم، با ملاحظه آنچه که ژاله آموزگار، این محقق فرزانه در بخش دیگر سخنرانی خود (شماره ۳۱ سال چهارم اردی بهشت ۱۳۸۵، مجله خواندنی‌ها) در امریکا مطرح کرده، می‌بینیم که سکاها که مسکن اصلی آنها، شمال خاوری دریای مازندران و از نژاد آریا بودند، خط را از دیوان یعنی انسان‌هائی که آریائی‌ها، آنها را در سطح خود نمی‌پنداشتند، آموختند! فردوسی هم در بیت زیر چنین آورده است:

نوشتن به خسرو بیاموختند / دلش را به دانش بیافروختند

واضافه کردند: آن، هنری است که تهمورث (به معنای زیناوند / هوشیار) آگاهی از خط را از دیوانی که در بند او بودند، آموخته است. دکتر احسان یار شاطر نیز در کتاب تاریخ ایران باستان نوشته است: تهمورث یا تخمورث زیناوند (هوشیار) یا تهمورث دیوبند معرف سه آتش مهم اساطیری زرتشتیان است. او دیوان را به بند افکند و دیوان، از بیم جان شان، راز نگارش را به او آموختند.

ابهام و نشانه‌ها

با برداشت از مطالب فوق و نیز با استفاده از یادداشت‌های کوتاهی که در ذیل به آن افزوده خواهد شد، می‌بینیم که سکاهای دست کم در هزاره سوم قبل از میلاد همراه با پاسارگادها، مادها، ساکاردها، خزرها و اقوام دیگر که اگر نمی‌توانستند بنویسند واژه «خط» یا دسینه را می‌شناختند. آنان، این واژه و حرکتی که آن را جان می‌بخشید به گونه‌ای که در سطور بالا آمده است از دیوان یا انسان‌هایی که وحشی یا بی تمدن نامیده می‌شدند آموخته‌اند و این بدان معناست که واژه خط از قبل از هزاره سوم قبل از میلاد در شرق یا خراسان بزرگ که دریاچه هامون، حوزه‌های فرهنگی شیدا، شهر سوخته و هلیل رود و احتمالاً آرتا (که اگر یکی از دو حوزه اخیر نباشد) در آن محوراند، شناخته شده بود. حوزه‌ای از فرهنگ و تمدن که دانشمندان روسیه از جمله سچنکو و ماتسون پژوهشگران حوزه‌های فرهنگی شمال این محور، تمدن آن را تا هشت تا هفت هزار سال پیش برده‌اند. نیافتن آثاری از خط قابل خواندن در دوران شکوفائی خط موجب می‌شود در وقوع پاره‌ای از رویداد های حقیقی تاریخی نیز در تردید و گمان غوطه ور شویم. من باب نمونه، در وجود سلسله‌ای از حکومتی چون پادشاهی «ماد» هیچ تردیدی نیست؛ ولی نیافتن خطی از آنها، از تحرکات سیاسی و اجتماعی آنان، بی

اطلاع بودیم. اگر چنین پنداریم که آنان از نوع حکومتی لاقل در حد حکومت نیمه اسطوره ای پیشدادیان هم بهره مند نبودند که تا اندازه تهمورث زیناوند (هوشیار) خط را از دیوان آموخته باشند، این تصور بدون اشتباه نمی تواند باشد. همچنین، با وجود اینکه می دانیم ویشناسب پدر داریوش در دوران شاهنشاهی کورش بزرگ، ساتراپ پرتوه یا گرگان بزرگ بود، متأسفانه تا سال ۱۳۹۲ که صاحب این قلم موفق به کشف خط میخی در ارتفاعات یک گورستان دوران کهن در ارتفاعات جنوبی زادگاهش بندرگز (۴۵ کیلومتری گرگان کنونی) شده بود، ما هیچگونه اطلاعی از وجود خط میخی در این حوزه نداشته ایم؛ ولی، علی رغم بی اطلاعی از دو تمدن و فرهنگ بالا دیده ایم که در مورد اول اسناد به دست آمده از آشوری ها و در مورد دوم کشف نمونه خط میخی در محدوده شهرتمیشه نشانه هایی از آنها یافت شد. در نتیجه، وجود آنها را در آن خطه مسجل می دانیم. کشف و رفع این ابهامات بما این شانس را می دهد که به ندانسته های مان پای نشرایم و حق تاریخی هر نقطه را برای همان منطقه محفوظ بداریم. می دانیم که در بخش های کهن کتاب عهد عتیق یا تورات (سفر پیدایش، باب یکم) کوچ سومریان از مشرق به سرزمین سومر یا نشعار تصریح شده است. از این روی، ناچاریم مروری به کاوش ها، تجربیات و دیدگاه های باستان شناسان و دانشمندی که نام آنها زینت بخش این نوشته شده است داشته باشیم. اگر چنین کنیم می بینیم که هر یک از آنها به نحوی، حرکت شرق به غرب را، اگر از بعد از یخ بندان بزرگ ورم به زبان نیاورده باشند لاقل از دوران هلو سن حدود هفت هزار سال قبل از میلاد مستند ساخته اند. آنان نه تنها این، بلکه با بررسی ترکیب ساختاری (آناتومی) بدن انسانها، به وضوح دریافته اند که سومری ها از همان نژاد هستند که مردم بلوچستان و اطراف آن به حرکت درآمده اند. مردمی که هم از طریق دریا و هم از

طریق خشکی به راحتی می توانستند به اطفاء حس کنجکاوی خود پردازند. آنکه زود تر به فرهنگ خط به مفهوم کلی آن دست یافته با توجه به قدمت آن فعلاً جایی جز هلیل رود نیست؛ یعنی حوزه فرهنگی هلیل رود خاستگاه نخستین خط جهان در نیم کره شمالی زمین است، نه سومر. البته آن، در سومر به شکوفائی رسیده است. مانند فون برون و انشتین آلمانی و فیروز نادری و مریم میرزاخانی که در کشور های دیگر به دنیا آمدند و در امریکا به درخشش افتادند. درپایان، با خوشه چینی از داده های پربار باستان شناسان و کاوشگران معروف داخلی و خارجی از جمله دکتر فرانکفورت، سر ا. کیتز، دکتر باکستن، دکترهال، میکائیل راف، ویل دورانت، گوردون چایلد، پرفسور مرگی، پرفسور ماریزو توزی، مری بویس، کابلی، رضا مستوفی، جلال الدین رفیع زاده، مرتضی حصار، سجادی، علی حاکمی، بویژه خانم وایت هاوس (که هر یک، گاهی هم همصدا با پژوهشگران روسی از جمله رافائل پامپلی، ساچنکو، ماتسون و سایر کاوشگران تپه های پیش از تاریخ آسیای میانه که از تمدن هفت هزارساله شرق ایران هم سخن گفته اند) و همچنین با بهره وری از پژوهش های میدانی و کتابخانه ای شخصی، صاحب این قلم به این باور رسیده که بگوید: علی رغم نظریه غالب، باید بین النهرین را در حد یک صعود و شکوفایی؛ ولی حوزه های فرهنگی کرانه های جنوبی دریای کاسپ ها و کرمان (با رویکردی ویژه به حوزه های فرهنگی شهر سوخته، شیلا، شهداد و هلیل رود) را خاستگاه پیدایش فرهنگ و تمدن و خط های نخستین معرفی نماید. مجموع کوشش و کنش های صاحب نظرانی که نام شان در پاراگراف - فوق ذکر شد، به ما یاری می دهد تا بگوئیم: بازنگری فرهنگ های پیش از تاریخ فلات مرکزی ایران و ارزیابی فرهنگ های انسان های نخستین کرانه های جنوب خاوری ایران، فرایندی نو، از حرکت فرهنگ ها را به ارمغان آورده تا گفته شود علی

رغم نظریه غالب، که بین النهرین را خاستگاه بی چون و چرای تمدن و خط معرفی می‌کند (دربرابر خط هلیل رود) آن را باید، فقط در حد یک سکوی پرتاب خط ارزیابی کرد، نه به عنوان خاستگاه آن!

پی نوشت ها

– هلیل رود، هلیل، (احتمالاً همان هلیله یا هلیک واژه پهلوی است) و آن درختی است که مثل سندل در هندوستان می‌روید. درخت آن بزرگ، برگ‌هایش باریک و دراز؛ ثمر آن خوشه دار (مانند سندل) به اندازه مویز؛ رنگش زرد یا سیاه ؛ در طب به کار می‌رود. هلیل رود به رودخانه‌ای که به این درخت نسبت داده شده نامور شده است (فرهنگ عمید / دهخدا).

– سندل، درست است نه صندل. کنار صندل یعنی محلی که درخت سندل در کنار یا در آن محل روئیده شده باشد. سندل واژه هندی است و آن درختی است کوچک دارای برگ‌های نوک تیز و گل‌های سفید خوشه‌ای با دانه‌های سبز؛ چوب آن خوشبو و وسائل ساخته شده از آن گران بها است. اسانس آن در پزشکی و عطر سازی به کار گرفته می‌شود. اصلش از هندوستان و در مناطق گرم پرورش می‌یابد. به فارسی چندل و جندن هم گفته‌اند. به کفش‌های چوبی (کتله) و کفش‌های چرمی که رویه آن از ترکیب چند تسمه تشکیل شده نیز سندل می‌گویند. واژه سندلی (چهار پایه پستی دار) نیز از همین ریشه است. (فرهنگ عمید / دهسندل واژه‌ای هندی و اتاق لغتی ترکی، تلگرام و غیره نیز واژه‌های بیگانه‌اند که باید از القبای فارسی استفاده شود. حوزه فرهنگی کنار سندل (صندل) در غرب رودخانه هلیل یا هلیل رود، در چهار کیلومتری شمال غربی یک روستا به همین نام، سی کیلو متری جیرفت در استان کرمان قرار گرفته است. حوزه‌ای به وسعت سه در دو کیلو متر با معبد / زیگوراتی قابل مقایسه با

زیگورات چغازنبیل در شوش (به گفته کاوشگران و مسئولان اداره میراث فرهنگی کرمان) با بیش از چهار میلیون خشت در سه طبقه و دو سکوی عظیم با قدمتی قریب هزار سال بیش از تمدن بین النهرین (اوروک) .

– اسم ایلام (فعلی) قبلاً پشت کوه بود. قبلاً ایلام را عیلام می نوشتند. ایلام یا سوزیان دولت قدم و همسایه کلاوه و پایتخت آن شوش بود. سلاطین آن کلد و آشور را تسخیر کردند. در زمان داریوش، این مملکت تشکیل ساتراپی داد. انزان؛ انشان؛ جلد سوم صفحه ۳۲۰۲ لغت نامه دهخدا، ایلام، یک اسم / واژه عربی نیست که با ع نوشته شود. در گذشته به غلط با ع می نوشتند. مثل طهران، طزره یا بندرجز، طوس یا نفط. همه این واژه ها و مشابه آنها فارسی و بیشتر پهلوی یا فارسی میانه هستند. از این روی، بعد از تأسیس فرهنگستان لغات، صحیح آن یعنی تهران، تزره، بندرگز، توس و نفت نوشته می شود .

– ژان ژرژ، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۲، تهران.

– بدخشان- بدخشان، ابن حوقل جغرافیدان قرن چهارم هجری در باره بدخشان می گوید: بدخشان در شرق افغانستان، وصل به غرب چین، و شهرتش بخاطر احجار کریمه غیر از لعل، یاقوت لاجوردی، سنگ بلور، سنگ یازهران، سنگ های گلی، شرابی، اناری و سرخ است. فاصله بدخشان تا بین النهرین ۲۴۰۰ کیلومتر است.

– مقاله، ارایه شده صاحب این قلم به همایش شناخت و معرفی تمدن هلیل رود، صفحه ۳۳ مجموعه مقالات آن همایش، این مقاله بر اساس یافته های صاحب این قلم مندرج در رساله فرهنگ های پیش از تاریخ کرانه های جنوب خاوری دریای مازندران، در سال ۱۳۷۶ یعنی ۷ سال قبل از همایش معرفی فرهنگ هلیل رود و ۱۱ سال قبل از اعلام کشف خط کنار صندل، جیرفت نوشته شده بود. با وجود وقوع چالش

ناشی از ابراز چنین دیدگاهی، موفقیت مولف، موجب جلب حمایت کمیسیون ملی تربیتی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) و مرکز گفتگوی تمدن ها در سال ۱۳۸۱ و سپس چاپ کتاب مذکور در مؤسسه انتشاراتی زاگرو، مایه بحث صاحب نظران دیگر شد. این، درحالی بود که برای چاپ کتاب مذکور در ژانویه و فوریه ۲۰۰۷ یعنی یک سال قبل از آن، توسط مؤسسه مطبوعاتی نیو هاری زون پابلیشر در لوس آنجلس نیز با ارسال دو قرارداد متفاوت کتباً از چاپ این کتاب استقبال کرده بود.

– خزرها، از اقوام آریایی، خاستگاه شان ترکستان در هزاره سوم از شمال شرقی دریای کاسپ ها تا بلغارستان با جنگ و ستیز پیش رفتند. آنان در زمان خلفا به بیشترین قدرت دست یافته بودند. بیش از یک قرن از مذهب یهود سپس، ضمن تحلیل در روسیه و شرق اروپا از مذهب مذکور روی گرداندند. خزر به معنای چشم تنگ/احول هم آمده است. یک چشم تنگ! دهخدا ص ۸۵۶۴ جلد ششم.

– تپه شیلا – شیلا، یک واژه سنسکریت، ریشه ای از زبان فارسی باستان و هند و اروپائی است. معنای لغوی آن واژه، زیر بنا / بنیاد و Foundation است. این حوزه فرهنگی در فاصله ای نه چند دور از شهر سوخته به سوی شرق قرار دارد. این نام (شیلا) به یکی از صخره های جنوبی جزیره سیسیل هم اختصاص دارد.

– تصویر خط میخی بر دسته یک پارچ یا ظرف آب خوری (آب نوشی) سفالی قرمز، دهانه گشاد از یافته های اختصاصی صاحب این قلم از ارتفاعات زادگاهش بندرگز، از یک گورستان دوران باستان در غرب شهر معروف تمیشه حوزه شهرستان کردکوی کنونی.

مطالعه و بررسی تحولات جمعیتی ناحیه چوار در عصر آهن III

صدیدمحمد درخشنده^{۱۰}، دکتر خداکرم مظاهری^{۱۱}، دکتر پریسا پورمحمدی^{۱۲}

چکیده

ناحیه چوار از جمله مناطق مهم باستانی زاگرس غربی در عصر آهن III قلمداد می شود. محوطه های باستانی این عصر در دهه ۶۰ توسط تیم های باستان شناسی مورد کاوش علمی قرار گرفته است. تقریباً تمام یافته های فرهنگی این دوره از گورستان ها به دست آمده و منحصرأ آثار تدفینی هستند. هرچند در رابطه با کاوش های باستان شناسی عصر آهن و برنز مطالعات گسترده ای صورت پذیرفته؛ اما، مقوله جمعیتی ساکن این مناطق مورد بررسی و تحلیل علمی قرار نگرفته است. از این رو، در این مقاله تلاش شده این مسئله از زوایای مختلف مورد مطالعه قرار گیرد. حجم انبوه داده ها و فراوانی قبرستان های این دوره، گویای این موضوع است. هدف کلی از انجام این نوشتار، مطالعه تحولات جمعیتی منطقه در این دوره مهم استقرار خواهد بود. ابزارها و اشیای تدفینی از مهم ترین شناسه های مورد مطالعه می باشد.

واژگان کلیدی: عصر آهن III، کاوش های باستان شناسی، گورستان های عصر

آهن، شیوه های تدفین، تحولات جمعیتی عصر آهن، چوار.

مقدمه: عصر آهن پشتکوه هم زمان با دوران امپراتوری آشوری در میان رودان و حملات آنان به قسمت هایی از نواحی زاگرس غربی بوده است. از این رو، طبق بررسی های به عمل آمده توسط باستان شناسان، این دوران از پشتکوه؛ یعنی محدوده

^{۱۰} - دانش آموخته ارشد باستان شناسی؛

^{۱۱} - دانشیار گروه باستان شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام؛

^{۱۲} - مدرس گروه باستان شناسی دانشگاه هنر شیراز.

زمانی (۶۰۰-۸۰۰/۷۵۰ ق.م.) را در بر می گیرد. در دوران عصر آهن III سکونتگاه های عمده ای در منطقه وجود نداشته و زندگی صرفاً بر مبنای کوچ نشینی بوده است. لذا، گورستان های مناطق چوارو بولی مهم ترین بقایای باستانی برجای مانده از گروه- های کوچ نشین در این عصر هستند که اطلاعات ارزشمندی از جمعیت را در این دوران در اختیارمان قرار می دهند، تا براین اساس بتوانیم نسبت به تجزیه و تحلیل تحولات جمعیتی منطقه کوهستانی ایلام در عصر آهن III پردازیم. همچنین، وجود گورستان های متعدد مربوط به کوچ نشینان، ابزارها و اشیای داخل قبور در گورستان های مناطق مورد مطالعه می تواند در تجزیه و تحلیل تحولات جمعیتی پشتکوه در آن عصر به ما کمک کند.

مسئله اصلی تحقیق

عصر آهن یکی از مهم ترین ادوار فرهنگی پشتکوه است. تمام یافته های این دوره پشتکوه از درون قبرستان ها کاوش شده و منحصراً یافته های تدفینی هستند. قبرستان های این دوره، در شمال غرب پشتکوه واقع اند و موقعیت جغرافیایی آن ها حاکی است که با میانرودان ارتباط داشته اند و در یافته های تدفینی تأثیر این ارتباطات دیده می شود (Overlaet, 2005 3, 7 & 10). تقسیم بندی داخلی عصر آهن که به وسیله یانگ و دایسون ارائه شده، به وسیله لویی و اندنبرگ به عنوان یک چارچوب گاه نگاری ارجاعی برای استفاده کلی در باستان شناسی پشتکوه و لرستان پذیرفته شده است. از لحاظ گاه نگاری و یافته های مکشوفه، زیر دوره آهن III از دوره های قبل به خوبی قابل تشخیص است و گورستان ها و گورهای فراوانی از این دوره شناسایی شده است. در مورد ساختار معماری قبرها نیز مطالعات جامعی

انجام شده است (واندنبرگ، ۱۳۵۰: ۳۳؛ معتمدی، ۱۳۶۵: ۳۴؛ فیروزمندی و عبدالحی، ۱۳۸۴: ۹۹). با این حال، می توان گفت که قسمت عمده قبرها از گونه قبرهای چهارچینه یا چهاردیواری هستند که بیشتر برای تدفین انفرادی ساخته شده اند. برای پوشش گورها، سنگ ها به گونه ای انتخاب شده که سراسر عرض گور را در بر گرفته و دو سر آن ها روی دیواره های طولی قرار گرفته است (معتمدی، ۱۳۶۵: ۳۴ و ۳۵). به نظر می رسد که طی دوره آهن قدیم (آهن I/II)، و دوره آهن جدید (آهن III) تحولات جمعیتی مهمی در پشتکوه رخ داده و یافته های مکشوفه حاکی از افزایش قابل توجه جمعیت پشتکوه در دوره آهن جدید است (Overlaet, 2005: 16). بررسی افزایش قابل توجه تعداد قبرستان های عصر آهن پشتکوه در مطالعات پژوهش های باستان شناسی که در منطقه انجام شده، مورد توجه قرار گرفته است. از این رو، مسئله اصلی این تحقیق، بررسی و مطالعه علل افزایش ناگهانی جمعیت کوچ نشینان در این منطقه از پشتکوه است. بنابراین، علل احتمالی افزایش جمعیت کوچ نشینان پشتکوه در عصر آهن جدید مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

اهمیت و ضرورت انجام تحقیق

عصر آهن یکی از مهم ترین ادوار باستان شناسی پشتکوه است که حجم انبوه داده ها و فراوانی قبرستان های این دوره، گویای این موضوع است. از این رو، تحقیق در مورد تحولات جمعیتی که در این زمان در پشتکوه رخ داده، به درک بهتر این دوره و مشخص شدن منشأ تحولات فرهنگی این دوره پشتکوه می انجامد. برای باستان شناسی پیش از تاریخ و آغاز تاریخی غرب ایران ضروری است که در مورد علل و ماهیت

تحولات جمعیتی عصر آهن پشتکوه تحقیق مستقلی انجام گیرد، به نحوی که بتوان علل و زمینه‌های این تحولات را درک نمود و در این خصوص به نتایج مطمئنی دست یافت. وجود گورستان‌های متعدد متعلق به عصر آهن در منطقه مورد تحقیق در محدوده استان ایلام اهمیت مطالعه در زمینه تحولات جمعیتی این عصر را نشان می‌دهد. از این رو، ضرورت دارد برای دستیابی به یافته‌های علمی قابل قبول نسبت به مطالعه اسناد و مدارک باستان‌شناسی اقدام گردد.

هدف اصلی: تجزیه و تحلیل تحولات جمعیتی مناطق مورد مطالعه در عصر آهن III می‌باشد. تبیین تحولات جمعیتی پشتکوه در عصر آهن III، ارزیابی علل افزایش جمعیت کوچ‌نشینان پشتکوه در عصر آهن III و بررسی و تحقیق و تجزیه و تحلیل داده‌های موجود در مورد افزایش جمعیت کوچ‌نشینان پشتکوه در عصر آهن III در راستای تحقق اهداف مورد توجه بوده است.

سؤالات تحقیق

- اسناد و مدارک دال بر افزایش جمعیت کوچ‌نشینان پشتکوه در عصر آهن III کدامند؟
- علل افزایش جمعیت کوچ‌نشینان پشتکوه در عصر آهن III چه بوده است؟
- در میان عوامل احتمالی افزایش جمعیت کوچ‌نشینان پشتکوه در عصر آهن III، کدام عوامل نقش برجسته‌تری داشته‌اند؟
- شرایط اقلیمی - جغرافیایی پشتکوه چه نقشی در افزایش گروه‌های کوچ‌نشین به این منطقه داشته است؟

فرضیه‌های تحقیق

- اوضاع اقلیمی - جغرافیایی پشتکوه موجب شده که این منطقه از قدیم الایام مستعد جذب گروه‌های کوچ‌نشین باشد.

- به نظر می‌رسد تحولات تاریخی سرزمین میان‌رودان، به ویژه قدرت‌گیری امپراتوری آشور، نقش اصلی در افزایش جمعیت کوچ‌نشینان پشتکوه در عصر آهن III داشته است.

روش‌شناسی: پژوهش حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی است و با توجه به ماهیت موضوع و اهداف پژوهش، یک روش تلفیقی است که با استفاده از شیوه‌های معمول کتابخانه‌ای و اسنادی انجام گرفت. براساس نتایج بررسی‌ها و کاوش‌های باستانشناسی که در منطقه پشتکوه انجام شده، ابتدا به تبیین تحولات جمعیتی پشتکوه در در عصر آهن III پرداخته شد، سپس علل احتمالی افزایش جمعیت کوچ‌نشینان پشتکوه در عصر آهن III مورد بررسی و ارزیابی و تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نمونه مورد بررسی: قبرستان‌های عصر آهن III در مناطق کوهستانی شمال پشتکوه جامعه آماری این تحقیق را در بر می‌گیرد. به دلیل تمرکز گورستان‌های عصر آهن در شهرستان چوار نسبت به سایر مناطق پشتکوه و کاوش‌های انجام شده، منطقه چوار به عنوان محدوده مورد مطالعه این پژوهش انتخاب شد.

بوم‌شناسی

استان ایلام با مساحتی به وسعت ۱۹۰۴۴ کیلومتر مربع، در بخش غربی زاگرس واقع شده است. این استان از شمال به استان کرمانشاه، از غرب به کشور عراق، از جنوب به استان خوزستان و عراق، و از شرق به استان لرستان محدود است. ایلام تا سال ۱۳۴۲ به عنوان بخشی از استان پنجم کشور (کرمانشاه) بوده، که با توجه به وضعیت سوق-الجیشی و استراتژیک و به خاطر طولانی‌بودن مرز مشترک با کشور عراق، از کرمانشاه جدا و به فرمانداری کل تبدیل گردید. سپس، در سال ۱۳۵۳ به «استان» تغییر یافت و مرکز آن شهر ایلام کنونی می‌باشد (درخشنده، ۱۳۷۳: ۵۰). استان ایلام دارای ۱۲ شهرستان است. طول مرز مشترک استان ایلام با کشور عراق ۴۲۵ کیلومتر است که

دارای طولانی ترین مرز خشکی با کشور عراق است. استان ایلام به علت مجاورت با جلگه های بین النهرین و خوزستان، از نظر آب و خاک و دما بسیار مطلوب انسان ها در دوران تاریخی بوده است. به برکت همین آب و هوای مطلوب و خاک و دمای مناسب بود که اولین مهد تمدن بشری در بین النهرین و خوزستان و جبال شکل گرفت (افشارسیستانی، ۱۳۷۲: ۳۴-۳۵). کبیرکوه به عنوان طولانی ترین و بزرگ ترین و مرتفع ترین کوه ایلام به طول ۱۶۰ کیلومتر، به عنوان دژ مستحکمی از نواحی ایلام شروع شده و تا نزدیک اندیمشک در استان خوزستان ادامه دارد. این رشته کوه، یکی از بزرگ ترین و منظم ترین کوه های زاگرس غربی است که از جهت شمال غرب، جنوب شرق امتداد یافته است (درخشنده، ۱۳۷۳: ۵۱-۵۲). دشت های میانکوهی در محدوده کوهستانی ایلام دشت های حاشیه ای شرایط جغرافیایی انستان را برای فعالیت های کشاورزی و دامپروری مطلوب ساخته است (محمودیان، ۱۳۸۵: ۹-۱۰).

سهم جنگل های استان از این مقدار، معادل ۶۴۱۶۶۷ هکتار است که تیپ غالب آن بلوط و گونه های بنه، ارژن، بادام کوهی، داغداغان و گونه های همراه آن می باشد. استان ایلام به واسطه قرار گرفتن در دامنه غربی رشته کوه زاگرس، از لحاظ پوشش گیاهی تحت تأثیر آب و هوای منطقه و میزان ریزش های جوّی قرار دارد و بدین سبب در مناطق کوهستانی و ارتفاعات شمال، شمال غربی و نواحی کبیرکوه دارای پوشش گیاهی مناسبی می باشد (محمودیان، ۱۳۷۷: ۱۲). به خاطر مواهب طبیعی خدادادی چون: پوشش جنگلی و مرتعی، دامداری و کشاورزی از مهمترین فعالیت های اقتصادی ساکنان منطقه بوده است. این استان به سبب قرار گرفتن در هلال حاصلخیز و کوهستان زاگرس و وجود دشت های حاشیه ای از جهات مختلف شرایط مطلوبی برای زندگی کوچ نشینی و پرورش دام داشته است.

اقلیم: به طور کلی سه نوع آب و هوا در منطقه مشاهده می گردد.

الف) آب و هوای کوهستانی سرد؛

ب) آب و هوای معتدل کوهستانی؛

ج) آب و هوای بیابانی و نیمه بیابانی.

قسمت غربی و جنوبی استان، دارای سرزمین های پست می باشد و از جهتی به نواحی گرم عراق و هم چنین استان خوزستان متصل است، لذا دارای آب و هوایی گرم و خشک می باشد.

منابع آب: رودخانه های متعددی در محدوده جغرافیایی استان ایلام جریان دارد. رودخانه کنگیر در دشت میان کوهی ایوان، رودخانه گدارخوش «ویارخوش» در دشت ایلام، رودخانه های کانی شیخ و تلخاب در منطقه چوار به سمت مرز ایران و عراق امتداد دارند. مهمترین رود استان رودسیره است که از مناطق شرقی استان جریان دارد و در استان خوزستان کرخه نامیده می شود. موقعیت جغرافیایی و پیشینه مطالعات باستان شناختی شهرستان چوار از توابع استان ایلام (محدوده مورد مطالعه) به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته است.

شهرستان چوار

موقعیت: این شهرستان در بخش غربی شهرستان ایلام واقع شده است. این شهرستان از سه ناحیه مجزا از غرب به شرق، شامل: مناطق میمک، بولی و ارکوازی تشکیل شده است. از شمال به ایوان، از جنوب و شرق به شهرستان ایلام، از غرب به مرز ایران و عراق در مناطق میمک محدود است.

میمک: غربی ترین منطقه ای است که از سرحدات مرزی ایران و عراق تا کوه های گنج و سه کوران در شرق را در برمی گیرد. سرحدات شمالی آن به رودخانه تلخاب شمالی

و مرز جنوبی به رودخانه گدارخوش محدود است. میمک، یکی از مناطق سوق الجیشی و استراتژیکی در پشتکوه (ایلام فعلی) است. تنگ بیجار در دامنه شمالی ارتفاعات میمک یکی از معابر وصولی به عمق خاک عراق است (سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۵: ۱۵۱).

بولی: این منطقه مابین کوه‌های سه کوروند و گچ در غرب و کوه‌های کاج باوه یال، کره سر، چقا زرد سیاه و شماره در شرق است. عوارض جغرافیایی سوق الجیشی که این منطقه را به منطقه میمک و در نهایت میان‌رودان مرتبط می‌سازد، تنگه‌ها و معابر مهمی هستند که در امتداد رودخانه‌های تلخاب شمالی و جنوبی یا رودخانه گدارخوش شکل گرفته‌اند.

ارکوازی: شرقی‌ترین قسمت ناحیه چوار منطقه ارکوازی با هوایی خنک‌تر از مناطق همجوار، دارای رودخانه‌های گلال رود، گلال گورگه، گلال چقاچلام است که به رودخانه خوش می‌ریزند. پوشش گیاهی شهرستان را درختان بلوط و دیگر گونه‌های درختی و درختچه شامل: گز، کیکم، زبان گنجشک، ارژن، زالزالک، انجیر، بنه، و کنار پوشانده است. منابع جنگلی متنوع، پوشش گیاهی، کوه‌ها، رودخانه‌ها و اقلیم مناسب سبب آن شده است که منطقه عمومی چوار، همواره در طول تاریخ و مخصوصاً در پیش از تاریخ، محل و مأمن خاصی برای کوچ نشینان بوده است. بنابراین، شهرستان چوار در حال حاضر دارای ده‌ها آبادی نیمه مسکونی یا کاملاً مسکونی است.

پیشینه تحقیق: قبرستان‌های مرتبط با کوچ‌نشینان مهم‌ترین نهشت‌های فرهنگی پشتکوه در عصر آهن را تشکیل می‌دهد. در طی جریان بررسی‌ها و کاوش‌های گسترده هیئت باستان‌شناسی بلژیکی در پشتکوه اطلاعات و آگاهی‌های گسترده‌ای در مورد عصر

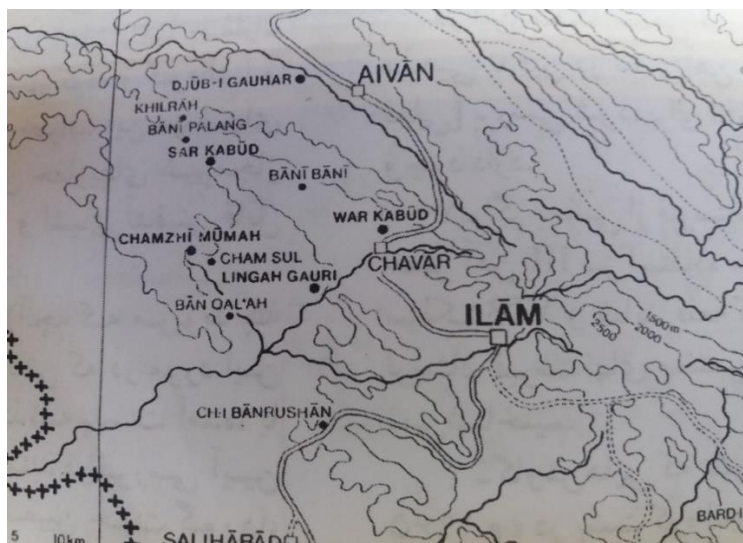
آهن حاصل گردید. تمام داده‌های متعلق به عصر آهن پشتکوه از درون گورها به دست آمده است در مورد ساختار گورها مطالعات متعددی انجام شده است (واندنبرگ ۱۳۵۰: ۳۳؛ معتمدی ۱۳۶۵: ۳۴؛ فیروزمندی و عبدالحی ۱۳۸۴: ۹۹). همچنین، داده‌های ارزشمند و مهمی از درون قبرستان‌ها کشف شده که منتج به ترسیم چهارچوب گاه‌نگاری و شناخت آیین‌های تدفین عصر آهن منطقه شده است. مهم‌ترین قبرستان‌های عصر آهن که توسط هیئت باستان‌شناسی بلژیک به سرپرستی پروفیسور لویی واندنبرگ کشف و مورد کاوش قرار گرفته است، عبارت‌اند از: ورکبود، کل ولی، برد بل، چم ژیه مومه، جوب گوهر، گل خان مرده و کتل گل گل (Overlaet 2005). با این حال تا کنون تحقیق و مطالعه جامع و مستقلى در مورد تحولات جمعیتی پشتکوه در عصر آهن انجام نشده است. در این تحقیق در نظر داریم با تجزیه و تحلیل داده‌های موجود، این موضوع را مورد تحقیق و بررسی قرار دهیم.

پیشینه تجربی: باستان‌شناسان در نیمه دوم قرن بیستم تلاش گسترده‌ای در زمینه شناسایی و معرفی ادوار فرهنگی ایران خصوصاً عصر مفرغ و آهن انجام داده‌اند. فعالیت‌های بررسی و شناسایی آثار و شناسه‌های فرهنگی، حفاری و کاوش‌های باستان‌شناسی در مناطق مختلف، مقایسه و تطبیق آثار و اشیاء به دست آمده از مکان‌های باستانی این ادوار از جمله تلاش‌ها و فعالیت‌های علمی در این زمینه است. در این مبحث به برخی از مهمترین یافته‌های پژوهشی محققان داخلی و خارجی اشاره می‌شود. در نیمه اول قرن بیستم بیشتر اطلاعات ارایه شده در زمینه تحولات فرهنگی عصر برنز و آهن به آثار و اشیاء و شناسه‌های فرهنگی به وسیله حفاران غیرمجاز، عتیقه فروشان، ککسیون‌های مختلف، اشیای مکشوفه از مکان‌های باستانی و.... اختصاص یافته است. هر چند در مواردی برخی آثار و اشیاء به وسیله هیأت‌های خارجی طرف قرار داد با دولت ایران از

مکان های مهم باستانی ایران استخراج و عرضه شده است. بررسی مشخصات این آثار و تعدد و تنوع آن ها موجب شد تا برخی هیأت های باستان شناسی به مطالعه و تحقیق پیرامون شناسایی، گاه نگاری و ویژگی های فرهنگی ادوار مفرغ و آهن بپردازند. پروفسور واندنبرگ در دهه ۱۹۶۰ تلاش های چشمگیری در غرب ایران و منطقه لرستان به منظور گاه نگاری ادوار فرهنگی عصر آهن انجام داد. گزارش های حفاری و کاوش باستان شناسی هیأت بلژیکی که با همکاری اداره باستان شناسی این هیأت در دو مرحله انجام شده از منابع ارزشمند پژوهش ها و تحقیقات عصر آهن و برنز می باشد. حفاری ها و کاوش های باستان شناسی این هیأت در دو مرحله انجام شد.

مرحله اول: از سال ۱۹۶۰ شروع شده و ده ها گورستان منطقه عمومی لرستان را مورد کاوش قرار داد و آثار ارزشمندی متعلق به ادوار باستان غرب ایران را به دست آورد. در این مرحله شش فصل کاوش در منطقه صورت پذیرفت.

مرحله دوم: نیز از سال ۱۹۷۰ آغاز گردید. با توجه به اهمیت این پژوهش ها در معرفی آثار فلزی لرستان در مبحث پیشینه به طور خلاصه به برخی از این یافته ها اشاره می شود.



نقشه باستان شناسی پشتکوه در عصر آهن

پیشینه نظری تحقیق

در طول چند دهه گذشته کتاب‌ها، مقالات و گزارش‌های متعددی در زمینه عصر آهن و مفرغ، خصوصاً گورستان‌های عصر آهن ایلام و پشتکوه انتشار یافته و تحلیل‌های مختلفی صورت پذیرفته است. اغلب این نوشتارها به معرفی یا بررسی گزارش‌ها و مقالات حاصل از پژوهش‌ها و تحقیقات انجام شده اختصاص یافته و هر نویسنده‌ای به زعم خود مطالب جدیدی ارایه نموده که با وجود ارزشمند بودن تلاش‌ها به دلایل مختلف نمی‌توان آن را جامع و کامل قلمداد نمود؛ بلکه باید به صورت نسبی آن را مورد بررسی و تحلیل قرار داد.

۱. حسن طلایی، کتاب باستان شناسی و هنر ایران در هزاره اول ق.م. را در سال ۱۳۷۴ تألیف نموده است. این کتاب برای استفاده دانشجویان رشته باستان شناسی در درس «باستان شناسی ایران در هزاره اول قبل از میلاد، در دوره کارشناسی تدوین شده و

شامل معرفی فرهنگ‌های ایران بین سال‌های (۲۰۰۰ تا ۱۵۰۰ ق.م.). ادوار مفرغ و آهن است. بررسی اشیای فلزی و سفال‌های مکشوفه از مکان‌های باستانی و گاه‌نگاری آن‌ها از مزایای این کتاب می‌باشد.

۲. کتاب باستان‌شناسی ایران باستان، تألیف لوئی واندنبرگ به وسیله عیسی بهنام در سال ۱۳۴۸ ترجمه شده است. لوئی واندنبرگ در دهه ۱۹۶۰ با هدف گاه‌نگاری عصر طلایی برنز و عصر آهن تحقیقات گسترده‌ای را در غرب ایران خصوصاً منطقه عمومی لرستان انجام داد. او ده‌ها گورستان این عصر را در مناطق ایلام و لرستان کنونی مورد حفاری و کاوش قرار داده و به بررسی، مقایسه و تحلیل این آثار پرداخته است. حاصل تحقیقات او در این کتاب و ده‌ها مقاله، گزارش و کتاب تا کنون منتشر شده است. کتاب حاضر یکی از منابع اصلی معرفی آثار برنز، معروف به برنز لرستان به شمار می‌رود. در این کتاب علاوه بر لرستان، بسیاری از آثار ایران باستان را در محدوده فلات ایران مورد بررسی قرار داده است.

۳. حبیب الله محمودیان نیز کتابی تحت عنوان بررسی آثار برنزی ایلام و لرستان در هزاره اول ق.م (خنجر) در سال ۱۳۷۷ منتشر نموده که به طور اجمال به تاریخچه پیدایش فلز مفرغ و معرفی تعدادی از خنجرهای مکشوفه از مکان‌های باستانی لرستان پرداخته است. در این کتاب به سایت‌های عصر آهن اشاره شده که از منظر باستان‌شناسی عصر آهن با اهمیت قلمداد می‌گردد.

۴. مفرغ‌های قابل تاریخ‌گذاری لرستان و کرمانشاه، عنوان کتابی است که پیتروکالمایر تألیف نموده و محمد عاصمی آن را در سال ۱۳۷۶ ترجمه و منتشر نموده است. این کتاب یکی از منابع ارزشمند در زمینه تاریخ‌گذاری اشیای و ابزار مکشوفه از مکان‌های باستانی خصوصاً غرب ایران می‌باشد که با تلاش نویسنده و اهتمام او به بررسی و

تحلیل و نقد گاه نگاری ها و تاریخ گذاری های انجام شده در زمینه ابزار مکشوفه پرداخته است.

۵. کتاب «مفرغ لرستان» نوشته فرید قاسمی در سال ۱۳۷۵ منتشر شده است. در این کتاب به تاریخچه، ویژگی ها، و نمونه اشیای مکشوفه از گورستان های منطقه اشاره شده است. محتوای کتاب از نظر معرفی اشیای فلزی عصر آهن اهمیت دارد.

۶. هنر فلزکاری در ایران، عنوان کتاب است که محمد تقی احسانی در سال ۱۳۶۸ تألیف و منتشر نموده است. بخشی از مطالب این کتاب به عصر آهن و اشیای مکشوفه اختصاص یافته است.

۷. ایلام، تاریخ و هنر، عنوان کتابی است که میراث فرهنگی و گردشگری ایلام در سال ۱۳۸۴ منتشر کرده است. کتاب تصویری است و به معرفی تعدادی از آثار شاخص مکشوفه از مکان های باستانی اختصاص یافته است.

۸. خانم یانامدود سکایا در کتاب «ایران در عصر آهن ۱ که به وسیله علی اکبر وحدتی در سال ۱۳۸۳ ترجمه شده، اطلاعات ارزشمندی در مورد گاه نگاری عصر آهن و تداوم سنت سفالی عصر آهن ۱ و مفرغ متأخر ارائه نموده است. او با معرفی آثار مکشوفه از گورستان های غرب ایران به گاه نگاری این دوره پرداخته است.

مطالعات باستان شناسی چوار

براساس بررسی های باستان شناسی که توسط هیأت بلژیکی به سرپرستی پروفیسور لویی واندنبرگ، سرپرست هیأت بلژیکی در پشتکوه انجام شده است، این شهرستان دارای گورستان های باستانی متعددی است که مهم ترین آن ها در مناطق چمژمومه، ورکبود، سر کبود، بان سرمه، و.... مورد کاوش قرار گرفته و متعلق به عصر آهن، مخصوصاً آهن III هستند. واندنبرگ به عنوان سرپرست هیأت باستان شناسی ایران و

بلژیکی، تعداد زیادی از گورستان‌های این منطقه را مورد حفاری و کاوش قرار داد. این گورستان‌ها عبارتند از:

- گورستان «چم‌ژی مومه»^{۱۳} در سال ۱۹۷۵-۱۹۷۴ کاوش گردیده است. تعداد گورهای حفاری شده ۷۹ مورد بوده است.

- گورستان «چم سؤل» چوار^{۱۴} نیز در محدوده‌ی چم ژیه واقع شده و هم‌زمان با چم ژیه، ۳ گور از این گورستان حفاری شده است.

- گورستان بان سرمه^{۱۵} در شهرستان چوار واقع شده، و در سومین فصل کاوش‌های هیأت بلژیکی در سال ۱۹۶۷ مورد حفاری قرار گرفته است. از گورستان A، ۱۴ قبر و از گورستان B، ۱۸ قبر حفاری شده است. گاه‌نگاری‌ها آثار برنزی این گورستان را متعلق به ۲۵۰۰-۲۶۰۰ ق. م نشان می‌دهد.

- گورستان‌های «کال نِسار» روستای چگا از توابع چوار، در سال ۱۹۶۸ مورد کاوش قرار گرفته است. در گورستان A، ۱۱ گور؛ B، ۲ گور؛ C، ۱۸ گور؛ و در گورستان D این منطقه ۶ گور مورد کاوش قرار گرفته است. گاه‌نگاری شناسه‌های فرهنگی منطقه ۲۴۰۰ تا ۲۷۰۰ ق. م را نشان می‌دهد.

- گورستان «بان ساؤل» چوار در ناحیه «میر» نیز از جمله گورستان‌هایی است که در سال ۱۹۷۴ به وسیله هیأت بلژیکی مورد حفاری قرار گرفته است.

- در روستای «چنان» چوار، گورستان‌های «بان پلنگ» و «تاتول بان» در سال ۱۹۶۷ مورد حفاری قرار گرفت. در بان پلنگ، ۲ گور مورد کاوش قرار گرفت.

-
- 1- Chamezhiya Muma
 - 2- Cham-e Sawl
 - 3- Ban-e Sorma

- گورستان «وَرکبود/ وَرکُو» ر، نیز از جمله محوطه‌های عصر آهن می‌باشد که در سال ۱۹۶۶-۱۹۶۵ حفاری شده است. در این گورستان، ۲۰۰ گور مورد کاوش قرار گرفته است. گاه‌نگاری انجام شده، آخرین تمدن این دوره را قرون ۷ و ۸ قبل از میلاد اعلام نموده است.

- گورستان «سَرکبود» چوار در سال ۱۹۶۸-۱۹۶۷ حفاری شده، و مجموعاً ۳۶ گور در این محوطه مورد کاوش قرار گرفته است.

- در گورستان «گل خان مرده منطقه چوار، هیأت بلژیکی- ایرانی موفق شدند، ۸۰ گور را مورد کاوش قرار دهند.

- گورستان «تَجْریان»^{۱۶} چوار که در فاصله ۱۰ کیلومتری مرکز این بخش واقع شده، در سال ۱۹۶۷ مورد کاوش قرار گرفته و جمعاً ۱۴ گور در این محوطه حفاری شده است.

با توجه به موارد مطرح شده در مورد حفاری‌ها و کاوش‌های باستان‌شناسی در منطقه چوار، می‌توان اظهار نمود که تلاش‌های هیأت باستان‌شناسی ایران و بلژیک با وجود محدودیت‌های زمان کاوش، بسیار گسترده و ارزشمند بوده است، اما منطقه چوار به دلیل شرایط مطلوب جغرافیایی، اقلیم مناسب، منابع آب و پوشش جنگلی، دارای موقعیت مطلوب استقرار در ادوار مختلف بوده است؛ به همین جهت، محوطه‌های متعدد دیگری در منطقه وجود دارد که هیأت به دلایلی امکان بررسی آن‌ها را نداشته است. محوطه‌های بان حاجی، بان سرو، پشت‌قلعه، منطقه چکر بولی^{۱۷} و ده‌ها محدوده

2-Tadjarîân

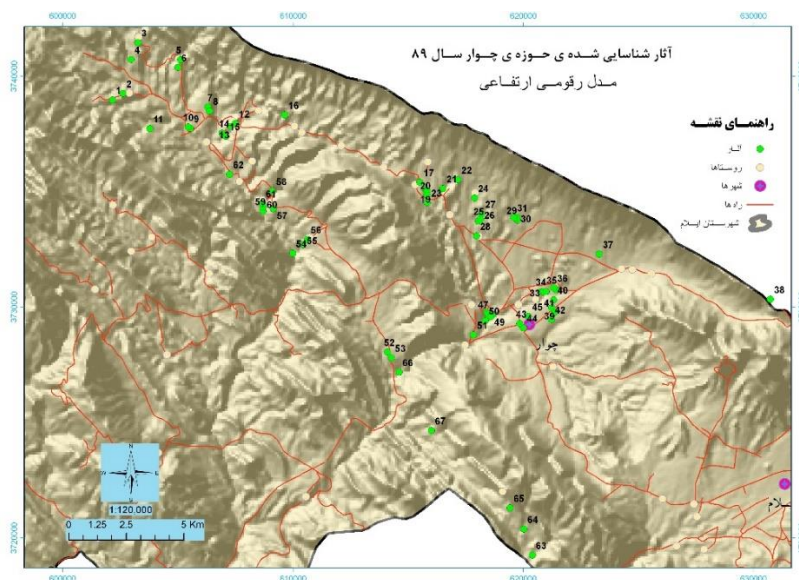
17-Chakar-e Bawli

باستانی دیگر در شهرستان چوار می‌تواند در شناسایی عصر آهن یا ادوار فرهنگی دیگر راه‌گشا باشد (محمودیان، ۱۳۹۲، ۷۲).

تلاش‌های باستان‌شناسی

- در سال ۱۳۸۸ بررسی‌های باستان‌شناسی حوزه میمک به سرپرستی حجت دارابی انجام گرفت. در واقع حوزه بررسی تنها به منطقه میمک محدود نشد، بلکه یک گستره مکانی با مساحت تقریبی ۳۰۰ کیلومتر مربع را پوشش داده که به صورت طولی و با جهت شمال غربی - جنوب شرقی در امتداد مرز عراق را شامل می‌شود. این گستره طولی حدفاصل دو رودخانه تلخاب شمالی در حد شمال غربی و چم سرخ در حد جنوبی شرقی و در منطقه (درگ وان) در غرب شهر صالح آباد را در بر گرفته است که از غرب به مرز کشور عراق و از شرق نیز به کوه‌های گچ، نخلستان سرنی و کوه خلیفه محدود می‌شود (دارابی، ۱۳۸۹: ۵-۶). در نتیجه تعداد ۱۳ محوطه با نهشت‌های باستانی از دوره پارینه سنگی قدیم تا دوره اسلامی متأخر شناسایی شده است (دارابی و همکاران، ۱۳۹۰، جدول ۸).

- در سال ۱۳۸۹ حبیب‌الله محمودیان نیمه شرقی دهستان ارکوازی در بخش چوار را مورد بررسی و شناسایی باستان‌شناسی قرار داد. در این بررسی در مجموع ۶۵ اثر و محوطه از دوره‌های مختلف مفرغ تا اسلامی شناسایی و ثبت شده است (محمودیان، ۱۳۹۰). به نظر او بیشتر سایت‌های کشف شده گورستان‌های برجای مانده از زندگی کوچ‌نشینان منطقه بوده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد استقرار های یکجانشینی در این محدوده جغرافیایی در عصر آهن بسیار اندک بوده است.



محوطه های باستانی چوار، بررسی و شناسایی منطقه چوار (محمودیان، ۱۳۹۰)

- در جدیدترین مطالعات در منطقه، در زمستان ۱۳۹۴ منطقه چوار شامل: دهستان بولی و نیمه غربی دهستان ارکوازی مورد بررسی باستان شناسی قرار گرفت. در این بررسی تعداد ۸۰ اثر باستان شناسی مورد مطالعه قرار گرفت (مظاهری، ۱۳۹۵).

- در جریان ۱۵ سال بررسی و کاوش های گسترده هیأت باستان شناسی بلژیکی در منطقه پشتکوه، اطلاعات و آگاهی های گسترده ای در مورد دوره های مختلف باستان شناسی منطقه حاصل گردید. هدف اصلی بررسی های هیأت باستان شناسی بلژیکی به سرپرستی پروفیسور لویی واندنبرگ، کشف گورستان ها بود، هرچند که به سایر آثار تاریخی، مانند: چهارتاقی ها، امام زاده ها، نقوش صخره ای و غیره نیز توجه داشتند. ثبت و ضبط روشمند و جستجو برای محوطه های استقرار از اولویت های آن ها نبود (اورلت، ۱۳۹۲: ۲۳).

- با وجود این، بی تردید پروفیسور لویی واندنبرگ منسجم‌ترین و گسترده‌ترین مطالعات باستان شناسی را در منطقه پشtkوه انجام داده است. واندنبرگ در ادامه مطالعات باستان شناسی خود در مورد ایران، به عصر مفرغ، خصوصاً فرهنگ غنی و ناشناخته مفرغ لرستان، که آثار و اشیای آن از سال ۱۹۲۸ میلادی به موزه های دنیا و موزهی ایران باستان راه یافته بود، دل بسته و برای حل معمای مفرغ های لرستان، از سال ۱۹۶۵ م. به لرستان پشtkوه (ایلام فعلی) روی آورد و کار بررسی و کاوش مستمر و روشمند خود را تا سال ۱۹۷۹ م. ادامه داد و به همراه یک هیأت کامل و مجهز در محوطه‌ها و گورستان‌های متعلق به این فرهنگ، این کار را دنبال نمود (موسوی، ۱۳۷۴: ۷۳). در نتیجه کاوش‌ها و بررسی‌های گسترده هیأت باستان شناسی بلژیکی در منطقه پشtkوه، بین سال‌های ۱۹۶۵-۱۹۷۹ م. مدت ۱۵ فصل طول کشید (haerinck & 2002-163, overlaet). دوره ۷ (عصر آهن III) در گورستان‌های ورکبود، سرکبود، چوار، تجریان، گرخای و شله شوری وجود داشت که همگی آن‌ها فقط در اوایل عصر آهن III تعلق دارند (یانامدودسکایا، ۱۳۸۳، ترجمه علی اکبر وحدتی).

حبیب‌الله محمودیان (۱۳۹۱) در کتاب دوران طلایی برنز در زاگرس غربی، نوشته است: در یک تقسیم بندی در گذشته تأکید می شده، عصر آهن I به دوره ی زمانی ۱۲۵۰/۱۲۰۰-۱۰۰۰ ق.م. تاریخ گذاری شده است. بعد از این مرحله، آغاز عصر آهن I به قبل از ۱۴۵۰ یا حتی ۱۵۰۰ ق.م. منتسب می شد (یانامدودسکایا، ۱۳۸۳: ۳۹).

سفال عصر آهن

سفال در عصر آهن نیز اهمیت داشته‌اند. ظروف سفال غیر منقوش به دو رنگ خاکستری - سیاه نخودی، مشخصه‌ی عصر آهن I است. برای تولید ظروف سیاه رنگ، پخت سفالینه‌ها در درجه حرارت بالایی انجام می گرفته و در پی آن در کوره

دود ایجاد می‌شد. این رنگ در اکثر محوطه‌ها رنگ اصلی است. به استثنای تعداد بسیار اندکی از سفالینه‌های عصر آهن، تمام آن‌ها از مجموعه‌های تدفینی به دست آمده و به همین دلیل عموماً سالم باقی مانده است. یانامدودسکایا (۱۳۸۳) در کتاب ایران در عصر آهن، نوشته است: کالریانگ در درجه‌ی اول سفالینه‌ها را فقط از دیدگاه شباهت‌ها مطالعه کرد و به تفاوت‌های حاصل از تنوع بومی آن‌ها توجه نکرد. او به رابطه کمی سفالینه‌هایی که مقایسه کرد، اعتنا نکرد. با تمام این کاستی‌ها ظروف سفالین در دوره‌های مختلف آهن طبقه بندی شده‌اند. ظروف را براساس کلی‌ترین ویژگی‌های شکلی به دسته‌هایی تقسیم کرده‌ایم که جز مورد دسته دوم، این ظروف بر مبنای وجود لوله تقسیم بندی شده است». برای نمونه سفالینه‌های عصر آهن به ۸ دسته تقسیم شده است (یانامدودسکایا، ۱۳۸۳: ۴۶-۴۷).

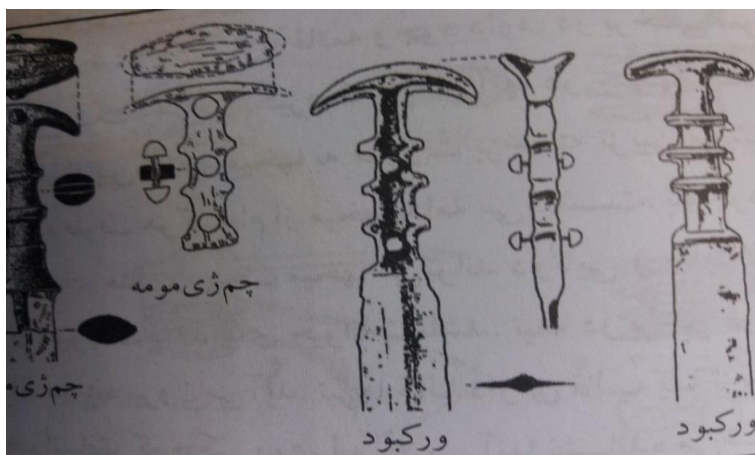
استفاده از آهن در پشتکوه

استفاده از آهن در پشتکوه، از عصر آهن I شروع شده و اهمیت رو به رشدی به دست آورده است. با این حال، در عصر آهن III بود که سلاح‌ها به طور عموم از آهن ساخته شدند. از آنجا که تکنولوژی قالب‌گیری آهن تا زمان‌های خیلی متأخرتر پیشرفت نکرده بود، هم‌چنان مفرغ تا عصر آهن II و III آلیاژ اصلی در قالب‌گیری‌های تزئینی مورد استفاده بود (moorey, 1994, p.264) و اشیای محلی مانند سرعلم‌ها (idol)، دسته‌های چاقو تیزکن و سرتبرهای ته میخی هم‌چنان از مفرغ و با تکنیک موم گمشده ساخته می‌شدند. گرچه نمونه‌های تزئینی از آهن چکش‌کاری شده نیز وجود داشته است. دستبندها و دشنه‌های تزئینی آهنی باسره‌های انسانی ریش دار و سرهای شیر به خوبی شناخته شده است (moory, 1991; muscarlla, 1989). سرعت و گسترش تولید آهن به عنوان جایگزین مفرغ ارتباط مستقیمی به پیشرفت

تکنولوژی تولید آهن دارد که می‌تواند موضوعات مطالعات مختلفی باشد، اما کمبود اشیای آهنی بدون تاریخ گذاری دقیق، فهم آن را دشوار می‌کند (plainer, 1969; 1989; pigott, 1980). به نظر می‌رسد این روند در ایران نسبت به بین‌النهرین که منابع تاریخی در باره آن موجود است، تفاوت زیادی نداشته باشد. چیزی که ثابت شده این است که استفاده از آهن حداقل چند قرن پیش از قرن ۱۳ ق.م. بوده است. تولید آن‌ها در مقیاس عظیم نبود، اما تقریباً یکی از اقلام استثنایی بود که به عنوان هدایای سلطنتی تبادل می‌شده است.

(Maxwell-hyslop, 1974, p. 140-142; plainer, 1969, p.70-85). فقط در عصر آهن III بود که سلاح (دشنه ها، تبرها، سرنیزه ها) و ابزارها (تیشه ها) به طور یک‌دست از آهن ساخته می‌شدند (wanden berghe, 1987, p. 231). شروع آهن در پشتکوه ظاهراً با بین‌النهرین منطبق است. از مجموعه ۱۴۳ شیء آهنی به دست آمده از عصر آهن I و II فقط ۲۲ عدد آن‌ها سلاح است. بیشتر آن‌ها به عنوان جواهر مورد استفاده بوده اند..... (Boehmer&dammer, 1985.p64, tef.151; 67). در گورستان‌های پشتکوه مانند دروند ب، که گذر از عصر آهن b II به آهن III را نشان می‌دهد، سرپیکان‌ها هنوز از مفرغ ساخته می‌شدند و تنها از آهن III به بعد است که غالباً از آهن ساخته می‌شوند. این امر حاکی از آن است که از این موقع به بعد آهن در دسترس همگان قرار گرفته و معنای ارزشی و فاخر بودن خود را از دست داده است و در چنین بافتی است که می‌توان ناپدید شدن جواهرات آهنی را در عصر آهن III شاهد بود..... تمامی سلاح‌های تیغه دار گورهای عصر آهن I و II چاقو و خنجرند. طول کلی آن‌ها هیچ‌گاه بیشتر از ۴۴ سانتی متر نیست. این اندازه با طول دشنه‌های آهنی گورهای عصر آهن III که به بیشتر از ۶۸/۵ سانتی متر می‌رسد،

تفاوت آشکاری دارد (چم ژی مومه : haerink& overlaet; 1998,p. 18-20, ill.7, pl.50). قبضه‌های عصر آهن III معمولاً سه برآمدگی حلقوی مانند روی قبضه دارند و چهار فرو رفتگی را برای انگشتان مهیا می‌سازند. قسمت مستطیلی مجاور تیغه که انگشت سبابه روی آن قرار می‌گرفت، ناپدید می‌گردد و در این حالت انگشت سبابه روی دندان‌های اضافی قرار می‌گیرد. با کاوش‌های تیم باستان شناسی بلژیک در پشتکوه ثابت شد که در عصر آهن III، برای تولید تیغه‌ها، فلز آهن به طور کامل جایگزین مفرغ شد...» (برونو اورلت، ۱۳۹۲: ۲۶۷-۲۶۸).



خنجرها و شمشیرهای گورهای عصر آهن III از پشتکوه (برگرفته از: هرینیک و اورل، ۱۹۸۸، تصویر ۳۶؛ ورکبود و چم ژی منتشر شده (برونو اورلت ۱۳۹۲: ۲۶۷).

اشیای تدفینی عصر آهن

در دوران آهن، رایج‌ترین نظریه در باره جنس اشیای تدفینی قبل از گروه بندی آنها لازم است. این موارد شامل: ظروف سفالی، مروارید و برنز برای ساختن سلاح‌های تشریفاتی، دکمه‌های زینتی و تجملاتی و آهن برای ساختن سلاح و وسایل جنگی، فلزات گران‌بها مانند طلا و نقره برای ساختن دکمه‌های زینتی و سنگ‌های نسبتاً گران

بها برای ساختن گردنبند می باشند. قبرستان‌های عصر آهن III ویژگی‌هایی دارند که طبق آن از آن برای ساختن اشیاء کاربردی نظیر سلاح و وسایل جنگی و از برنز برای اشیاء ارزشمند مانند سلاح‌های تشریفاتی و دکمه‌های زینتی و تشریفاتی و ظروف تجملاتی و تزئینی استفاده می‌شد. به همین ترتیب، دسته، دکمه، میخ‌های شمشیرها و خنجرها اغلب از جنس برنز هستند. در صد اشیاء برنزی نسبت به کل اشیاء تدفینی در ورکبود حدود ۲۷/۷ درصد، در چم‌ژی مومه ۳۴/۷ درصد، در جوب گوهر ۱۹/۸ درصد، و در سرکبود ۲۴/۵ درصد می‌باشد. اشیاء آهنی در ورکبود ۲۱/۸ درصد، در چم‌ژی مومه ۲۲/۲ درصد، در جوب گوهر ۲۲/۵ درصد و در سرکبود ۱۳/۸ درصد کل اشیاء می‌باشد. مهم‌ترازین، نسبت اشیاء برنزی نسبت به اشیاء آهنی است. در ورکبود ۵۱/۱ درصد برنز و ۴۸/۹ درصد آهن، در چم‌ژی مومه ۶۰/۹ درصد برنز و ۳۹/۱ درصد آهن، در جوب گوهر ۴۶/۸ درصد برنز و ۵۳/۲ درصد آهن و در سرکبود ۶۳/۹ درصد برنز و ۳۶/۱ درصد آهن استفاده شده است. باتوجه به نتایج فوق، جوب گوهر تنها قبرستان عصر آهن III از نوع ورکبود می‌باشد که مواد آهنی آن نسبت به برنز بیشتر است (واندبرگ، ۱۳۸۰: ۶۵-۶۴).

ویژگی‌های گورستان‌های عصر آهن

واندبرگ براساس موادی از گورستان‌ها به دست آمده، برای متمایز کردن عصر آهن قدیم از دوره ی قبل از آن، پنج ویژگی را برشمرده است؛ وی می نویسد:

۱. در این دوره (عصر آهن)، دیگر اجساد در زیر کف خانه‌ها دفن نمی‌شد؛ گورستان‌های خارج از محوطه مسکونی ایجاد شد که کمی از استقرارگاه فاصله داشت. بعدها این استقرارگاه‌ها مبدل به مراکز جمعیتی بارو دار شد.

۲. به طور کلی معمولاً گورها سنگی بود (به غیر از خورویین).

۳. بخش بزرگی از مجموعه اشیای تدفینی ظروف سفالین بود که با سفالینه‌های دوره قبل کاملاً فرق داشت. این ظروف دیگر منقوش نبود؛ بلکه به رنگ خاکستری - سیاه بود. ظروف لوله دار شکل مشخصه این دوره است.

۴. در گورها به غیر از سفال، اشیای فلزی وجود داشت که ابتدا (در عصر آهن I - مدودسکایا) از مفرغ بودند.

۵. مشخصه این دوره ظهور سبک جانورنگاری است (ظروفي به شکل حیوانات - جزئیات اسباب و لوازم خانگی) (bib. No. 201pp.41-42). (برونو اورلت، ۱۳۹۲: ۹۸). با این وجود گورهای عصر آهن III دارای سربیکان‌های فلزی بیشتری نسبت به نمونه‌های سنگ چخماق هستند و تعداد گورهایی که دارای ابزارهای سنگی هستند، بسیار اندک است. این قضیه را می‌توان به ثروت مادی بیشتر عصر آهن III که آن را در افزایش اشیای تجملی مانند ظروف فلزی و جواهرات نیز می‌توان دید، تفسیر کرد.

نقشه باستان شناختی پشتکوه (ایلام فعلی) در عصر آهن III

دوره بندی این گورستان‌ها به حل یکی از مهم‌ترین وظایف این هیأت باستان شناسی، یعنی تاریخگذاری و ریشه‌یابی مفرغ‌های لرستانی کمک مؤثری کرد. برای نخستین بار در جریان حفاری‌های علمی گورستان‌ها، مقدار انبوهی اشیای مفرغی به دست آمد. هیأت بلژیکی کوشید تا مفرغ‌های اصیل لرستانی، یعنی اشیائی که در خارج از لرستان وجود ندارد و اشیای ساده‌ای که در لرستان ساخته یا پیدا شده است. اگر مفرغ‌های گروه دوم به آغاز هزاره سوم ق.م تاریخگذاری شده، «مفرغ‌های ویژه لرستانی» فقط آن‌هایی است که ساخت‌شان از سده ۱۲ ق.م آغاز شده و بین سده‌های ۹ و ۷ ق.م به اوج خود می‌رسد (bib.no. 202. P p.71-75؛ یانامدود سکایا، ۱۳۸۳: ۳۶).

گورستان های مورد مطالعه

گورستان تجریان ۲: این مکان باستانی از شرق به مسیل و تپه ماهورهای بخش شرقی تجریان، از جنوب به رودخانه تنگ حمام، از شمال به ارتفاعات مورت و از غرب به تأسیسات پالایشگاه گاز منتهی می شود. این گورستان در فاصله ۵۰۰ متری از شرق گورستان تجریان واقع شده است و تأسیسات پالایشگاه گاز با فاصله ۱۰۰۰ متری در غرب آن قرار گرفته و در قسمت غرب آن مسیلی می گذرد. گستردگی حفاری های غیر مجاز در سال های اخیر بسیار گسترده و قابل تأمل است به طوری که در این گورستان بیش از ۱۵۰ حفاری غیرمجاز صورت گرفته است. حفاری های غیز مجاز معماری گور در این مکان تاریخی را نمایان ساخته است. بهره گیری از سنگ در ساخت دیوارهای جانبی و استفاده از سنگ های یکپارچه که بر روی سطح گور قرار می گرفت از مشخصات معماری این گورستان می باشد. عمق برخی حفاری ها به بیشتر از یک متر می رسید، جهت قبور شرق - غرب بود، ابعاد این گورستان شمالی - جنوبی ۳۰۰ متر و شرقی - غربی ۱۵۰ متر وسعت داشت. زیرساخت آن رسی بود. گورستان تجریان چوار در سال ۱۹۶۷ مورد کاوش هیأت باستان شناسی ایران و بلژیک قرار گرفته و جمعاً ۱۴ گور در این محوطه حفاری شده است. سفال های بسیار زیادی از عصر آهن که غیر منقوش بودند به دست آمد. علاوه بر سفالینه تعدادی آجر ضخیم و نیز دو تکه کوچک فلز احتمالاً برنز نیز به دست آمد. سفال مهم ترین شناسه فرهنگی سطح اثر را تشکیل می دهد. در جریان بررسی و شناسایی این گورستان تعداد ۹ نمونه سفالینه که اکثراً چرخ ساز بودند انتخاب و مشخصات آن ها در جداول مربوطه ارایه شده است. شاموت سفالینه ها شن ریزه و تمام نمونه های برداشت شده پخت کافی داشتند. رنگ بیرونی نمونه برداشت شده، نارنجی و نخودی و مواردی از آن ها رنگ

خاکستری داشتند. نقوش تزینی خاصی بر سطوح سفالینه مشاهده نشد. گاه نگاری اولیه نشان می‌دهد که این اثر متعلق به عصر آهن است.



گورستان تجریان (محمودیان، ۱۳۸۹)



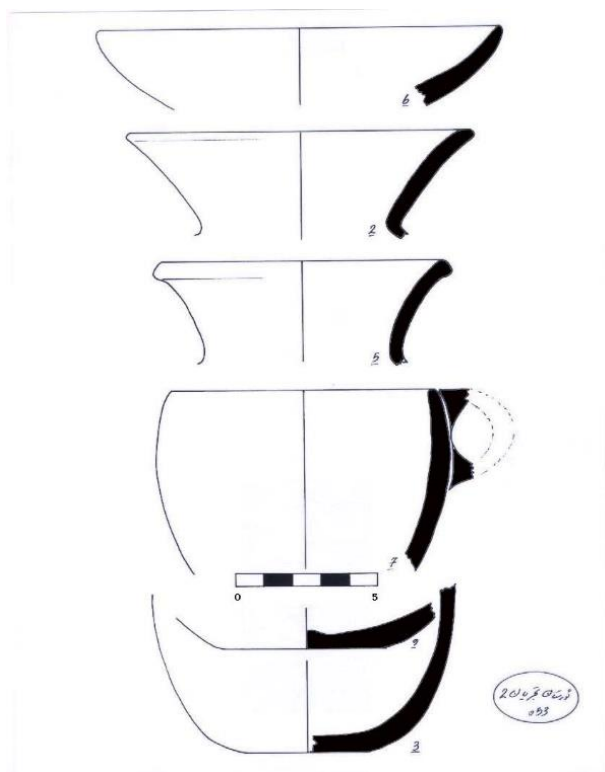
گورستان تجریان (محمودیان، ۱۳۸۹)

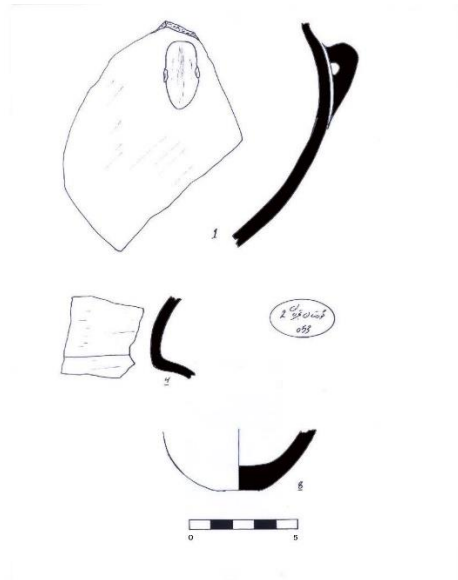


گورستان تجریان (محمودیان، ۱۳۸۹)



گورستان تجریان (محمودیان، ۱۳۸۹)





بررسی و شناسایی آثار تاریخی فرهنگی شهرستان ایلام

کاتالوگ یافته‌های سفالی گورستان تجریان ۲ حوزه جوار

نوع - فرم	تکنیک ساخت	شاموت	پخت	رنگ خمیره	پوشش داخلی	پوشش بیرونی
بدنه	چرخ ساز	شن ریزه	کافی	نارنجی	----	نارنجی
لبه	چرخ ساز	شن ریزه	کافی	نارنجی	----	نارنجی
کف	چرخ ساز	شن ریزه	کافی	نارنجی	----	نارنجی
بدنه	چرخ ساز	شن ریزه	کافی	نارنجی	----	نارنجی
لبه	چرخ ساز	شن ریزه	کافی	نارنجی	----	نارنجی
لبه	چرخ ساز	ماسه نرم	کافی	نخودی	----	نخودی
بدنه	چرخ ساز	شن ریزه	کافی	خاکستری	----	خاکستری
کف	چرخ ساز	شن ریزه	کافی	نخودی	----	نخودی
کف	چرخ ساز	شن و ماسه	کافی	نخودی	----	نخودی

گورستان ورکبود: این گورستان در میان دشت نسبتاً وسیع شمالی شهر چوار، در جنوب ارتفاعات کوه رنو و تپه‌های ماهوری ورکبود واقع شده است. رودخانه فصلی گله جار از حاشیه غربی اثر جریان دارد. جاده آسفالت چوار-ایوان و به فاصله ۵۰۰ غرب پاسگاه پلیس راه واقع گردیده است. در سال‌های ۱۹۶۵ تا ۶۶ یک هیأت بلژیکی به سرپرستی پروفسور واندنبرگ کار حفاری در این محوطه را با دو ترانشه بزرگ انجام داده است. در این دو ترانشه ۱۵۱ قبر مورد کاوش قرار گرفته است. این هیأت مطالعه کاملی در مورد معماری گورها، روش تدفین و مقایسه با دیگر گورستان‌های هم عصر و اشیا و ظروف به دست آمده انجام داده است. قبور در سطح محوطه تقریباً در کنار هم ایجاد شده‌اند. به نظر می‌رسد در ورکبود آثاری از پی یک دیوار، گورستان را به دو بخش تقسیم نموده است که در حال حاضر چنین دیواری دیده نمی‌شود. در مورد گورهای ساده، بیشتر از گورهای سنگی است. در این میان می‌توان گورهای زنان یا مردان و یا گورهایی با اشیای مختصر و فقیرانه یا ثروتمند را مشخص کرد. معمولاً گورها با یک کمر بند سنگی بیضی احاطه شده‌اند. در گورستان ورکبود قبرهایی از نوع گورهای گودالی و گورهای سنگی وجود دارد که هیچ کدام از این گورستان‌ها به طور انحصاری و اختصاصی از گورهای پر از خاک تشکیل نشده‌اند. تنها در دو گورستان ورکبود و جوب گوهر از این نوع قبور دیده می‌شود. نوع ورکبود از قبور سنگی تشکیل شده‌اند. این قبور مربوط به تدفین‌هایی می‌باشند که گور را تماماً از خاک پر کرده‌اند. بنای آن‌ها از قلوه سنگ یا سنگ فرش‌ها پوشیده شده بودند. در ورکبود گورهای پر از خاک دارای اکثریت هستند. گورهای تدفین سنگی چهار گوشه از بلوک‌های قلوه سنگ درشت که روی هر گوشه یک، دو و یا سه سنگ افقی از قلوه سنگ‌های نا منظم ریز واقع شده‌اند. قبرهای سنگی فرم ورکبود

از سنگ فرش پوشیده شده که به طور مستقیم روی دیواره گورها یا به عبارت بهتر روی یک سکوی سنگی صاف میانی قرار داده شده‌اند.



گورستان ورکبود، دید از جنوب

تدفین در ورکبود: بر اساس اطلاعات ارایه شده در گزارش‌های باستان شناسی، در ورکبود قبرها شامل بقایای استخوانی متلاشی شده‌ای بوده که چیزی از آن‌ها باقی نمانده بود. در ورکبود شمار معدودی از قبور حاوی دو اسکلت بوده که این موضوع بر این دلالت دارد که تدفین انفرادی بیشتر کاربرد داشته است. شیوه تدفین براساس نمونه استخوان‌هایی که در گورهای عصر آهن به دست آمده، باعث می‌شود به این نتیجه برسیم که اجساد به حالت جمع شده (جنینی) در حالی که دست‌ها جلوی صورت قرار گرفته و گاهی روی پهلوی راست و گاهی روی پهلوی چپ قرار داشته‌اند. سر آن‌ها معمولاً به طرف رودخانه و پاها به طرف کوه قرار داشت. قبور ورکبود پر از

خاک بوده که رسوباتی با ضخامت ۲/۷۰ متر از سطح گورستان را پوشانیده و قبور نامشخص می باشد (محمودیان، ۱۳۸۱:). گورها در فاصله ای کم از یکدیگر قرار دارند و طبق روش مشخص، گروه بندی شده اند. ساختمان گورها دو نوع است که عبارتند از: گودال های ساده در زمین و گورهایی که دیواره های آن ها از چندین ردیف سنگ ساخته شده اند. اجساد در حالتی جنینی یا به وضع خمیده همراه لباس و اشیای زینتی و اسلحه دفن شده اند (آی بید، ۱۶۴؛ فیروزمندی و عبدالهی: ۸۷).

تشخیص: دوره تاریخی گورستان ورکبود متعلق به عصر آهن و هم عصر گورستان های سرکبود، چم ژیه، لینگه گوری و جوب گوهر می باشند. در سطح گورستان ورکبود، قبور فراوانی حفاری غیرمجاز شده که نمونه قبور بر اساس نوشتار ذکر شده، برگرفته از گزارشات واندنبرگ بوده، تخته سنگی نسبتاً بزرگ از نوع سنگ های لاشه ای که روی قبور را با آن پوشانیده اند، در این مکان ملاحظه شد. گاه نگاری انجام شده آخرین تمدن این دوره را قرون ۷ و ۸ قبل از میلاد اعلام نموده است.

مواد فرهنگی: مواد فرهنگی به دست آمده شامل تکه سفال هایی از بدنه ظروف مختلف بوده که دارای خمیره قرمز با تمپر ماسه و بیشتر مربوط به پیاله ها، آبخوری ها و گلدان ها می باشند. اشیای داخل گورستان شامل اشیای فلزی و ظروف سفالین بوده است.

اشیای تدفینی: اشیای تدفینی داخل گورها مختلف و متنوع می باشند، و اشیای سفالی، مفرغی، آهنی، نقره ای، طلایی و سنگی را در بر می گیرد. ترکش های زیبا، گرزهای مفرغی، خنجرها، شمشیرها، تبرها، چاقوها و نوک های نیزه و نوک های پیکان از جنس آهن را شامل می شود. در مقابل گورهای زنان بیشتر اشیاهستند (همان: ۱۶۵؛ فیروزمندی و عبدالهی، ۸۸-۸۹). ظروف سفالی با جداره ضخیم، دست ساز، رنگ روشن و

خاکستری- قهوه‌ای می‌باشند. این گروه سفال عموماً بدون لعاب تولید شده‌اند (vandenbergh, 1968,b؛ همان: ۸۹). اشیاء آهنی: فلز آهن عموماً در تولید جنگ افزارهایی مانند: خنجر، شمشیر، نیزه‌ها، پیکان‌ها و تبرها در انواع ساده باتیغه مثلی، خنجرهایی با دسته میخ مفرغی و یک حلقه مفرغی و تبرهای ساده و دسته دار (آی باید- ۱۷۰).

اشیای زینتی: این گونه اشیاء بیشتر در گور زنان به دست آمده است: شامل انگشترها، دستبندها، حلقه‌های خلخال، سنجاق‌ها، دکمه‌ها و انواع سنجاق قفلی همراه سایر اشیاء توصیف کننده اواخر قرن هفتم و به ویژه اوایل قرن هفتم ق. م است. (vandenbergh, 1972,fig.2)، (فیروزمندی و عبداللهی، ۹۱-۹۲).

گورستان چم ژی مومه: این گورستان در فاصله ۴۸ کیلومتری شمال غرب مرکز استان ایلام واقع شده است. این محوطه در موقعیت ۳۲ درجه و ۴۳ دقیقه و ۵۰ ثانیه عرض شمالی و ۴۶ درجه و ۰۸ دقیقه و ۴۷ ثانیه طول شرقی واقع شده. ارتفاع این محل از سطح دریا ۷۳۹ متر است. عرض شمالی - جنوبی محوطه ۳۰۰ متر و طول غربی - شرقی آن ۵۰۰ متر و مساحت آن حدود ۱۵ هکتار است. در قسمت جنوبی گورستان رودخانه مومه بر بستر سنگی می‌گذرد و پس از گردشی در نزدیک گورستان وارد محوطه نسبتاً باز می‌شود. در فاصله یک کیلومتری گورستان در پیچش (چم) رودخانه، دهکده مومه قرار دارد. گورها در زیر رسوب خاک آبرفتی به ضخامت ۲/۵ متر قرار دارند (معتمدی، ۱۳۶۵: ۳۵). فصل اول حفاری در اکتبر ۱۹۴۷ انجام شد و ۳۹ گور مورد حفاری قرار گرفت. دومین فصل حفاری در اوت و اکتبر سال بعد ادامه یافت و ۳۷ گور مورد کاوش قرار گرفت (vandenbergh, 1977,54). محوطه و گورستان چم ژیه یکی از محوطه‌های متعلق به عصر آهن در حوزه چوار است که یکی

از مهم‌ترین استقرارگاه‌های عصر آهن در منطقه غرب را شامل می‌شود. در قسمت جنوب و جنوب غرب این گورستان تپه ماهورهایی بلند قرار دارد که به محوطه و گورستان مشرفند. به دلیل آب فراوان، سطح محوطه چم ژیه به صورت متناوب کشت آبی می‌شود. همان‌گونه که اشاره شد عمده‌ترین محصول کشاورزی این منطقه گندم و جو می‌باشد. معماری قبور این گورستان به صورت سنگ‌های خشکه چین است که به صورت مستطیل شکل و با قرار دادن چند تخته سنگ بزرگ بر روی قبر ساخته شده‌اند. سفال‌های به دست آمده از سطح محوطه دارای خمیره‌ای قرمز و نخودی با شاموت کاه، ماسه و شن ریزه است. در سطح این گورستان سرباره‌های فلز آهن مشاهده شد که وجود کارگاه‌های ساخت و پرداخت فلزات در محوطه‌های اطراف این گورستان دور از احتمال نیست. هرگور از سنگ‌هایی به صورت بیضی مانند که بین هفتاد تا سی سانتی متر بالای تخته سنگ‌های رویه گور قرار دارد، احاطه شده است. این کمر بند بیضی شکل ساخته شده از یک ردیف قطعه سنگ با گور محصور شده هم‌جهت می‌باشند. به نظر می‌رسد این ردیف سنگ نسبت به گورها متعادل‌اند (vandenbergh 1970, a66؛ فیروزمندی، عبداللهی: ۹۲-۹۳). مطالعات مقایسه‌ای نشان می‌دهد که گورستان چم ژیه مومه باید در نیمه دوم قرن هشتم و نیمه اول قرن هفتم ق.م تاریخ گذاری شود. سنجاق‌های مزین به حیوانات و دستبندهایی با سرهای حیوانی شکل، مطمئناً به عصر I و II تعلق دارند. سنجاق‌های تزئینی به وسیله دکمه‌ها جایگزین سنجاق قفلی می‌شود. ظروف لوکس مفرغی با تزئینات حکاکی شده مربوط به عصر آهن III و مختص چم ژیه مومه اند، می‌باشد. احتمالاً تنها در آغاز عصر آهن III است که قبایل ایرانی در پشتکوه لرستان نفوذ کرده و این نظریه با گسترش

سفال‌های خاکستری مایل به سیاه که پیش از این در منطقه وجود نداشت تأیید می‌شود (vandenbergh, 1977,63).

سفالینه چم ژی مومه: اکثر ظروف ساده‌اند و تزیینات شامل شیارهای ایجاد شده توسط ناخن، تزیینات مقطع و دکمه‌های افزوده می‌باشد. سفال‌ها با جداری ضخیم به رنگ قهوه‌ای ساده قهوه‌ای روشن، خاکستری و قهوه‌ای مایل به قرمز که با دست ساخته شده‌اند، فاقد لعاب گلی بوده و شکننده و ترد هستند. رایج ترین اشکال جام‌ها، کوزه‌ها، گلدان‌ها یا نیم‌رخ مدور و یا دوزبانه مقطع عمودی، قوری‌های نوک دار با دسته‌های جانبی و سبیدی، دارای پایه مدور و به ندرت صاف می‌باشند (vandenbergh, 1977,60-61؛ فیروزمندی، عبداللهیان،: ۹۵-۹۶). در گورستان چم ژیه مومه ظروف و فرم‌های سفالی جدید در بین اشیای تدفینی عصر آهن III ظاهر شد. ظروف شاخص، سفال‌های نخودی ظریف و به طور خاص ظروف خاکستری ظریف هستند. به نظر می‌رسد شکل‌های خاص جدید از الگوی نقوش ظرف باباجان III پیروی می‌کند. زیرا نه فقط در شکل بلکه الگوهای تدفینی نیز از الگوهای باباجان III تبعیت می‌کند. اما تفاوت‌های اساسی که بین دو منطقه وجود داشت، هنوز ادامه دارد....» (پژوهش‌های باستان شناسی مدرس، سال دوم و سوم، شماره ۴ و ۵، ۱۳۸۹-۱۳۹۰: ۱۵۱).

اشیای آهنی چم ژیه مومه: غیر از اشیای مفرغی در گورستان چم ژی مومه، اشیائی آهنی که از سختی خاص برخوردارند وجود دارد.

سلاح‌ها شامل: نوک پیکان، خنجر و انواع شمشیر (هلالی، دسته صلیبی، ساقه ای گرد) و تبرها با دسته چوبی و نوک‌های زوین‌ها همه به شکل ساده شبیه برگ‌های سدر می‌باشد (Vandenbergh, 1987,162). اشیای تدفینی گورستان چم ژی مومه شباهت

زیادی به اشیای تدفینی دیگر گورستان‌های عصر آهن III در لرستان دارند. این تشابه را می‌توان در گورستان ورکبود، گورستان سرکبود و سایر نقاط ایران هم‌چون گورستان حسنلو ۳ و ۴ ب نیز مشاهده کرد (فیروزمندی، عبداللهی، : ۱۰۲-۱۰۳). متأسفانه در سال‌های اخیر به دلیل حفاری‌های گسترده حفاران غیر مجاز، سطح محوطه و قبرستان به شدت مضطرب گردیده است که انجام اقدامات پژوهشی اضطراری و هم‌چنین حفاظت دائمی یکی از دغدغه‌های دوستداران میراث تمدنی این مرز و بوم است (خانزادی، ۱۳۸۶).

تپه باستانی بان سرمه A: تپه A از سمت غرب به روستای لاشکن از شرق و جنوب به رودخانه لاشکن (نامرو)، از شمال به تأسیسات پتروشیمی محدود می‌شود. این تپه در محدوده زمین‌های کشاورزی که به صورت مشاع در اختیار اهالی روستا قرار دارد واقع شده است. ابعاد تپه، شمالی جنوب ۱۰ متر - شرقی غربی ۱۰ متر محاسبه شده است. در قسمت مرکزی و رأس تپه حفاری غیرمجاز صورت گرفته است. سطح تپه دارای زیرساخت شنی - رسی و اطراف این محوطه را جنگل‌های بلوط در بر گرفته است.

یافته‌های سطحی: سفالینه به تعداد محدود و پراکنده در سطح این محوطه (تپه) ملاحظه شد. در جریان بررسی و شناسایی تپه باستانی بان سرمه A تعداد چهار قطعه سفال، ابزار سنگی و یک عدد شیشه برداشت و مورد مطالعه قرار گرفت. این مواد فرهنگی بجز یک مورد بقیه دست ساز بودند. شاموت آن‌ها شن ریزه، رنگ خمیره سفالینه‌ها خاکستری و نارنجی و پوشش خارجی اینگونه مواد، قهوه‌ای، خاکستری و نارنجی است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که مواد برداشت شده از پخت کافی برخوردار نبوده‌اند. نقش افزوده طنابی از تزیینات سفالینه این مکان باستانی است. گاه نگاری

اولیه نشانگر استقرار در دورهٔ برنز در این منطقه است. مشخصات کامل سفالینه این مکان باستانی در کاتالوگ مواد فرهنگی اثر ارایه شده است. همانطور که در آغاز این فصل بیان شد گورستان بان سرمه در منطقه چوار واقع شده و در سومین فصل کاوش‌های هیأت بلژیکی در سال ۱۹۶۷ مورد حفاری قرار گرفته است. از گورستان A ۱۴ قبر و از گورستان B ۱۸ قبر حفاری شده است. گاه نگاری‌ها آثار برنزی این گورستان را متعلق به ۲۵۰۰-۲۶۰۰ ق. م نشان می‌دهد. این نکته قابل ذکر است که هیأت بلژیکی از این مکان به عنوان گورستان یاد نموده است.



تپه بان سرمه A دید از غرب

یافته‌های تحقیق

عصر آهن یکی از مهمترین ادوار فرهنگی ناحیه ییشتکوه (شامل مناطق جنوب، غرب و شمال غرب کبیرکوه است. تقریباً تمام یافته‌های فرهنگی این دوره ییشتکوه از درون گورستان‌ها کاوش شده و منحصرأ یافته‌های تدفینی هستند. از این میان مهمترین

گورستان‌هایی که مورد کاوش قرار گرفته است. گورستان‌های چم‌ژی مومه، ورکبود، سرکبود، بان سرمه و تجریان در شهرستان چوار. تعداد گورهای عصر آهن III در پشتکوه و استقرار دو باره در محوطه‌های مسکونی در پشتکوه، افزایش قابل توجه جمعیت را نشان می‌دهد. اشیای تدفینی نیز تماس دوباره با فرهنگ‌های مجاور مثل ایلام در جنوب غربی و آشور در بین‌النهرین را نشان می‌دهد. یافته‌ها نشان می‌دهد مقطع زمانی عصر آهن III (حدود ۸۰۰/۷۵۰-۶۵۰ ق.م.)، بوده است. تعداد کمی از گورهای عصر آهن II در مقایسه با چند صد گور از عصر III پشتکوه شناخته شده اند، بنابراین دانش ما از مواد فرهنگی این دوره بسیار روشن‌تر است. معمولاً گورهای عصر آهن III انفرادی هستند. با این وجود گاهی گورهای بزرگ «زن و یک کودک یا بیشتر و حتی برای دو نفر و به طور استثناء برای ۳ تا ۴ نفر استفاده شده است. گورهای عصر آهن تنوعی از اشکال و اندازه‌ها را نشان می‌دهند. در عصر آهن III ساختار گورها در اندازه و اشکال مختلف هستند و گاهی تدفین خمره‌ای نیز دیده می‌شود. قبور به شکل چاله‌های ساده و گاهی نیز به صورت پوشیده با تخته سنگ هستند. شاخص‌های استفاده در گورستان‌های چم‌ژی مومه قبور در عمق ۱ تا ۲ متر است. در این عصر سفال خاکستری ظریف و سفال نخودی ظریف از ظروف شاخص در این دوره تخمین تراکم شهری را نشان می‌دهد. یکی از مهم‌ترین مجموعه‌های تدفینی مکشوفه از این قبرستان‌ها ابزارهای ساخته شده از آهن، مانند خنجر با ابعاد و اندازه‌های گوناگون و نیز سفال‌های ساده نخودی و اشیای زینت آلات زنانه هستند. ضمن این که اجساد درون گورها چنان از هم پاشیده شده اند که قابل شناسایی نیستند، مگر از روی بعضی اشیای درون قبور که از روی آن می‌توان تا حدودی آن را از یکدیگر تشخیص داد. بنابراین، با توجه به اینکه در این نواحی از پشتکوه هیچ گونه

استقراری تا کنون شناخته نشده است. از این رو، قبرستان‌های عصر آهن، مخصوصاً عصر آهن III بهترین دلایل و مدارکی باشند در جهت شناخت پشتکوه از لحاظ جمعیت و تجزیه و تحلیل آن که تا کنون تحقیق و مطالعه جامعی در مورد آن انجام نشده است. اهداف این تحقیق بررسی و تجزیه و تحلیل جمعیتی پشتکوه در عصر آهن III بوده است که از یافته‌های تدفینی در قبرستان‌های چم ژی مومه، ور کبود، بان سرمه، سر کبود، در چوار براساس وجود احتمالی اسکلت موجود در قبور، نوع قبور، ادوات و ابزارها و زینت آلات زنانه و مردانه و نوع سفال‌ها و بالاخص تعداد زیاد قبور در این گورستان‌ها مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته است. به نظر می‌رسد با توجه به هم زمانی حملات آشوریان به پشتکوه و مناطقی از زاگرس و نواحی غربی و جنوب غربی و پایتخت ایلام در عصر آهن، مخصوصاً آهن III اقوامی کوچ نشین از آشوریان در آن ایام در پشتکوه حضور داشته و در حالت کوچ بوده اند. بنابراین، بخشی از یافته‌های فرهنگی مکشوفه از قبرستان‌های این ناحیه نشان دهنده ارتباط نزدیک آن‌ها با میان رودان است و به نظر می‌رسد مردمی که در این محل‌ها به صورت کوچ نشینی در تردد بوده‌اند به خاطر دفن اموات خود چنین قبرستان‌هایی را ساخته شده‌اند و از روی اشیای تدفینی و نیز اسکلت‌هایی که در بعضی قبور وجود داشته، می‌توان آن‌ها را از هم تشخیص داد. وجود این قبرستان‌ها در ناحیه پیشکوه، (مناطق جنوب، غرب و شمال کبیرکوه و قبور موجود در آن‌ها از دوران آهن I و II و سپس افزایش این گونه قبور در دوران آهن III در مجموع تجمعی از قبور در این عصر بوده و خود نیز نشان از اهمیت پشتکوه برای مهاجران و حضور جمعیت بیشتری از کوچ نشینان در این منطقه در دوران حملات و هجوم آشوری‌ها به نواحی پشتکوه دارد. شرایط جغرافیایی منطقه پشتکوه (پوشش جنگلی و مرتعی، منابع آب و اقلیم مناسب) مورد

توجه کوچ نشینان در دوره های ماقبل دوران آهن III و استمرار حضور مهاجران نیز از جمله علل مهاجرت و حضور آشوریان به این نواحی از پشتکوه است.، که این مهم بیش از هر چیز دیگر سبب افزایش جمعیت کوچ نشینان در این مناطق در دوران آهن III گردیده تا هر چه بیشتر بتوانند بر معادن و ذخایر طبیعی منطقه پشتکوه (ایلام فعلی) دست یابند و این محل را نسبت به مناطق دیگر به مراتب بهتر و سهل الوصول تر و قابل دسترسی و راحت تر از هر جای دیگر برای زندگی کوچ نشینی و نیز حفظ جان و مال خود بدانند. بنابراین دوره پایانی آهن، هم زمان یا آهن III کاملاً مشخص است و در حقیقت این دوره یک زیر دوره مشخص در پشتکوه است (overlaete, 2003). با این توصیف توانسته ایم تا حدودی به تجزیه و تحلیل جمعیت پشتکوه در عصر آهن III پردازیم.

مقایسه گورستان های عصر آهن در چوار

در قبرستان چواره ۱ قبرهای چهار چینه ای با دیواره ساخته شده از لاشه سنگ ورقه ای به صورت چینه و به صورت مستطیل و راست گوشه ساخته شده روی آن را با تخته سنگ پوشیده این قبرستان نیز به صورت شرقی و غربی شمال جنوبی ساخته شده و جهت خاص در آن رعایت نشده است مواد فرهنگی به دست آمده شامل خمره هایی با نقش طنابی و سفال های لبه تخت به دست آمده است آن قبرستان از نظر معماری قبور قابل مقایسه با قبرستان های بردبل، جوب گوهر، چم ژیه که توسط هیأت بلژیکی حفاری شده اند می باشد .

آمار گورهای عصر آهن III

هر چند که گورستان هایی هنوز در دل خاک پنهان مانده اند و احتمالاً ناشناخته هستند و یا دوران آن ها به عصر آهن III مورد تردید و اختلاف نظر کارشناسان می باشد. ولی

آن چه که در اسناد و گزارشات علمی باستان شناسی از چند دهه اخیر استنباط می گردد، آماری است از روی مستندات باستان شناسی که به آن ها اشاره گردیده است. بنابراین، چنین آماری می تواند ما را به هدف نزدیک تر نموده و از روی آن تجزیه و تحلیلی از ساختار جمعیت مناطق یاد شده در عصر آهن III داشته باشیم. قبرستان هایی با قبوری از نوع ور کبود معمولاً در قسمت شمال غربی پشتکوه واقع شده اند و به طور مشخص در مناطق ایلام، چوار و ایوان ۴۱۸ گور حفاری شده است.

قبرستان ور کبود، چوار، تعداد ۱۵۱ گور در دو تراشه در سال های ۱۹۶۵-۱۹۶۶ میلادی. همچنین ۵۰ گور در حفاری های غیر قانونی دست آمده که در مجموع ۲۰۱ گور می شود.

قبرستان چم ژی مومه، چوار ۷۶ گور در تراشه های سال های ۱۹۷۴-۱۹۷۵ م. همچنین ۵ گور در بیرون از تراشه ها به دست آمد که در مجموع ۸۱ گور می شود. در قبرستان سر کبود، چوار، ۳۳ گور در تراشه ۱۹۶۸ م و ۳ گور در خارج از تراشه که در مجموع ۳۶ گور می شود.

گورستان تجریان، شهرستان چوار، تعداد ۱۴ گور در سال های ۱۹۷۴ و ۱۹۷۶ و در بعضی قبرستان ها که به طور غیر قانونی حفاری شده بودند فقط می توانستیم چند گور را باز کنیم. در سایر گورستان های شهرستان چوار تعداد ۱۶ گور مورد کاوش قرار گرفته است. تمام گورستان هایی که بررسی شده اند در نزدیکی نهر آب و اغلب در مجاورت رودخانه ها قرار دارند.

در نتیجه: از محوطه های مورد اشاره جمعاً ۴۱۸ گور مورد کاوش قرار گرفته است. به نظر می رسد آمار یاد شده کاملاً دقیق نباشد و آمار کمتر یا بیشتر از این تعداد باشد. ولی تفاوت قبرستان ها و تعداد قبور نشان از آن دارد که کدام منطقه تقریباً به صورت

نسبی بیشتر از مناطق دیگر دارای محوطه و قبور از عصر آهن است که می تواند در تجزیه و تحلیل تحولات جمعیت پشتکوه در عصر آهن III باشد. به نظر می رسد، احتمالاً تعدادی از قبرستان های عصر آهن III تا کنون شناسایی نشده اند و یا از نظر باستان شناسان به دور مانده اند. احتمال دارد بعضی از محوطه ها در طی دوران آن دوران، یعنی از عصر آهن تا به امروز در زیر رسوبات و لایه های خاک ناشی از رانش زمین، سیلاب ها و عوارض طبیعی مخفی مانده اند. این احتمال وجود دارد که در بعضی از قبرستان های عصر آهن I و II آثاری از قبور عصر آهن III وجود داشته باشد که به نظر می رسد این تعداد قبور در ساختار جمعیتی مناطق مورد نظر قابل توجه باشند.

ارزیابی مناطق پشتکوه در عصر آهن III

با توجه به بررسی ها، مطالعات و کاوش های انجام گرفته در عصر آهن پشتکوه توسط گروه های باستان شناسی داخلی و خارجی، مخصوصاً در منطقه چوار و مناطق دیگر پشتکوه، چنین به نظر می رسد. در منطقه چوار، مخصوصاً در نواحی ورکبود، چم ژی مومه، سرکبود و پشت کبود، محوطه های باستانی این منطقه، دارای قبوری به مراتب کم تر از چوار، از عصر آهن III باشند.

رابطه بین متوفی و اشیاء در گورها

آن چه که برای بیشتر قبرستان های عصر آهن III اهمیت دارد در میان اشیای تدفینی ملاحظه می کنیم که سفال، کمتر گویای جنسیت یا موقعیت متوفی است. در واقع هیچ سفال چه از نظر تکنیک و چه از نظر شکل نتوانست مشخص کند که اسکلت متعلق به یک مرد یا یک زن است. ما فقط مشاهده می کنیم که گلدان های حیوان مانند تنها در گورهای مردان و گلدان های جفتی و سه تایی فقط در گورهای زنان به دست آمده

است. هنگامی که اشیای یک قبر شامل وسایل و سلاح هایی نظیر گرزها، سپرها، تیردان ها و کلاه خودها باشد حق داریم تأیید کنیم که این اشیای مربوط به قبر یک مرد و مخصوصاً یک مرد جنگجو می باشد. در مقابل اگر در قبری اشیای زینتی، سنجاق های موی سر و لباس، سنجاق قفلی، حلقه های مربوط به بینی، حلقه های قوزک پا و گردن بندها وجود داشته باشد، معلوم است که این اشیا باید از آن یک زن باشند، ضمن این که وجود گوشواره ها و دست بندها کمتر مشخص کننده این مطلب است؛ زیرا ملاحظه می شود گاهی در قبور مردان اشیای زینتی زنانه یافت می شود؛ برای نمونه گوشواره هایی در ورکبود در «گورهای ۱۵۲ و ۱۶۵» و در چم ژی مومه در «گورهای ۲۱ و ۳۷» در گورهای مردان پیدا شده که مؤید این مطلب است.

موقعیت گورستان ها و منابع آب

قبرستان ورکبود، رودخانه لشکان در شهرستان چوار؛

قبرستان چم ژی مومه، رودخانه جلال کله دولک شاخه ای از رودخانه مومه در شهرستان چوار؛

قبرستان سرکبود: یک نهر فصلی که به رودخانه گلال رود در نزدیکی قبرستان می ریزد.

قبرستان بان پلنگ: رودخانه گلال رود.

قبرستان چم چول: رودخانه گلال رود.

قبرستان بان کله: رودخانه جلال کله دولک.

به طور کلی می توان گفت: منطقه مورد مطالعه در عصر آهن III به دلایل زیر شاهد تحولات افزایش جمعیت بوده است :

موقعیت جغرافیایی، اقلیم معتدل کوهستانی، نزولات جوی مطلوب زاگرسی، برای زندگی انسان در این منطقه مناسب ارزیابی می گردد. تعدد گورستان ها تأیید کننده

تراکم و افزایش جمعیت در این دوره بوده است. پوشش جنگلی و مرتعی شرایط مناسبی برای استقرار زندگی کوچ نشینی در عصر آهن III فراهم ساخته است. کشف اشیا و ابزار فلزی در گورستان های این دوره نشانگر تحول در ذوب فلزات و ساخت اینگونه ابزار بوده است. وجود جنگ ابزارهای مختلف متعدد و متنوع نشانگر افزایش جمعیت در این عصر و نیاز به برقراری امنیت در جوامع انسانی بویژه مهاجران بوده است.

محدودیت ها: شرایط کرونایی موجب شده دسترسی به منابع کتابخانه ای و نیز بازدید از مکان های باستانی مورد مطالعه نداشته باشیم. از این رو، مطالعه شواهد و شناسه های مکان های باستانی در راستای بازنگری و مطالعه بیشتر امکان پذیر نبوده و صرفاً مطالعه اسناد کتابخانه ای به صورت محدود استفاده شده است. مطالعه مراکز اسناد و یافته های باستان شناسی نیز تحت چنین شرایطی امکان پذیر نبوده است. بنابراین، این محدودیت مانع دستیابی به اطلاعات جدید بوده است.

پیشنهادهای کاربردی

– وزارت میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری نسبت به حفاظت و حراست از سایت های باستانی منطقه که بخشی از تاریخ، تمدن و هویت ایران زمین است اهتمام بیشتری مبذول دارند.

– رسالت دانشگاه ها و مراکز علمی در جهت انجام پژوهش های علمی و معرفی اینگونه آثار در جهت تقویت هویت ملی ایران مورد تأکید است.

منابع و مآخذ:

- اورلت، برونو؛ (۱۳۹۲)، عصرآهن اولیه در پشتکوه لرستان، چاپ اول، مترجمان: دکتر کمال الدین نیکنامی، دکتر امیرساعد موجشی، تهران: انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی.
- اورلت، برونو (۱۳۸۹-۱۳۹۰)، عصرآهن اولیه در پشتکوه لرستان، ترجمه اردشیر جوانمرد زاده، پژوهش باستان شناسی مدرس، سال دوم و سوم، شماره ۴ و ۵.
- احسانی، محمد نقی؛ (۱۳۶۸)، هنر فلزکاری در ایران، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- پیتر، کالمایر؛ (۱۳۷۶)، مفرغ‌های قابل تاریخ‌گذاری لرستان و کرمانشاه، چاپ اول، ترجمه دکتر محمد عاصمی، تهران: انتشارات معاونت معرفی و آموزش سازمان میراث فرهنگی.
- رزم‌آرا، علی؛ (۱۳۲۰)، جغرافیای نظامی ایران، پشتکوه، تهران.
- درخشنده، صید محمد؛ (۱۳۷۳)، ایلام، عروس زاگرس، چاپ اول، تهران: انتشارات ایران.
- دارابی، حجت و [همکاران]؛ (۱۳۹۰)، بررسی و شناسایی حوزه میمک، بخش صالح آباد مهران، ایلام: اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری (منتشر نشده).
- سکایا، یانامدود؛ (۱۳۸۳)، ایران در عصر آهن ۱، ترجمه علی اکبر وحدتی، تهران: پژوهشکده باستان شناسی سازمان میراث فرهنگی، چاپ اول.
- سهرابی، محمد؛ (۱۳۷۶)، لرستان و تاریخ قوم کاسیت، خرم آباد: انتشارات افلاک.
- طلایی، حسن؛ (۱۳۷۴)، باستان شناسی و هنر ایران در هزاره اول ق.م، تهران: انتشارات سمت.
- غضنفری، حسین و فرزین، علی؛ (۱۳۷۶)، لرستان در گذر تاریخ، چاپ دوم، تهران: سازمان میراث فرهنگی.
- فیروزمندی، بهمن، عبدللهی، مصطفی؛ (۱۳۸۴) مقاله، فرهنگ تدفین در لرستان (نیمه اول هزاره اول ق.م)، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران.

— فهیمی، سیدحمید؛ (۱۳۸۱)، فرهنگ عصر آهن در کرانه های جنوب غربی دریای خزر، سمیرا.

— فصل نامه فرهنگ ایلام (۱۳۸۸)، شماره گان ۲۲ و ۲۳، مقاله دکتر حبیب الله محمودیان، تمدن و فرهنگ منطقه چوار، در دوران مفرغ.

— سکایا، مدود، ۱۳۸۳، ایران در عصر آهن I، ترجمه ی علی اکبر وحدتی.

— قاسمی، سیدفرید؛ (۱۳۷۵)، مفرغ لرستان «تاریخچه، ویژگی ها، نبوده ها و نمونه ها»، ج ۱، خرم آباد: نشر پیغام.

— کالامبر، پیترو (۱۳۷۶)، مفرغ های قابل تاریخ گذاری لرستان و کرمانشاه، ترجمه محمد عاصمی، میراث فرهنگی کشور.

— موسوی، علی، و اندنبرگ: باستان شناسی بزرگ، مجله باستان شناسی و تاریخ شماره ۲، بهار و تابستان ۱۳۷۳، ماه هشتم.

— محمودیان، حبیب الله؛ (۱۳۷۷) راه ها و معابر باستانی غرب زاگرس در دوران پارت و ساسانی، نشر سبز رویش، تهران.

.....؛ (۱۳۷۷)، بررسی آثار برنزی ایلام و لرستان در هزاره اول ق.م. ایلام: انتشارات سبز رویش.

.....؛ (۲۰۱۰) بررسی آثار برنزی مکشوفه از گورستان ها و محوطه های باستانی غرب ایران، معروف به برنز لرستان، رساله دکتری. دانشگاه ملی ارمنستان.

.....؛ (۱۳۹۱)، دوران طلایی برنز در زاگرس غربی (با نگاه ویژه به استان ایلام)، چاپ اول، ایلام: انتشارات زاگرو.

.....؛ (۱۳۸۵)، مقدمه ای بر باستان شناسی و آثار تاریخی ایران پیش از اسلام، چاپ اول، ایلام: انتشارات گویش.

-؛ (۱۳۹۰)، بررسی و شناسایی باستان‌شناسی حوزه چوار، ایلام: اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان ایلام (منتشر نشده).
-؛ (۱۳۸۱)، گزارش شناسایی و مستند سازی آثار حوزه شمالی استان، ایلام: اداره کل میراث فرهنگی استان.
-؛ (۱۳۸۹)، بررسی گورستان‌های مورد مطالعه، گورستان تجریان، چوار.
- ملک شه میرزادی، صادق؛ (۱۳۹۰)، بین‌النهرین در دوران پیش از تاریخ.
- خداکرم مظاهری؛ (۱۳۹۹)، یادداشت‌های آموزشی درمورد عصر آهن ۳، بازگویی از کتاب باستان‌شناسی و هنر، هزاره ق.م. نوشته حسن طلایی (۱۳۹۸)، چاپ سیزدهم.
-؛ (۱۳۹۵)، گزارش فصل سوم بررسی و شناسایی باستان‌شناسی شهرستان ایلام، بخش (حوزه فرهنگی - تاریخی بولی و ارکوازی)، ایلام، آرشیو میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان ایلام.
- معتمدی، نصرت (۱۳۶۵)، آیین تدفین در لرستان در هزاره اول پیش از میلاد، باستان‌شناسی و تاریخ، سال اول، شماره ۱.
- مرادی، ابراهیم، عبداللهی، مصطفی (۱۳۸۰)، ترجمه مقاله پروفیسور واندنبرگ (فرهنگ ایلام، ۴۹-۵۰)،
- میراث فرهنگی و گردشگری ایلام (۱۳۸۴)، ایلام، تاریخ - هنر.
- مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران (بی تا)، مقاله، فرهنگ تدفین در لرستان (نیمه اول هزاره اول ق.م. فیروزمندی، بهمن، عبداللهی، مصطفی).
- واندنبرگ، لویی؛ (۱۳۴۸) کاوش‌های باستان‌شناسی ایران، ترجمه عیسی بهنام، انتشارات دانشگاه تهران.
- واندنبرگ، لویی، کاوش‌های باستان‌شناسی در پشتکوه لرستان، مجله باستان‌شناسی و هنر ایران، شماره ۶، بهار ۱۳۵۰، وزارت فرهنگ و هنر.

بررسی ویژگی های معماری سنتی شهر باستانی صیمره

مهندس آزاده محمودیان^{۱۸}

چکیده

شهر تاریخی صیمره در منطقه زاگرس غربی و در محدوده استان ایلام واقع شده است. بررسی های تاریخی و نقشه راه ها و جاده های باستانی نشان می دهد، این منطقه در حد فاصل پایتخت های بزرگ دنیای باستان چون: شوش، هگمتانه و تیسفون واقع شده است. بررسی های باستان شناسی نشان می دهد بخش هایی از بقایای سازه های معماری شهر شامل: منازل مسکونی، خانه اربابی، بنای معروف به مسجد، بازار و... از دوره تاریخی و قرون اولیه اسلامی برجای مانده است. تعدد و تنوع آثار و ابنیه باستانی در این محدوده جغرافیایی نشان گر عظمت و اقتدار تمدن و فرهنگ این سرزمین در دوره تاریخی و قرون اولیه اسلامی می باشد. شهر صیمره در دوره تاریخی و قرون اولیه اسلامی به دلیل موقعیت جغرافیایی، اقلیم مطلوب، جریان رودخانه سیمره، کوهستان کبیرکوه و قرار گرفتن در مسیر ارتباطی میان رودان و فلات مرکزی دارای اهمیت بوده است. از جهتی به دلیل موقعیت مکانی و نیاز به ارتباط مستمر بین مراکز جمعیتی در ادوار باستان، پل های متعددی بر روی رودخانه های منطقه ایجاد گردیده که شاید منطقه را از نظر تراکم پل های تاریخی از نقاط مهم باستانی جهان به شمار آورد که از نظر الگوی معماری دارای ویژگی های خاصی هستند. در این مقاله تلاش شده ضمن معرفی شهر صیمره، مشخصات معماری این شهر تاریخی مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد.

واژگان کلیدی: کشکان، ایل راه، صیمره، سیروان، خانه اربابی، راسته بازار.

^{۱۸۱۸} - دانش آموخته مهندسی معماری، مدرس دانشگاه

مقدمه: نواحی کوهستانی غرب ایران به دلیل شرایط خاص جغرافیایی و واقع شدن بین فلات مرکزی و جلگه میان رودان از معابر مهم دنیای باستان قلمداد می گردد. این موقعیت موجب شده تا منطقه در دوران مختلف در مسیر تبادل و تهاجم فرهنگ ها و تمدن ها قرار گیرد و جاذب جمعیت شود. چون منطقه در مسیر وزش توده های هوایی غربی و شمال غرب واقع شده؛ لذا، از نزولات جوی مناسب برخوردار است. این شرایط اقلیمی باعث شده تا رودهای مهم و پرآبی چون: سیمره، کشکان، کارون، دز، و... از دامنه های غرب و جنوب غربی زاگرس سرچشمه گرفته و به سمت دشت ها و جلگه های حاصلخیز جنوب و جنوب غربی ایران امتداد یابد. جریان این رود خانه ها عامل آبادانی منطقه در دوران مختلف بوده است. این شرایط موجب شده شهرها و مراکز مهمی در این منطقه ایجاد شود. بررسی های باستان شناسی نشان می دهد که منطقه از نظر تعدد اینگونه آثار و الگوهای معماری دارای اهمیت می باشد. با توجه به نقش بسیار مهم ارتباطی این گونه سازه ها در تحولات تاریخی و تمدنی منطقه، با وجود چاپ و انتشار کتب و مقالات مختلف، تلاش شده از منظری دیگر وبا تفصیل بیشتر مقوله معماری شهرهای باستانی و سبک سازه های ایجاد شده در این محوطه ها مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد. شهر تاریخی صیمره در جوار شهر دره شهر فعلی در استان ایلام و نزدیکی رودخانه سیمره مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است. پیشنهاد مطالعات تاریخی و باستان شناختی، الگوهای معماری، بخش های مختلف شهر تاریخی، مصالح بنای شهر و همچنین شواهد و شناسه های مکشوفه در کاوش های باستان شناسی از جمله نکات مورد توجه در این طرح مطالعاتی بوده است.

بوم شناسی منطقه

فلات ایران با قرار گرفتن در منطقه معتدل شمالی کره زمین و موقعیت خاص خود نقش پل ارتباطی شرق و غرب را در قاره اوراسیا ایفا کرده است. رشته کوه‌های عظیم، دشت‌های داخلی و کناره‌ای، تنوع پوشش گیاهی و جنگلی، اقلیم‌های متنوع، آب‌های روان و زیرزمینی، شرایط ویژه‌ای برای استقرار و زندگی انسان فراهم آورده است. زاگرس در غرب فلات ایران و دره‌های میان کوهی آن، به دلیل شرایط جغرافیایی مطلوب پناهگاه و سکونت گاه مهم انسان در دوران مختلف بوده است. در محدوده کوهستانی غرب زاگرس دو عارضه مهم جغرافیایی دیده می‌شود که از نظر بررسی تمدن‌ها و اقوام و نیز راه‌ها و پل‌های ارتباطی این منطقه مهم تلقی می‌شوند. این دو پدیده عبارتند از: رود سیمره (کرخه و شعبات آن) و دیگری سلسله ارتفاعات کبیر کوه که به دلیل اهمیت این پدیده‌ها در ایجاد شرایط خاص برای ایجاد شهرها و سکونتگاه‌ها. در این ناحیه کوهستانی، معابر و راه‌های منطقه‌ای در دنیای گذشته از این دره‌ها و دشت‌های میان کوهی عبور کرده است؛ این منطقه از آب و هوا و اقلیم مطلوبی برخوردار می‌باشد. میزان نزولات جوی، منابع آب و رودخانه‌ها، پوشش جنگلی و مرتعی، دشت‌های حاصلخیز حاشیه‌ای از پدیده‌های مهم این منطقه جغرافیایی است. رودخانه سیمره و شعبه‌های مختلفی که از ناحیه کوهستانی شمال ایلام و دره‌های شرقی کبیر کوه به آن وارد می‌شوند، از مهم‌ترین رودهای غرب ایران و شاه‌رگ حیاتی آبادانی و استقرار و ایجاد تمدن‌های بزرگ در منطقه به شمار می‌آید. مبادلات تجاری و ارتباط فرهنگی بین اقوام و ملت‌ها در دوران پیش از اسلام و توسعه و گسترش بلاد اسلامی در قرون اولیه اسلامی از طریق این منطقه صورت پذیرفته است و بعد از اسلام راه‌ها و معابر این محدوده جغرافیایی، بیشترین نقش را

در فرایند ارتباطی ایران و سرزمین عراق داشته است. البته، نقش غرب ایران در گسترش تجارت بین مردم بین النهرین جنوبی و مناطقی کوهستانی فلات ایران ... جایگاه مهمی دارد (هول، ۱۳۸۷: ۱۳). اسم قدیم آن «اوکنو» و نزد یونانیان کواسپس، سرچشمه اصلی سیمره با نام «گاماسه» یا «گاماسباب» یا «گاومیشه» از دامنه‌های غربی الوند و از منطقه نهانند می‌باشد و در جهت شرق به غرب با گذشتن از کنگاور، صحنه و بیستون به کرمانشاه می‌رسد. این رود در کرمانشاه، شعبه قره‌سو را (که از ناحیه کامیاران سرچشمه گرفته) دریافت می‌کند و با نام «سیمره» وارد محدوده شرق استان ایلام می‌شود. سپس، جهت رودخانه از شمال شرقی به جنوب غربی تغییر یافته و مرز دو استان ایلام و لرستان را تشکیل می‌دهد. سپس با نام کرخه وارد خوزستان می‌شود (محمودیان، ۱۳۹۰: ۴۳). پل‌های تاریخی مهمی مانند پل بیجنوند، پل گاومیشان و چم نمشت در محدوده استان ایلام روی این رودخانه ایجاد شده است.

موقعیت جغرافیایی

شهرستان دره‌شهر در بخش شرقی استان با مساحتی حدود ۹۲۰ کیلومتر مربع در آبرفت‌های سیمره، کنار ویرانه‌های شهرتاریخی سیمره و در دو سوی مسیر رودخانه دره‌شهر واقع شده است. مرکز آن شهر دره‌شهر است از سطح دریا ۷۰۰ متر ارتفاع دارد. این شهرستان از شمال به شهرستان بدره، از شرق به استان لرستان و از غرب به شهرستان آبدانان محدود است. دره‌شهر چهار راهی بوده که از شرق و جنوب به موازات کبیرکوه تا پل دختر، شوش و خرم‌آباد و از غرب و شمال غربی با شهرهای باستانی سیروان، الرذ و سپس از این طریق با بین النهرین ارتباط داشته است. براساس آخرین تقسیمات کشوری، این شهرستان دارای دو بخش مرکزی و ماژین و چهاردهستان می‌باشد. بخش ماژین از شمال و شرق با استان لرستان و از جنوب با

شهرستان دهلران هم جوار می‌باشد. وجود آثار تاریخی و محوطه‌های باستانی، به دلیل شرایط مطلوب اقلیمی و جغرافیایی به ویژه رودخانه‌پر آب سیمره است که به موازات کبیرکوه جریان دارد. دره شهر و ماژین شهرهای این شهرستان اند (محمودیان، ۱۳۹۵: ۱۴۸).

وجه تسمیه: شهر فعلی دره شهر در حاشیه شهر باستانی صیمره واقع شده است. نام صیمره به خاطر جریان رودخانه‌پر آب و تاریخی سیمره است؛ اما در رابطه با واژه دره شهر باید گفت: چون شهر در دره‌ای از دره‌های کبیرکوه ایجاد شده؛ به نام دره شهر معروف گردیده است. ابن اثیر در مقدمه کتاب اخبار ایران از صیمره یاد کرده و نوشته است: سائب بن اقرع از طرف ابو موسی متوجه صیمره - مهرجان قذق شد و پس از فتح آنجا با مردم صلح نمود (ابن اثیر، ۱۳۶۵: ۲۴۵).

ویژگی‌های طبیعی

این شهرستان به عنوان بخشی از کوهستان زاگرس شامل دو منطقه اقلیمی است. ارتفاعات بخش غربی (کبیرکوه) و منطقه پست بین دویدیده طبیعی کبیرکوه ورود خانه سیمره است. این ویژگی‌ها بر اقلیم منطقه تأثیر گذار بوده است. کبیرکوه در غرب شهرستان و در حد فاصل این شهرستان و آبدانان امتداد دارد. بخش‌های عمده‌ای از مناطق کوهستانی دره شهر را جنگل‌های متراکم بلوط و گونه‌های دیگر پوشش داده است. دره شهر از نظر کشت محصولات کشاورزی اهمیت دارد. کوهستان کبیرکوه به صورت دیواری بلند و نفوذ ناپذیر در بخش غربی این شهرستان امتداد دارد و بر آب و هوای منطقه اثر گذاشته است. بنابراین، شهرستان دره شهر دارای دو ناحیه آب و هوایی است. مناطق کوهستانی از آب و هوای معتدل کوهستانی برخوردار است و منطقه پست شرقی دارای زمستان‌های معتدل و تابستان‌های نسبتاً گرم می‌باشد. رودخانه

سیکان نیز ازدامنه کبیرکوه سرچشمه گرفته و پس از طی مسافتی کوتاه درشرق کبیرکوه به سیمره می‌پیوندد. رودخانه ماژین ازجمله رودهای شهرستان دره شهر می‌باشد که دربخش ماژین جریان دارد وبه سیمره می‌ریزد. ازدامنه‌های شمال شرق وشرق سلسله جبال کبیرکوه چشمه‌های متعددی سرچشمه گرفته‌اند. دردامنه‌های شرقی این رشته‌کوه، دره‌ها و ناهمواری‌های کم ارتفاعی به موازات رشته اصلی کبیرکوه امتداد یافته است زمین‌های کم وسعت ومحدوده واقع درحد فاصل این دورشته موازی را پشته گویند. این پشته‌ها در سرتاسر دامنه‌های شمال شرقی ومشرق کبیرکوه به چشم می‌خورند که اکثر آنها در امتداد دره‌ها ورودها دارای آثار با ارزش تاریخی است. به علت وجود این آثار و دیگر مراکز تمدنی درحد فاصل رود سیمره ورشته کوه کبیرکوه احتمال دارد بیشتر راه‌های باستانی درسطح بالاتری از جاده‌های امروزی در پشته‌ها ایجاد شده باشند.

موقعیت اقتصادی: دشت دره‌شهر از دشت‌های میان کوهی استان ایلام است که به لحاظ حاصلخیزی خاک وآب کافی از شرایط مناسب اقتصادی برخوردار است. به دلیل وجود زمین‌های حاصلخیز ومنابع آب کافی کشاورزی دراین شهرستان رونق دارد. پمپاژ آب از رودخانه سیمره موجب شده تا زمین‌های حاشیه این رودخانه زیرکشت محصولات جالیزی قرارگیرد. هر سال مقدار قابل توجهی محصولات جالیزی وغلات ازاین زمین‌ها تولید می‌شود که به شهرهای پیرامونی در استان‌های هم جوار صادر می‌گردد. در مزارع روستاهای دره شهر ضمن کاشت برنج، گندم و جو، محصولات صیفی نیز به دست می‌آید. اکثر مردم این شهرستان به کشاورزی ودامداری اشتغال دارند. در سال‌های اخیر با ایجاد شهرک‌های صنعتی شرایط برای توسعه صنعت فراهم شده است.

موزه باستان شناسی: این موزه در محل بقایای شهر تاریخی صیمره و در بخش غربی شهر دره شهر تأسیس شده است. این موزه موقعیت باستان شناختی استان را نشان داده است و دارای بخش های مختلفی است.

پیشینه تاریخی و باستان شناختی صیمره

وسیع ترین و بارزترین مجموعه تاریخی مورد مطالعه در این منطقه شهر تاریخی صیمره (دره شهر فعلی) است که در دامنه کبیرکوه واقع شده است. این شهر در کنار ویرانه های شهر باستانی منسوب به صیمره از شهرهای دوره ساسانی ساخته شده است. رودخانه دره شهر از وسط این شهر می گذرد و پس از طی مسافتی حدود چهار کیلومتر به صیمره می ریزد. ویرانه های دره شهر و برخی تپه ها و قلعه های محدوده این شهرستان به وسیله هیأت های باستان شناسی بررسی و شناسایی شده و چند فصل حفاری و کاوش در این شهر انجام شده است. این شهر باستانی به عنوان یک اثر ملی مورد توجه سازمان میراث فرهنگی و گردشگری کشور قرار گرفته و بسیاری از جغرافی نویسان اسلامی، مورخان و سیاحان از وضعیت شهر باستانی صیمره و موقعیت آن مطالبی نگاشته اند که به طور اختصار به آن ها اشاره می شود. مؤلف کتاب اخبار ایران می نویسد: صیمره در سال ۲۱ هجری به وسیله سائب بن اقرع فتح شد. این مطلب گویای این موضوع است که این شهر در صدر اسلام دارای اهمیت بوده و لشکریان اسلام پس از فتح دینور و شیروان متوجه این شهر شده اند (ابن اثیر، ۱۳۶۵: ۲۴۵) بلادزی نیز جریان فتح صیمره و مهرجان قدق را به وسیله سائب بن اقرع که از جانب ابو موسی اشعری به این دیار اعزام شده بود، تأیید می کند (بلادزی، ۱۳۶۴: ۶۷). کامبخش فرد به نقل از مقدسی در مورد خرابی صیمره بر اثر زلزله در سال ۲۵۸ هجری و تلف شدن ۲۵ هزار نفر خبر می دهد (کامبخش فرد، ۱۳۶۸: ۶۲). در کتاب

جغرافیای نظامی پشتکوه آمده است که: صیمره یکی از شهرهای بزرگ دوره سلاطین ساسانی بوده است (رزم آرا، ۱۳۱۸): ایزدپناه می نویسد: «در خرابه های دره شهر که بازمانده یک شهر زمان ساسانیان است آثار چهار راه ها، کوچه ها و معابر آن نظم ویژه ای را که در شهر سازی این دوره معمول بوده، نشان می دهد.» (ایزدپناه، ۱۳۶۳: ۴۶۹) راولینسون در سفرنامه خود می نویسد: «در صیمره ساختمان ها به هم فشرده نیستند و از این رو مسیر خیابان ها، بازارها، محل کاروان سراها و عمارات به خوبی آشکار است» (راولینسون، ۱۳۶۲: ۶۵). سر اورل استین ویرانه های دره شهر را از آثار دوران ساسانیان معرفی می کند. عبدالله قوچانی در مقاله خود می نویسد: صیمره شهری است معروف که در قدیم جزء جبال بوده است. در این مقاله تصویر دو سکه نقره متعلق به صیمره که در سال های ۳۹۳ و ۳۹۶ هجری ضرب شده، چاپ شده است (قوچانی، ۱۳۷۳: ۵۳). ساکی می نویسد: «دژی متعلق به هرمزان آخرین حاکم عهد ساسانیان در صیمره قرار داشت و هرمزان گاهی در صیمره اقامت می کرده است.» (ساکی، ۱۳۴۳: ۲۶۳). از جمله کسان دیگری که در مورد دره شهر اظهار نظر کرده اند می توان از: مقدسی، ابن خرداد، ابن فقیه، ابودلف مسعر، یاقوت، اصطخری، ابن واضح و ابن الاثیر نام برد. وجود مراکز جمعیتی و سکونتگاه های مهم در ادوار مختلف تاریخ و نیاز به ارتباطات، موجب شده تا پل های متعددی بر روی رودخانه های مسیر ایجاد گردد. برخی از مهم ترین پل های باقیمانده بر روی رودخانه صیمره از دوره تاریخی و قرون اولیه اسلامی عبارت اند از: پل جایدور، پل گاومیشان، پل چم نمشت و پل بیژنوند. در فاصله ۲۰۰ متری جنوب پل گاومیشان، آثار پلی باستانی ملاحظه می شود که احتمالاً دارای قدمت بیش تری است. در فاصله دو کیلومتری از شهر صیمره آثاری از بناهای باستانی دیده می شود. پی این بناها که از سنگ و گچ ساخته شده

هنوز باقی است. در این محوطه پل معروف چم نمشت «چم آب برده» از ادوار باستان برجای مانده که عامل عمده ارتباط این منطقه و ناحیه طرحان در شرق رودخانه سیمره است. به نظر می‌رسد راه باستانی شوش به پل دختر و سیمره از جمله شاهراه‌های باستانی باشد. دلیل این ادعا وجود ده‌ها اثر باستانی در منطقه از جمله: پل عظیم گاومیشان بر روی سیمره و آثار ویرانه‌های پایه پلی دیگر در ۲۰۰ متری این پل می‌باشد.

کاوش‌های باستان شناسی

در سال‌های اخیر هیأتی به سرپرستی معتمدی به دره شهر اعزام شده است. این هیأت در ویرانه‌های دره شهر دو فصل حفاری انجام داده است. هم‌چنین، از سال ۱۳۷۵ هیأت دیگری به سرپرستی لک‌پور یکی از بناهای دره شهر را مورد حفاری قرار داده است. فعالیت این هیأت تا اسفندماه ۱۳۸۳ ادامه یافته است. کشف یک عبادتگاه، خانه‌اربابی متعلق به حاکمان شهر، راسته بازار و برخی آثار دیگر از یافته‌های کاوش در این شهر تاریخی است. سکه‌هایی که در خرابه‌های دره شهر پیدا شده‌اند، به خسرو سوم و جانشینان او تعلق دارند. ابنیه موجود از آثار دوره اسلامی است. بر روی دیوار و طاق اتاق‌ها جملاتی چون: «محمد بن عبدالله... بن ک» با بهره‌گیری از گچ دیده می‌شود. احتمالاً این شهر در قرون اولیه اسلامی بر روی بقایای شهری از اواخر دوره ساسانی اجاد شده باشد (محمودیان، ۱۳۹۵: ۱۵۰).



نقشه دره شهر

مؤلف کتاب اخبار ایران نوشته است: صیمره در سال ۲۱ هجری به وسیله سائب بن اقرع فتح شد (ابن اثیر، ۱۳۶۵: ۲۴۵). این مطلب نشان می‌دهد که صیمره در صدر اسلام اهمیت داشته و لشکریان اسلام پس از فتح دینور و شیروان متوجه این شهر شده‌اند. بلادزی نیز جریان فتح صیمره و مهرجان قذق را به وسیله سائب بن اقرع که از جانب ابوموسی اشعری به این دیار اعزام شده بود، تأیید می‌کند (بلادزی، ۱۳۶۴: ۶۷). مقدسی در احسن التقاسیم در مورد خرابی صیمره به وسیله زلزله در سال ۲۵۸ ه و تلف شدن ۲۵ هزار نفر خبر داده است (کامبخش فرد، ۱۳۶۸: ۶۲). در کتاب جغرافیای نظامی پشتکوه آمده است: صیمره یکی از شهرهای بزرگ دوره سلاطین ساسانی بوده است (رزم‌آرا، ۱۳۱۸:).



بقایای شهر باستانی صیمره

حمید ایزدپناه نوشته است: «در خرابه‌های دره شهر که بازمانده یک شهر زمان ساسانیان است. آثار چهارراه‌ها، کوچه‌ها و معابر آن نظم ویژه‌ای را که در شهرسازی این دوره معمول بوده نشان می‌دهد.» (ایزدپناه، ۱۳۶۳: ۲۶۹).



بقایای شهر باستانی صیمره

راولینسون در سفرنامه خود نوشته است: «... مسیر خیابان‌ها، بازارها، محل کاروانسراها و عمارت در این شهر به خوبی آشکار است» (راولینسون، ۱۳۶۲: ۶۵). استین ویرانه‌های دره شهر را از دوران ساسانیان معرفی کرده است (کریمی، ۱۳۴۷: ۱۲۰). عبدالله قوچانی در مقاله خود نوشته است: صیمره شهری است معروف که در قدیم جزء جبال بوده است. در این مقاله تصویر دو سکه نقره و متعلق به صیمره چاپ شده است که در سال‌های ۳۹۳ و ۳۹۶ هـ ضرب شده‌اند (قوچانی، ۱۳۷۳: ۵۳).



شهر تاریخی صیمره

علی محمد ساکی نوشته است: «دژی متعلق به هرمزان آخرین حاکم عهد ساسانیان در صیمره پابرجاست و هرمزان گاهی در صیمره اقامت می کرده است» (ساکی، ۱۳۴۳: ۴۶۳-۴۶۴). در سال ۱۳۶۲ یک هیأت نقشه بردار به سرپرستی سیف‌اله کامبخش فرد به دره شهر اعزام شده است. این هیأت پس از نقشه برداری و مشخص کردن حریم منطقه و گمانه زنی در چند نقطه موفق شد آثار ساسانی و دوره اسلامی را تا قرن پنجم هجری بیابد. هم چنین، این هیأت در گمانه زنی تپه‌ی سرگچله به آثار ۴ هزار ق. م دست یافته است (کامبخش فرد، ۱۳۶۸: ۵۶). آثار متعددی از دوران باستان در منطقه حائل بین استان‌های ایلام، لرستان و خوزستان بر جای مانده که گویای استقرار جمعیت در منطقه بوده است. حمید ایزدپناه به این نکته اشاره کرده و اظهار داشته است: آثار موجود در منطقه ماژین و غار کول کنی متعلق به دوره انوشیروان، شاه ساسانی است؛ اما با توجه به این که در دوره ایلخانی حکومت منطقه در دست حاکمان ایلکانی بوده؛ بنابراین،

به احتمال زیاد این مکان متعلق به انوشیروان عادل، آخرین حاکم ایلکانی در قرن هشتم هجری بوده باشد (محمودیان، ۱۳۹۵: ۱۵۳).



بقایای معماری



بقایای معماری شهر باستانی صیمره



شهر تاریخی دره شهر در کنار شهر جدید

تزینات معماری دره شهر

بخش مهمی از یافته‌های باستان شناسی در شهر تاریخی «دره شهر»، تزینات معماری است که به صورت گچبری‌های متنوع و شایان توجهی ساختمان مسجد «دره شهر» را تزئین کرده است. این آرایه‌ها متعلق به سطح دیوارها و قوس‌های ورودی مسجد است

، با این توضیح که طاقچه های اطاق ها نیز با قوس های مطبق و با حاشیه های گچبری تزئین شده اند. متأسفانه بخش زیادی از گچبری ها در اثر عوامل مختلف تخریب شده است و به ندرت قطعه سالم و کامل باقی مانده است. مقدار زیادی از این تزئینات به صورت قطعات شکسته پراکنده و گاه متراکم در میان آوارها به دست آمده است. هم اکنون بخش هایی از این تزئینات به صورت لوحه های یکپارچه در ازاره دیوارها در جای خود باقی مانده اند و قاب های دایره شکل در ردیف افقی که تعدادی از آنها در بخش فوقانی فضاهاى مسجد در جای خود به صورت شکسته و یا کامل به جای مانده اند. در مواردی نیز قطعات گچبری در اثر رطوبت شدید و سایر عوامل، فشرده شده و تغییر شکل یافته اند. قابل ذکر اینکه در میان آوار بنای خانه اربابی نیز قطعات انگشت شماری گچبری مشاهده گردیده و تعداد انگشت شماری نیز در بنای کاروانسرا به دست آمده است. کمیت و کیفیت این گچبری ها که زینت بخش دیوارها، قوس ها و طاقچه ها بوده، از اهمیت خاصی برخوردار است. معرفی و بررسی این یافته ها افزون بر شناخت هویت فرهنگی آنان، سندی قابل استناد برای تاریخ گذاری مسجد « دره شهر » و در نتیجه تعیین زمان ساخت و حیات شهر تاریخی « دره شهر » می باشد. نقوش گچبری های موجود در شهر تاریخی دره شهر (صیمره) شامل نقوش گیاهی و هندسی و آرابسک می باشد.

نقوش گیاهی: نقوش گیاهی پیش از آنکه در تزئینات گچی به کار رود، در حجاری ها و ظروف فلزی و سفالی باستانی وجود داشته اند. هر کدام از این نقوش از نظر معنا و مفهوم در جای خود به عنوان نشانه خاص تلقی شده و در بر گیرنده عنصر مفهومی خاص بوده اند. در دوره اشکانی این نقوش به شکلی محدود؛ اما متفاوت با قبل از گچبری ها ظاهر شده اند. این تفاوت در ترکیب حرکت چرخان نقوش تزئینی این عهد

که در دوره بعد شکل کاملتری به خود گرفته نمایان است. نقوش گیاهی که در عهد ساسانی در اقسام متنوعی از جمله آکانتوس (کنگر) پالم (نخل) لوتوس (نیلوفر) انار، تاک و پیچک، انگور، کاج و بلوط و گل‌های برگدار گل رز، درخت زندگی در گچبری ها به کار رفته‌اند مفاهیم عشق، آبادانی، حاصلخیزی، باروری و غیره را تداعی می کرده اند (مکی نژاد، ۱۳۸۷: ۷۳)

نقش پالم: نوعی گیاه است که در سرتاسر دوران تاریخی و حتی ما قبل تاریخی بر روی نقوش سفالینه‌ها در اشکال مختلف ظاهر شده است. این گیاه بیشتر جنبه تقدس داشته و بیشتر مراسم مذهبی بدان توجه شده و از نشانه‌های شگون و برکت بوده است. به همان گونه که گل روزت یا نیلوفر و ترکه‌های درخت انار همواره در نقوش برجسته هخامنشی حضور داشته و در آثار این دوران به چشم می خورند. نقش پالم در آثار کاخ کیش و تیسفون و در تمدن عیلامی شوش و آثار بین‌النهرین و نیز بر روی آثار آشوریان و سومریان به شکل درخت نخل مجسم شده است. طرح پالم کم کم تکامل یافت و سرانجام در هنرهای اسلامی در فرم اسلیمی ظاهر شد و در کارهای نقش اندازی فرش و گلیم و کاشی، فضای جدیدی را گشود.

نقش گل لوتوس و آکانتوس: آکانتوس برگ‌گی شبیه کنگر یا تاک و فرمی نزدیک به پالم و با برگ‌های پهن تر دارد. ولی گل لوتوس از نقوش‌های منحصر به فرد در نقوش برجسته هخامنشی‌ها بوده و در حوالی حجاری‌ها به وفور به کار رفته است. نمونه‌های ارزنده این نقش متعلق به کاخ چال ترخان ری، شهر تاریخی صیمره، طاقستان می‌باشد که در موزه ایران باستان (موزه ملی ایران) موجود است. نیلوفر دارای زیبایی منحصر به فردی است و ضمناً «سمل تجلی و نمودی از علایم مقدس مذهبی است».

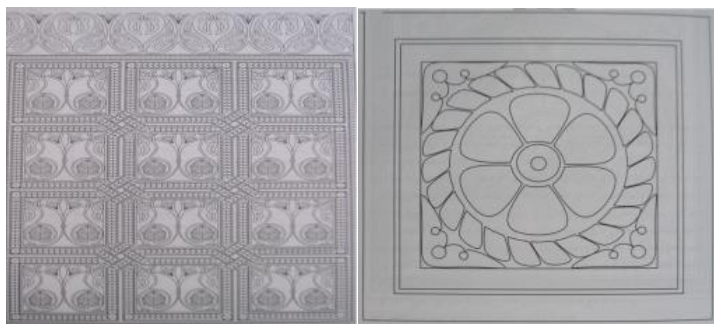
نقش تاک و پیچک: نمونه این نقش در گچبری بین‌النهرین و آثار ساسانی در چال ترخان و شهر صیمره کشف شده است. در آثار شهر تاریخی صیمره نقش انگور و در چال ترخان شاخه‌ای از تاک بر روی آن پرده ای شبیه عقاب یا کبک دیده می‌شود. در اطراف آن نقش گل و بوته و انار می‌توان طرح برگ اناری را یافت. طرح برگ اناری بر روی ساقه متحد‌المركز از غنچه تا مراحل گل و میوه در نقش اندازی بر روی فرش و قالی مورد توجه بوده است.

نقش بلوط: درخت بلوط یکی از قدیمی‌ترین درختانی است که در ایران زمین وجود داشته و از میوه بلوط هم استفاده می‌شده است. هنرمندان از فرم این درخت در تزئین گچبری‌ها الهام جسته‌اند که نمونه‌های از آن را در آثار گچبری‌های کاخ کیش، شهر تاریخی صیمره و چال ترخان و... به دست آورده‌اند (کیانی، ۱۳۷۶: ۹۷)

درخت نخل: استفاده از تصویر درخت نخل و نمونه‌های تزئینی آن در تمدن‌های آسیای جنوب غربی، به ویژه در ایران و بین‌النهرین، از سابقه‌ای طولانی برخوردار است. تصویر کامل این درخت یا برگ آن همواره در تمدن‌های پیش از تاریخ و دوران تاریخی مورد توجه هنرمندان بوده است. نقش آن بر روی سفال، مهر، نقوش برجسته، اشیای فلزی نیز دیده می‌شود. تصویر این درخت نه تنها به دلیل زیبایی آن مورد توجه بوده، بلکه جنبه نمادی و آیینی نیز داشته است. این درخت نماد درخت زندگی، باروری، تجدید حیات و فراوانی بوده است. نمونه‌های زیبایی از آن به عنوان درخت زندگی بر روی اشیای مفرغی دیده می‌شود. در دوره ساسانی و اسلامی استفاده از برگ کامل یا نیم برگ نخل، بسیار مورد توجه هنرمندان بوده است. در دوره سلجوقی و ایلخانی نیز می‌توان شاهد توان و تکامل برگ نخل بود.

نقوش گیاهی که نسبت به دیگر نقوش متداول در هنر ساسانی تنوع بیشتر و شکل مجردتری داشتند، در هنر اسلامی بسیار مورد توجه و بهره‌برداری قرار گرفتند. این توجه شاید ناشی از تشبیهات نظری از کلام خداوند به عنوان درخت پاک (شجره الطیبه) و توصیف بهشت باشد که در نهایت به کارگیری آن در سطحی وسیع و امن و سرشار از صفا و خرمی فراهم می‌آورد. البته برخی از این نقوش در دیگر سرزمین‌های مفتوحه نیز دیده می‌شد. به عنوان مثال (کنگر و تاک بر آثار هنر باستانی و مسیحی هر دو نقش می‌شد. تاک بسیار مورد علاقه فنیقی‌ها بود، هنر سوری و قبطی (هنر مردم مصر در دوره مسیحیت) نیز با این نقوش آشنا بود. این نقوش که هر کدام ویژگی تصویری و مفهومی خاصی داشتند. در هنر اسلامی جذب گردیده و به شکل دلخواه در آورده شده‌اند. یورگهات در این باره می‌گوید. در هنر ساسانی طرح‌های گیاهی تا آنجا ساده می‌شدند که در عین تزئین، نمایانگر منبع الهام و مفهوم مستقل و نمادین خود باشند، اما هنگامی که همین طرح‌ها به اشکالی نزدیک و مطابق با هنر ساسانی در بناهای اولیه اسلامی به کار رفتند، دیگر مفهوم مستقل و نمادین خود را نداشتند. آنچه آنها را در نظام هنری اسلام جذب می‌کرد، به صورت تزئینی شان بود. «دیماندا» در این باره می‌گوید: در تطور و تکامل صنعت از دوره ساسانی بدون هیچ گونه تغییر و تبدیل اقتباس کردند و در موارد دیگر اشکال مجرد جدید به وجود آوردند که به تدریج از آن یک اسلوب مشخص اسلامی پدید آمد (دیماندا، ۱۳۶۵: ۳۳، ۳۴) با طی زمان لازم جهت شکل‌گیری بینش جدید و متقاب آن سبک و سیاقی نو در طراحی و ترکیب نقوش، طرح‌های تکراری ساده و ترکیبات نسبتاً بسته جای خود را به اشکال متنوع و پر جزئیات داد. در پی آن می‌گوید «هنر تزئینی یک ملت چیزی نیست که یک شبه شکل می‌گیرد، آن هم در سرزمینی پر سابقه چون ایران؛ بلکه محتاج ابتکارها و دست

مایه‌های مهم، مداومت تاریخی و پیدا شدن سنت است. با توجه به آثار فراوان حتی از قرن دوم هجری که کاملاً شبیه آثار ساسانی است، دست مایه تزئینی جدید که با دین سازگار باشد، نمی‌توانست زودتر از قرن‌های سوم و چهارم هجری شکل گیرد» (حصوری، ۱۳۷۶: ۹، ۱۰)



نقوش گچبری های مسجد صیمره

آثار وابنيه محدوده شهر باستانی صیمره

آثار وابنيه متعددی از دوره تاریخی در محدوده بخش مرکزی دره شهر و مرتبط با شهر تاریخی صیمره از گذشته برجای مانده است. این آثار از منظر سبک معماری و مصالح بکار رفته در بنای این آثار با ویژگی های معماری شهر تاریخی همخوانی دارد و قابل مقایسه می‌باشد. از این رو، در این نوشتار به مواردی از این مکان‌ها و نمونه آثار برجای مانده از آن‌ها اشاره می‌شود.

آتشگاه دره شهر: این بنای تاریخی در بخش جنوب شرقی شهر تاریخی و بر روی بلندی‌های مشرف بر این شهر واقع شده است. هر چند بنای آتشگاه متعلق به دوره ساسانی است. اما قدمت بنا دوران جدیدتری را نشان می‌دهد و احتمالاً در قرون اولیه اسلامی تجدید بنا و مرمت شده باشد. مصالح به کار رفته در این بنا با مصالح ابنیه شهر تاریخی صیمره قابل مقایسه است و تفاوتی مشاهده نمی‌شود.



چهار طاقی دره شهر

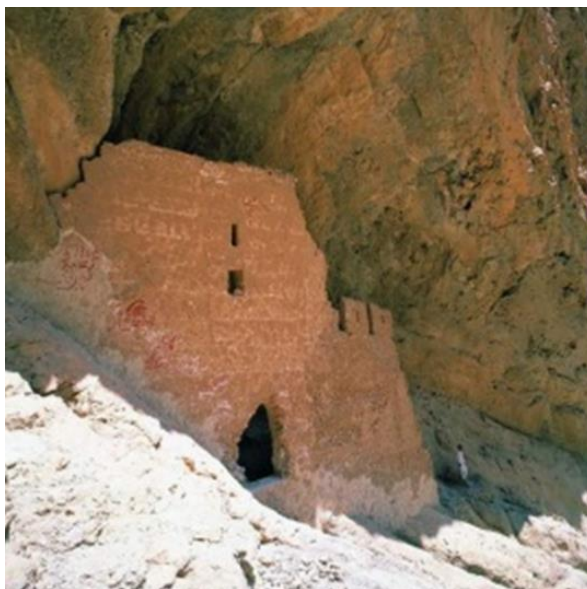
دره شیخ مکان: این محوطه در فاصله شش کیلومتری جنوب شرقی دره شهر و در مسیر جاده دره شهر به پل دختر واقع شده است. آثار: قلعه، پله سنگی، آسیاب، برج‌های دیده‌بانی و آتشگاه و ساختمان دو طبقه‌ای به سبک معماری دوره ساسانی در این محوطه ملاحظه می‌شود. در حاشیه این بنا هفده پله سنگی بر روی سطح دیواره طبیعی دره کنده شده است. دژ شیخ مکان (شیخ ماخو): دژ شیخ ماخو یکی از آثار دوره ساسانی است که بر یک بستر طبیعی صخره‌ای و در یک تورفتگی غار مانند ساخته شده است. این سازه در ارتفاع شش متری از کف رودخانه ایجاد شده است. در فاصله پانصد متری جنوب غربی بنا در پشته شیخ مکان آثار دیوار برج‌های دیده‌بانی مشاهده می‌شود که پیداست دره در دو طرف دروازه شمالی و جنوبی تحت کنترل بوده است. بقایای دیوار و اتاق نگهبانی نفوذ ناپذیر آن دیده می‌شود. به نظر می‌رسد

محوطه شیخ مکان کاربرد نظامی داشته است. استحکامات دژ و قلعه شیخ مکان و سکونتگاه جانبی دره این نظر را تأیید می کند. قسمتی از دیوار سنگی غرب دره دیوار غربی بنا را تشکیل می دهد و دیوار شرقی با سنگ و گچ ساخته شده و چند کنگره بر بالای آن مشاهده می شود. ارتفاع این دیوار در بلندترین قسمت حدود چهارده متر می باشد. این بنا به وسیله حصار محکم و با همان سبک معماری و نوع مصالح ساختمانی در غرب تنگه ایجاد شده است. دموگران در مورد این دژها راه ارتباطی منطقه نوشته است: «اعراب برج و باروی گردنه ها را که مسلط بر جاده بوده اند از جمله برج و دهلیز را خراب کرده اند؛ اما با دقت زیادی جاده ای را که بر ساحل چپ صیمره ممتد می گردد، تعمیر کرده، پل معروف به گاویشان را که امروز خراب است، ساخته و شمار زیادی ساخلو بر کنار جاده بنا نموده اند. از نقطه نظر سوق الجیشی این راه بسیار مهم بوده است.»

خانزادی در مقاله ای در مورد این دژ نوشته است: سطح داخلی و طبیعی این اشکفت برابر ۱۲۶ مترمربع است که از شیب ۴ تا ۶ درجه برخوردار است و شکل ظاهری سطح این پناهگاه به صورت یک نیم دایره کشیده شده است. برای دسترسی به فضای داخل قلعه پله هایی ساخته شده. ساختار این بنا تلفیقی از مصنوعات بشری و طبیعت است که توانسته مقابله ای تقریباً برابر در گذشت زمان با عوامل مخرب جوی داشته باشد. نوع مصالح همگون با سایر قسمت ها و عاملی در سالم ماندن دیوار بوده است و در آن از قلوه سنگ های نیمه درشت رودخانه ای استفاده شده است (خانزادی، وبلاگ ایلام شناسی). ملات ساخت این قلعه از جنس گچ نیم کوب می باشد. کلیه اتصال ها و پوشش سقف و قفل و بست های این بنا از مصالح مصرفی در کل بنا بوده است. پوشش سقف در این بنا از مصالح طاق سنگی است که به صورت ضربی اجراء شده است. در نمای

داخل دیوار آثاری از چوب وجود دارد که وظیفه اتصال بین دیوار و صخره‌های جانبی را داشته و عامل پایداری دیوار در گذر زمان نیز بوده است. در ساختار این بنا از دو نوع تیرکش استفاده شده است. یکی به صورت کنگره‌ها با مقطع مربع و دیگری در دیوار با مقطع دوزنقه می‌باشد. اندود کاری این قلعه از نوع اندود گچی است که با استفاده از دست و در قاب‌های یکسان بر روی دیوار انجام شده است.

آثار تنگ بهرام چوبینه: درّه بهرام چوبین در فاصله چهارده کیلومتری جنوب شرقی درّه شهر واقع شده است. در این تنگه آثار متعددی وجود دارد که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: پل و سد بهرام چوبین، دژ و قلعه، غار و سکونتگاه، اتاق دیده‌بانی در ارتفاعات جانبی و حوضچه‌های سنگی که موقعیت طبیعی منطقه و دیواره‌های سنگی درّه معروف به بهرام چوبینه را به صورت یک دژ مستحکم و استراتژیک در آورده است (رزم‌آرا، ۱۳۱۸: ۵۴).





تنگه بهرام چوبین

دو مجموعه آثار در فاصله دو رشته موازی جانبی دره وجود دارد. بافت معماری و تأسیسات باقیمانده نشان می‌دهد که احتمالاً یک قسمت اشراف‌نشین و قسمت دیگر مربوط به طبقات پایین‌تر بوده است.



بقایای معماری

پل و سد بهرام چوبین: این پل در مدخل ورودی به درّه ساخته شده و دارای دو دهانه کوچک و یک دهانه بزرگ می‌باشد. قسمت عمده دهانه بزرگ به مرور زمان ویران شده؛ ولی دهانه‌های کوچک‌تر که از سنگ و گچ ساخته شده، هنوز باقی است. این پل تنها راه ارتباطی ساکنان دژ بوده است. احتمالاً در این محل سدی برای هدایت آب ایجاد شده باشد. در ارتفاع ۵۰۰ متری نقطه جنوبی دره آثار دیوار و اطاق‌های دیده‌بانی دیده می‌شود. مساحت یکی از اطاق‌های دیده‌بانی ۳/۵ متر است. عرض دیوار باقی مانده ۱/۵ متر و طول آن حدود ۷۰ متر می‌باشد. آثار پله‌های تراشیده شده به صورت مارپیچ و ساده بر روی سنگ‌های بزرگ داخل تنگه مشاهده می‌شود. سیفال‌ه کامبخش‌فرد در مورد آثار تنگ بهرام چوبین نوشته است: «بقایای آثار ساختمانی از دوران ساسانی با قلوه سنگ و ساروج مشاهده می‌گردد که با سبک معماری پل و

آب بند دهانه تنگه کاملاً در ارتباط است» (کامبخش فرد، ۱۳۶۸: ۵۰). قسمت‌هایی از آثار دیوارکشی بر روی ارتفاعات جانبی به طول ۳۰۰ متر باقی مانده است. این دیوارها با مصالح سنگ و گچ ساخته شده و دارای برج‌های دیده‌بانی می‌باشد. بهرام چوبین سردار معروف ایران در زمان هرمز پادشاه ساسانی موقعیتی به دست آورد و توانست پایتخت ساسانی را فتح کند و خود را شاه بخواند؛ ولی خسرو دوم به کمک رومیان توانست او را سرکوب نماید. بهرام چوبین از خاندان مهران بود و می‌خواست به تاج و تخت دست یابد (گیرشمن، ۱۳۷۲: ۳۶۷). در محدوده زمین‌های کم وسعت در حد فاصل صخره‌های تنگه بهرام چوبینه آثار متعددی از اتاق‌های تو در تو و مربع شکل در دو قسمت شرقی و غربی این دره از گذشته برجای مانده است که تقریباً قسمتی از این اتاق‌ها نمایان است و در مواردی طاقچه‌های این منازل مسکونی قابل تشخیص است.

قلعه شاه‌نشین: آثار یک قلعه بزرگ در داخل تنگه و در کنار صخره‌های عظیم آن دیده می‌شود که به صورت چند طبقه ساخته شده است. نوع معماری قلعه و طاق‌ها و طاقچه‌های ساختمان و موقعیت قرار گرفتن این محوطه در تنگه حاکی از آن است که احتمالاً قلعه شاه‌نشین بوده؛ ولی بر اثر حفاری‌های غیرمجاز آسیب دیده است. مؤلف کتاب جغرافیای تاریخی و تاریخ لرستان نوشته است: دراشکفت ویران تنگ چوبینه قصری از زمان ساسانیان هنوز برجای مانده است؛ و در داخل تنگ نیز آثار ساختمان‌های قدیمی نیز دیده می‌شود (ساکي، ۱۳۴۳: ۲۳۱). در محدوده قلعه شاه‌نشین آثاری از حوضچه‌های پلکانی بر روی صخره‌های قلعه ملاحظه می‌شود. این حوضچه‌های زیبا به وسیله جوی‌های کنده شده و سوراخ‌هایی به یکدیگر متصل و مرتبط شده‌اند. علاوه بر آن، دو حوضچه دیگر در استراحتگاه تابستانی قلعه برای استفاده از آب ساخته شده است.



تنگ بهرام چوبین

پل گاومیشان : این پل از جمله پل‌های مهم دوره تاریخی است که بر روی رودخانه سیمره ساخته شده و در قرون اولیه اسلامی مورد استفاده قرار گرفته و تعمیراتی نیز بر روی آن انجام شده است. بیشتر نویسندگان به این نکته اشاره کرده اند که پایه های پل منسوب به دوره ساسانی است. پل گاومیشان در مسیر شاهراه باستانی جنوب به سمت شمال و شمال غرب ایجاد شده و نمادی از تکنیک‌های مهندسی ایرانیان باستان محسوب می‌گردد. مورخان، سیاحان و باستان‌شناسان زیادی در مورد این پل اظهار نظر کرده‌اند. راولینسون طول این پل را ۱۶۵ گام محاسبه نموده است. او در مورد وجه تسمیه این پل نوشته است: گاماشان تحریفی از گاماس یا گاماس آب که سرچشمه اصلی رود کرخه (سیمره) است. واژه گاماس نیز از دو کلمه (گاو) و ماس (ماهی) ترکیب شده و منشأ آن نیز تصویر یک گاو با یک ماهی است که بر کوه چهل نابالغان واقع در سر چشمه اصلی کرخه کنده شده است (راولینسون، ۱۳۶۲: ۶۷).

به نوشته علی محمد ساکی وجه تسمیه آن به مناسبت پرورش گاومیش در کنار رودخانه بوده است؛ و طبق آن چه در محل شنیده است «گومیشه» ضبط کرده است (ساکی، ۱۳۴۳: ۲۲۱). سیف اله کامبخش فرد نوشته است: این پل در مسیر رودخانه سیمره پس از تلاقی رودخانه کشکان و سیمره احداث گردیده، ... بقایای اولیه پل مربوط به دوران ساسانی است؛ ولی قوس های جناقی آجری و سایر تعمیرات سنگی که نمای فعلی پل را در برمی گیرد، نشانگر مرمت این پل در دوره های بعدی به ویژه اتابکان لر کوچک است (کامبخش فرد، ۱۳۶۸: ۵۱). حمید ایزدپناه در کتاب خود نوشته است: پایه های پلی که مربوط به دوره ساسانیان است در جنوب این پل [گاومیشان] هنوز باقی است؛ ولی پل گاومیشان تازه تر و مربوط به اوایل اسلام است (ایزدپناه، ۱۳۶۳: ۴۸۸). در فاصله صد متری شرق پل آثار دوازده پله تراشیده بر صخره ساحل شرقی رود دیده می شود که بر اثر فرسایش تعدادی از آن تخریب شده است.



بقایای پل تاریخی گاومیشان

مشخصات: طول پل که در جهت شرق به غرب ساخته شده ۱۷۸/۴۰ متر محاسبه شده است تعداد هفت دهانه پل مشخص می باشد که رودخانه در بستر خود از چشمه بزرگ پل با عرض ۳۲/۴۰ مترجاری است. پلان پایه های اصلی پل ۲۱/۶۰ متر است. طول و

عرض هر پایه ۷×۱۶ متر می باشد که تا ارتفاع ۳/۷۰ متر با سنگ های بزرگ ساخته شده و از آن پس طاق آجری شروع می شود. پهنای کنونی پل ۵/۵ متر است. بر بدنه طاق در جهت افقی معابری با طاق بلند تعبیه شده است. طبق نوشته راولینسون: وجه تسمیه، این پل از گاما یا «گاماس آب» می باشد که نام سرچشمه اصلی رود کرخه (سیمره) است. واژه گاماسیو از دو کلمه گا (گاو) و ماسی (ماهی) ترکیب شده است (راولینسون، ۱۳۶۲: ۶۷). ایزدپناه در کتاب خود نوشته است: پایه های پلی که مربوط به دوره ساسانیان است، در جنوب این پل (گاو میشان) هنوز باقی است؛ ولی پل گاو میشان تازه تر و مربوط به اوایل اسلام است (ایزد پناه، ۱۳۶۳: ۴۸۸). در فاصله ۱۰۰ متری شرق پل، آثار ۱۲ پله تراشیده بر صخره ساحل شرقی رود دیده می شود که بر اثر فرسایش، تعدادی از این پله ها از بین رفته است. طول آن ۱۷۸ متر محاسبه شده و دارای هفت دهنه می باشد.

پل چم نمشت (چم آب بوده): این پل تاریخی در فاصله چهار کیلومتری شرق شهر دره شهر بر روی رودخانه سیمره ساخته شده است. به علت فرسایش، آب رودخانه در این محل تغییر مکان داده است. از این رو، قسمت عمده ای از ساختمان پل که در مسیر جریان آب نبوده، تخریب شده است. قسمتی از پایه ها و دیواره های آن باقیمانده مصالح این بنا از جنس سنگ لاشه و گچ می باشد. به علت وجود آوار ساختمان پل سنگ های پایه آن مشخص نیست. پل چم نمشت ارتباط دهنده شهر باستانی سیمره با ناحیه طراحان است که از این منطقه راه به سوی پل کشکان و خرم آباد امتداد یافته است. یاقوت در مورد این پل گفته است: در راه بین سیمره و دهکده مجاور آن (طراحان) پل عجیب و شگفت آوری است به اندازه دو برابر پل خانقین که بین حلوان و خانقین است (لسترنج، ۱۳۷۳: ۲۱۸).

مؤلف جغرافیای تاریخی و تاریخ لرستان نوشته است: «پل جم آب بوده از پل گاویشان کوچک تر و مربوط به دوره ساسانیان است» (ساکي، ۱۳۴۳: ۲۲۱). در مجله بررسی های تاریخی آمده است: «چم در لری به معنای پل است. این پل و خرابه های قدیمی آن شاید از زمان ساسانیان باشد» (کریمی، ۱۳۴۷: ۱۷۸). محوطه دارای تراکم سفال بوده است، سفال های خاکستری، سفال با نقش افزوده و نقش کنده، سفال های نخودی رنگ ساده، سفال های قرمز در این محوطه باستانی دیده شده است.

محوطه باستانی هیمان^{۱۹}: در ساحل غربی رود سیمره و رو به روی پل چم نمشت آثاری از یک شهر باستانی در محوطه به وسعت حدود دو کیلومتر مربع به نام هومان مشاهده می شود. در گوشه و کنار این زمین ها پی دیوارها و قسمت هایی از اطاق هایی که با طاق قوسی از جنس سنگ و گچ دیده می شود. آثار محدوده هومان در فاصله چهار کیلومتری شهر دره شهر واقع شده است. به نظر می رسد این شهر محل بارانداز کنار پل و منطقه ای جهت ایاب و ذهاب و حمل کالا و احتمالاً یک منطقه تجاری بوده است. به عقیده دمورگان، ممکن است در زیر این بنا [ویرانه های دره شهر] بادکای یونانی ها و ماداکتو نهفته باشد و هم چنین، شهر دیگری از آشوری ها به نام دورانداسی در مقابل ماداکتو که در ساحل چپ رودخانه سیمره واقع است (کریمی، ۱۳۴۷: ۱۸۰). «احتمالاً منطقه هومان موردنظر باشد.»

قلعه هزار در: قلعه هزار در دره شهر، در شرق این شهرستان واقع شده است که قدمتش به دوره ساسانی می رسد. نمای اصلی این آثار، طاق های هلالی شکل می باشد. با توجه به ساختار معماری، اثر احتمالاً قلعه پادگان نظامی بوده است. پلان اصلی بنا مستطیل شکل است. راهروهایی طولانی در چهار جهت آن قرار گرفته و به وسیله درگاه هایی

^{۱۹}- Heman

چند به اتاق های داخل مرتبط می شوند. این آثار، چند طبقه است که زیر زمین طبقه همکف و طبقه بالایی (با توجه به پی) را شامل می شود. به دلیل پوشش سفت و قطور دیوار و عدم وجود پنجره های باز در راهروها، اتاق ها ودالان ها باید تاریکی در این بناها حکم فرما باشد؛ اما تأمین نور از طریق دریچه هایی به قطر تقریبی یک متر در سقف ودالان، راهرو و اتاق صورت گرفته است که کار تهویه را نیز انجام می داده است. مصالح بنا نیز شامل سنگ های تراشیده و قلوه سنگ هایی است که از گچ پخته به عنوان ملات استفاده شده است، معماری آن همان معماری شهر تاریخی دره شهر است و احتمالاً مربوط به دوران ساسانیان است. آثار پی بنا در چهار طرف بنای قلعه وجود دارد که حصار قلعه را تشکیل می دهد. قطر دیوارها $1/80$ متر اندازه گیری شده واز مصالح قلوه سنگ و گچ در آن استفاده شده است. دیوار جبهه شمالی که مشرف به پرتگاه ایجاد شده است، سفال شاخص این محدوده، سفال نیش گونی است که متعلق به دوره ساسانی است سبک معماری و مصالح این نظر را که احتمالاً بنا متعلق به دوره تاریخی است تأیید می کند.



قلعه هزار در دره شهر، قلعه سپس دره شهر



تزیینات گچبری های دره شهر (صیمره)

در تزیینات گچبری های دره شهر از تنوع و تکرار نقش مایه های گیاهی همچون برگ ها و پیچک های مو و خوشه های انگور، برگ کنگر، برگ نخل، میوه انار و... بهره گرفته شده که با استفاده از علوم ریاضی و پیروی از قوانین هندسی درون قاب بندی های مختلف الشکل طراحی شده اند، در نمونه های به دست آمده، خطوط تشکیل دهنده اشکال هندسی با گره بندی به یکدیگر پیوند خورده و بدین ترتیب هماهنگی قابل توجهی در ارایه نقوش بوجود آمده است. در مواردی نقش مایه ها آمیزه ای از طرح های پیوسته است و نقوش در یک توالی منظم در ردیف های عمودی و افقی تکرار شده اند. همانگونه که اشاره شد مهمترین ویژگی این گچبری ها، تنوع نقوش گیاهی و هندسی است. طرح ها به گونه ای ارایه شده که هر واحد در عین حال که ویژگی خود را حفظ کرده، در نقش دیگری ادامه می یابد و با تمامی نقش ها ارتباط پیدا می کند. نکته قابل توجه در این مجموعه گچبری، عدم حضور تصویر جانداران اعم از حیوان و انسان است (بجز یک نمونه که در یکی از بناها به دست آمده که انسان باروری به صورت کاملاً تجریدی در یکی از گچبری مکشوفه نشان می دهد). به نظر می رسد شرایط محیطی و طبیعت بومی منطقه در آفرینش گچبری صیمره (دره شهر)

تاثیر گذار بوده است. با اتکا به نقش مایه‌هایی همچون میوه کاج و میوه بلوط (جنگل های زاگرس پوشیده از این نوع درخت است)، لاله واژگون نیز در دامنه کبیر کوه در فصل بهار رویش دارد. از میان نقوش گچبری ها، گیاهانی به تصویر در آمده که برای اولین بار در تزئینات صیمره بدست آمده است (لک پور، ۱۳۸۹: ۲۰۵).

نتیجه گیری

ویرانه‌های شهر باستانی منسوب به صیمره از شهرهای دوره ساسانی در جوار دره شهرد از توابع استان ایلام واقع شده است. رودخانه دره شهر از وسط این شهر می‌گذرد و پس از طی حدود چهار کیلومتر، به رودخانه صیمره می‌شود. رودخانه صیمره عامل حیات، آبادانی و استقرار جمعیت در این منطقه بوده است. خرابه‌های دره شهر بازمانده شهر صیمره از قرون اولیه اسلامی و احتمالاً اواخر دوره ساسانی است. آثار چهار راه ها، کوچه ها و معابر با نظم ویژه‌ای که در شهرسازی دوره تاریخی و قرون اولیه اسلامی در این شهر تاریخی باقی مانده است. کلیه بناهای دره شهر از قلوه سنگ‌های گرد و سائیده شده و با گچ ساخته شده‌اند. فراوانی گچ در دره صیمره از یک سو، و سهولت کار با گچ مرغوب از سوی دیگر، معماری دوره ساسانی را به استفاده از آن سوق داده است. احتمالاً این شهر در قرون اولیه اسلامی بر روی بقایای شهری از اواخر دوره ساسانی ایجاد شده باشد. در سال‌های اخیر هیأتی به سرپرستی معتمدی به دره شهر اعزام شده است. این هیأت در ویرانه‌های دره شهر دو فصل حفاری انجام داده است. هم چنین، از سال ۱۳۷۵ هیأت دیگری به سرپرستی لک پور یکی از بناهای دره شهر را مورد حفاری قرار داده است. هیأت های باستان شناسی در دو دهه گذشته بسیاری از محوطه های شهر باستانی و آثار محدوده این شهر تاریخی را مورد پژوهش قرار داده اند.

کشف یک عبادتگاه، خانه‌آریایی متعلق به حاکمان شهر، راسته بازار و برخی آثار دیگر از یافته‌های کاوش در این شهر تاریخی است. گچبری‌های مکشوفه از این شهر تاریخی، بخشی از تاریخ صیمره را در اواخر دوره ساسانی تأیید می‌نماید. این آثار از منظر سبک معماری و مصالح بنای این آثار با ویژگی‌های معماری شهر تاریخی همخوانی دارد و قابل مقایسه می‌باشد. مقایسه آرایه‌های مکشوفه از کاوش‌های باستان‌شناسی دره شهر (صیمره) با یافته‌های گچبری محوطه‌های ساسانی همچون کیش، چال ترخان، قلعه یزگرد و... مشخص می‌کند که این شهر و امدار مستقیم هنر برجای مانده از دوره ساسانی است. در دره شهر شاهد تداوم و تعالی اصول هنری ساسانی در ساختار، طرح، تزئینات و نقش مایه‌ها هستیم و اینکه چگونه سیر تکاملی را طی کرده و در شرق و غرب دنیای اسلام نفوذ کرده است. بدین ترتیب نقش مهمی در انتقال هنر ساسانی به دوره اسلامی دارد. آرایه‌های هندسی که برای حواشی و مرزبندی نقش مایه‌ها به کار رفته و آرایه‌های مکرر از پیچک مو تا برگ نخل بزرگ که در جای‌جای متن نقوش گچبری مسجد دره شهر به دست آمده است. بنابراین، به طور خلاصه می‌توان گفت شهر صیمره از منظر معماری الگویی از معماری دوره ساسانی است. از جهتی مصالح اکثر بناهای برجای مانده سنگ و گچ نیم پخت و نیم کوب بومی است. این مصالح دارای ماندگاری بیشتری است. سبک معماری آثار برجای مانده از دیگر مکان‌های همجوار شهر تاریخی با معماری شهر تاریخی قابل مقایسه است. صیمره با اصول و معیارهای هنر معماری ایرانی و متکی بر شرایط جغرافیایی زاگرس بنا شده است.

منابع و مآخذ

- ابن اثیر؛ (۱۳۶۵)، اخبار ایران، ترجمه محمد ابراهیم باستانی پاریزی، تهران: دنیای کتاب.
- ایزدپناه، حمید؛ (۱۳۶۳)، آثار باستانی و تاریخی لرستان، تهران: انتشارات آگاه.
- بلادزی، احمد ابن یحیی؛ (۱۳۶۴)، فتوح البلدان، چاپ دوم، ترجمه: آذرتاش آذرنوش، تهران: انتشارات سروش.
- پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی (۱۳۷۸)، دایره المعارف بناهای تاریخی دوره اسلامی، مساجد تاریخی، تهران: موسسه انتشارات سوره.
- راولینسون، سرهنری؛ (۱۳۶۲)، سفرنامه راولینسون (گذراز زهاب و خوزستان)، ترجمه سکندر امان اللهی بهاروند، تهران: انتشارات آگاه.
- رزم آرا، علی؛ (۱۳۱۸)، جغرافیای نظامی پشتکوه.
- ساکی، علی محمد؛ (۱۳۴۳)، جغرافیای تاریخی و تاریخ لرستان، چاپ اول، خرم آباد: انتشارات کتاب فروشی محمدی.
- قوچانی، عبدالله؛ (۱۳۷۳)، مجله باستان شناسی و تاریخ (قلمرو حکومت ابوالنجم بدر بن حسنویه به استناد سکه ها)، سال هشتم، شماره دوم، بهار و تابستان.
- کریمی، بهمن میرزا؛ (۱۳۲۹)، راه های باستانی و پایتخت های غرب ایران، تهران.
- کانبخش فرد، سیف اله؛ (۱۳۷۴)، معبد آناهیتا کنگاور، چاپ اول، میراث فرهنگی، تهران.
- کیانی، محمد یوسف؛ (۱۳۷۴)، تاریخ هنر معماری ایران در دوره اسلامی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- گزارشات کاوش های شهر تاریخی دره شهر طی فصول مختلف از سال ۱۳۷۴ تا ۱۳۸۳ – سرپرست سیمین لک پور – آرشیو میراث فرهنگی.

- گیرشمن، رومن؛ (۱۳۷۲)، ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه: محمد معین، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- لسترنج؛ (۱۳۷۳)، جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی، ترجمه محمود عرفان، چاپ چهارم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- لک پور، سیمین؛ (۱۳۸۹) «کاوش‌ها و پژوهش‌های باستان‌شناسی دره شهر (سیمره)» تهران: انتشارات پازینه.
- لک پور، سیمین؛ (۱۳۷۵)، «سفید روی»، تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور.
- لویی، واندنبرگ؛ (۱۳۴۸)، باستان‌شناسی ایران باستان، ترجمه: عیسی بهنام، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- محمودیان، حبیب اله؛ (۱۳۷۷)، راه‌ها و معابر باستانی غرب زاگرس در دوران پارت و ساسانی، تهران: انتشارات سبز رویش.
- محمودیان، حبیب اله؛ (۱۳۹۵)، میراث ماندگار، نشر زاگرو، ایلام.
- محمودیان، حبیب اله؛ (۱۳۹۱)، فرهنگ و تمدن ایلام، نشر زاگرو، ایلام.
- مرادی مقدم، مراد؛ (۱۳۸۵). «تاریخ اجتماعی کردهای فیلی در عصر والیان پشتکوه (ایلام)، تهران: انتشارات پرسمان.
- مکی نژاد، مهدی؛ (۱۳۸۸)، «تاریخ هنر ایران در دوره اسلامی» تزیینات معماری، تهران: انتشارات سمت.
- هول، فرانک؛ (۱۳۸۱)، باستان‌شناسی غرب ایران، ترجمه زهرا باستی، تهران: سمت.

چکیده انگلیسی مقالات

Recognition and Introduction of Elymais Coins in Yasuj Museum
Dr. Farangis Darvishi, Tahereh Amini Shahrezaei

Abstract

Numerous and varied coins of the local rulers of Elymais have been left, which are very important in reconstructing the socio-political history of these tribes as well as identifying their economy, culture and art. According to Greek and Roman historians, as well as the archaeological evidence of the Elymais after the expansion of Seleucid rule in Iran, in the northern part of Khuzestan, between the Bakhtiari Mountains and the mountainous parts of the South Zagros, formed a local government until the extinction of the Parthians and the emergence The Sassanids ruled. Some scholars refer to the name Elymai as "Little Ilam" and believe that they were the remnants of ancient Elam and powerful rulers who later in the Seleucid and Parthian period with opportunities to gain due to the weakness of central governments, the scope of influence and They expanded their dominance to the plains and formed semi-independent and sometimes independent governments, minting coins. The Elamite rulers first minted their coins, imitating the Seleucids and then following the Parthians.

The present study introduces 60 coins of the Elamite rulers in Yasuj Museum. In this descriptive study based on document analysis, coins were directly observed and photographed. According to the reading of the lines on the coins, the study of the faces of the Elamite rulers, the study of religious symbols and the signs of the mint on these coins, it was determined that a number of coins belong to the first group (Elamite rulers called Kamenskirs dynasty) and related to It is before the 30s BC. 59 of these coins belong to the second group (the Elamite rulers are known as the Parthian dynasty), which were minted in the period

of 50 to 125 AD and belong to the second order, Farhad II, Kamnaskirs, the first order and the fourth order.

Keywords: Elamite local rulers, Elamite coins, Seleucids, Parthians, Yasuj Museum.

Archaeological study of handicrafts and traditional handicrafts in the historical settlements of Zagros (Case Study: Stone Objects).

Dr. Habibollah Mahmoudian

Abstract

Throughout his social life, human beings have always tried to know their surroundings, and this identification has been accompanied by mobility and movement. On the other hand, the effort to take advantage of God-given gifts and provide the necessary facilities for life has continued. Creating a place to live and providing the tools and equipment needed for daily life has encouraged him to think and plan to build. This issue has caused human beings to use their abilities to meet their needs. Pay attention to the basic industries using the facilities available in nature (stone, wood, soil, combination of natural elements, etc.)

It has provided the conditions for providing the required supplies and tools. Developments in this field are limited and scattered and in many cases based on the daily needs and biodiversity and livelihood of the people and under the influence of climatic conditions in different regions. The geographical area of the Zagros, as part of the Green Crescent, has had suitable conditions in various ways for housing and settlement, the formation of early communities and the process of developing the required industries. In this article, the aim is to study stone objects in order to collect handicrafts and traditional handicrafts of Zagros residents.

Keywords: Zagros, traditional handicrafts, stone blade, stone utensils, clay inscriptions

An Introduction to the Geometrical Patterns in the Iranian Architecture from the Ancient Times to the Present. Ali Khaki

Abstract

Geometrical diversity in Iranian architecture is too significant that the Iranian architecture cannot be summarized and compared with the architecture of the countries such as Greece. Each building in the Iranian cities and villages has had its own specific architecture, principles, and geometry, which designed and built based on their particular demands, intellectual and mystical principles. The geometrical patterns in Iranian architecture are of significant importance. The history of the dwelling of Iran dates back to 40-50 thousand years ago based on the archaeological findings in Khorram Abad and Lorestan. Some resources point out the signs of dwelling in Iran dating back to 200-400 thousand years ago. The geometrical patterns in past architecture are of particular importance. Also, the archetypes that belonged to their specific place, time, and culture can be identified and extracted by studying the prominent buildings of the ancient times, including the Elam era, Median era, Achaemenid era, Parthian and Seleucid eras (Arsacid empire), Sassanid era, Islamic era, Seljuk era, Ilkhanid era, etc. The architectural patterns of each period reflect the culture and art of that period, and each new architectural style was based on the principles, methods, and traditions of the previous styles. There are historical buildings and marvelous works throughout this ancient country, and what has been lost over time for various reasons is the result of centuries of work and effort of our ancestors who have spared no pains in this regard. Iranian architecture has several features in different periods that are of significant value compared to the architecture of other countries. These features, such as proper, accurate calculations, the proper form of covering, observing scientific and technical rules in the building, and various decorations, manifest the glory of the Iranian architecture while being simple. However, what can be seen in

contemporary architecture and after the second Pahlavi era is a broad range of tendencies and art movements, which tries to direct Iranian architecture towards a free identity .

Keywords: Geometrical patterns, Ancient Iran, Contemporary architecture, Iranian Architecture

The Origin of the line of Arvand River or Halil River. What is our response to this dispute?

Rahim Tazri

Abstract

Archaeological excavations at the ancient sites of Kerman province, especially the Halil River and Jiroft basins, led to the opening of a big civilization in eastern Iran. Archaeological studies show that during these researches, more than three hundred unique objects made of soapstone were discovered and introduced. Archaeological finds near the cities of Jiroft and Halil River have opened a new horizon for archaeologists' views on Middle Eastern civilization. This civilization dates back to the fifth millennium BC and its people lived in the fertile plain of Halil River. Ornamental objects and utensils are made of clinchroline mineral, with embossed and innovative designs, a product of the fifth millennium.

The line discovered in 2008 and in the ancient site of Kenar Sandal Jiroft, changed many equations in relation to the evolution of line formation. So this line is called "East Line". In this article, an attempt has been made to study the dimensions of this issue .

Keywords: Halil River, Kenar Sandal, Elamite Script, Soapstone, Hieroglyph, Shahdad.

Study of demographic changes in Chavar area in Iron Age III (Based on archaeological findings) Seyed Mohammad Derakhshandeh, Dr. Khoda KaramMazaheri, Dr. Parisa Pourmohammadi

Summary

Chavar area is considered as one of the important archeological sites of West Zagros in the Iron Age III. The archaeological sites of this era were scientifically excavated by archeological teams in the 80's. Almost all the cultural finds of this period have been obtained from cemeteries and are exclusively burial artifacts. Although extensive studies have been conducted on archeological excavations of the Iron and Bronze Ages, the population of these areas has not been studied and analyzed scientifically.

Therefore, in this article, an attempt has been made to study this issue from different angles.

The large amount of data and the frequency of cemeteries of this period, indicates this issue. The general purpose of this article is to study the demographic changes in the region in this important period of establishment. Burial tools and objects are among the most important identities studied in this article.

Keywords: Iron Age III, Archaeological excavations, Iron Age cemeteries, burial methods, Iron Age demographic changes, Chavar

Investigating the features of traditional architecture of the ancient city of Seymareh in the historical period

Azadeh

Mahmoudian

Summary

The historical city of Seymareh is located in the West Zagros region and within the borders of Ilam province.

Historical studies and maps of ancient roads and highways show that this region is located between the great capitals of the ancient world such as Susa, Hegmataneh, and Ctesiphon.

Archaeological studies show that parts of the remains of the city's architectural structures, including: residential houses, lord's house, a building known as a mosque, bazaar, etc., have survived from the historical period and early Islamic centuries.

The city of Seymareh has been important in the historical period and early Islamic centuries due to its geographical location, favorable climate, the flow of the Seymareh river, Kabirkuh mountain and being located in the connection route between the river and the central plateau. Due to its special location and the need for continuous communication between population centers in ancient times, several bridges have been built on rivers in the region, which may be considered as one of the most important ancient sites in the world in terms of historical bridge density. There are special features. In this article, while introducing the city of Simareh, the architectural features of this historical city are studied.

Keywords: Kashkan, Seymareh, Sirvan, Arbabi House, Rasteh Bazaar, Kabirkouh

In this issue you read:

1. Recognition and Introduction of Elymais Coins in Yasuj Museum Dr. Farangis Darvishi, Tahereh Amini Shahrezaei.
2. Archaeological study of handicrafts and traditional handicrafts in the historical settlements of Zagros (Case Study: Stone Objects) Dr. Habibollah Mahmoudian.
3. An Introduction to the Geometrical Patterns in the Iranian Architecture from the Ancient Times to the Present Ali Khaki.
4. The Origin of the line of Arvand River or Halil River. What is our response to this dispute Rahim Tazri.
5. Study of demographic changes in Chavar area in Iron Age III (Based on archaeological findings) Seyed Mohammad Derakhshandeh, Dr. Khoda KaramMazaheri, Dr. Parisa Pourmohammadi.
6. Investigating the features of traditional architecture of the ancient city of Seymareh in the historical period Azadeh Mahmoudian.

Referees this issue:

Dr. Reza Khani
Dr. Soheila Darvishi
Dr. Shahin Heidari
Dr. Ebrahim Moradi
Dr. Lily Niakan
Dr. Haji Karimi

Features

The articles should be the result of authors' studies.
The article should not be published in another publication
The publication of the paper is subject to the final approval of the quarterly editorial board.
Acceptance of the paper for printing, after approval by the jury.
Responsibility for the content of the article is the responsibility of the author (s).
The magazine is free to edit its literary and technical content without altering its content.
The article should not be larger than the 20 standard pages of the Quarterly.
The full name of the author, grade, university, place of teaching or education, field of study and telephone number of the author are added on separate pages.
Submission of the article is possible only through the e-mail of the Ilam Studies Department.
The titles of tables, images, maps, drawings and charts are listed below with the number (description and mention of the source).

Paper structure

The article should have the following structure:
Abstract, introduction, original text, conclusion, writing, sources and abstract.
Title: The overall title of the article is in a way that expresses the content of the article.
Author's Specifications: Includes name, family, degree, academic degree, and field of study, university where it is taught or studied.
Abstract: A comprehensive description of the article with limited terms, including: problem statement, purpose, research method and research

findings. It should be noted that the abstract of the article should not exceed 200 words (12 lines).

Key words: It contains 4 to 7 specialized words that are important.

INTRODUCTION: The main issue is the main problem and the purpose of the research; in this section, research findings in the area of the problem should be briefly discussed

Original text: Contains the main text of the article and can be associated with the table, image, and graph.

Conclusion: Includes Summary and Conclusion

Writing: Important statements which comes after coclution

Sources: listing article references based on journal structure

English abstract: English abstract should be exactly the translation of the Persian abstract

Text style

The article should be written with the font B zar and the size 13, the distance between the lines of 1.15 (single) and in the word format. Abstract, key words, references in parentheses, poems, and any thing that comes in parentheses should be written in size 11. Direct transcripts of more than five rows, should be come apart from the original text, with a centimeter indent on each side and with the same font, but with a size of 11.

Referrals to resources

References in the article should be documentary and based on valid evidences.

Reference inside the text: Author's surname, year of publication: page number(s),

Farsi example: (Negahban, 54: 1376), Latin: (Smith 1999: 33)

Reference to the book in the section of the final references: surname of the author, author's name, date of publication (in parentheses), title of the book, name and surname of the translator or editor, volume, print edition, publisher's name,

Place of publication.

Reference to the article: author's surname, author's name, date of publication of the work (in parentheses), the title of the article (in parentheses), the name of the author or translator, the main title of the

encyclopaedia or the journal, the period or year of publication, Number of article pages.

Year of defense (in parentheses), the title of the thesis,

The defense grade, the name of the supervisor, the name of the university and the school of study.

Reference to historical documents: title of document, classification and access number, name of book archive

Referrals to Internet sites: Surname of the author, author's name, date of entry in the website (in parentheses), title of article or work (in parentheses), electronic address of the website.

The sources of the paper are arranged alphabetically and based on the author's surname; the sources mentioned at the end of the article are the same sources used within the text.

The title of books and articles in the sources of the end of the article should be mentioned completely. Non-Persian sources should bring after Persian sources.

Note: All papers received will be judged by two judges

Editorial board:

Dr. Parisa Pourmohammadi

Specialty: Archaeological

Dr. Shahin Heidari

Specialty: Architecture-Energy

Dr. Haji Karimi

Specialty: Geohydrology

Dr. Reza Khani

Specialty: English Language and Literature

Dr. Ali Khaki

Specialty: Structural Architecture

Dr. Leyla Khosravi

Specialty: Archaeological

Dr. Frangis Darvishi

Specialty: Archaeological

Dr. Gholam Hossein Karimi Dousan

Specialty: Linguistics

Dr. Ebrahim Moradi

Specialty: Archaeological

Dr. Khodakaram Mazaheri

Specialty: Archaeological

Dr. Lily Niakan

Specialty: Archaeological

Dr. Siavash Yari

Specialty: History of Islam.

Quarterly Ilamology Studies Quarterly Specialty

Number 19 * Fifth year, summer 1400

Owner and responsible manager:

Dr. Habibollah Mahmoodian

Editor: Dr. Siavash Yari

Managing Director: Azadeh Mahmoudian

Director of Technical and Media Affairs:

Omid Mm Mahmoodian.

Persian editor: Ali MohammadNiakan.

English Editor: Dr. Parisa Pourmohammadi

Review Page: Masoumeh Safaeinia

License number: 78809 1395/10/6

Publisher: Zagro Publishing

Number: 500

Price: 65,000 Tomans